نشریه شماره ۱ لجنه ضیافات نوزده روزه

طهران

اول شهرالمشیة سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع

(۵ الی ۲۳ مهرماه ۱۳۲۳)

مقدمه

در ظل عنایات و حمایت حضرت ولی امرالله و با اجازه و تصویب محفل مقدس روحانی لجنه ضیافات نوزده روزه طهران در این سال خجسته که سنه اول قرن ثانی بهائی است از ابتدای شهر المشیة اقدام بانتشار این نشریات مینماید و منظور کلی انکه با اطاعت وتبعیت از آمال و نوایای عالیه مولای توانا عظمت و اهمیت تاسیس بدیع ضیافات نوزده روزه بر یاران الهی کما هو حقه روشن و هویدا گردد و نیات لجنه مربوط بنظم جدید ضیافات با برگرامی ساده و منطبق با دستورات مبارکه بعرض عموم برسد و بعضی از اصول و و مبادی و معارف و معلومات امری که اطلاعش بر اهل بهاء لازم و ضروری است بقلم ارباب دانش و فضلای اهل فن تشریح و توضیح و شمهٔ نیز از تاریخ دیانت بهائی و خلاصه از کتب مهمه امریه و همچنین کتب غیر امریه مربوط باین ائین نازنین درج شود و حس فحص و تحقیق وتحری و تدبر و تلاوت ومطالعه در افراد یاران تشویق گردد تا رفته رفته با توجه بمواهب ضیافات که حجر زاویه و شالوده اصلی تشکیلات بدیعهٔ عظیمهٔ بهائی است عموم یاران با موانست و الفت با یکدیگر و تلاوت آیات و تدبر در معانی و فراگرفتن معلومات امریه و تخلق باخلاق رحمانیه وتضرع خاضعانه در استان مولای یگانه و اقدام بامر شور در جلسات ضیافات که وسیله جلب تاییدات لاریبیه برای جامعه است با انجذابی عاشقانه و فعالیت و جدیتی عظیم در میدان خدمت مزید اعلی ما سبق موید و موفق شوند .

از تحریرات این شماره قسمت ۱ و ۲ بتصویب محفل روحانی ملی مزین گشته ولی حسب الامر محفل مقدس تحریرات بعدی بتصویب لجنه مجله مرکزی معارف و تالیفات امری خواهد رسید و بصورت جزوه تکثیر خواهد شد تا این جزوات بهم پیوسته کتابی تشکیل دهد و نسخی اضافه بر احتیاجات ضیافات طهران نیز تهیه خواهد شد که اگر یاران طهران و حومه و یا سایر احبای ایران مایل باشند بتوانند انرا برای مطالعه در خانواده خریداری کنند ازاین جزوه ها سالیانه بیست شماره یعنی در هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین یک شماره تکثیر و مجانا بضیافات طهران ارسال خواهد گردید ولی برای افراد یاران طهران و قسمتهای دیگر ایران قیمت هر جزوه پنج ریال و اشتراک سالیانه ۷۵ ریال تعیین شده است و پس از وصول وجه بلجنه ضیافات جزوات فرستاده خواهد شد و با گرانی فوق العاده وسائل تکثیر این قیمتها فقط قسمتی از مخارج را کفایت میکند و بقیه مطالب از وجوه عمومیه ملیه تامین خواهد گشت .

لجنه ضیافات نوزده روزه ــ طهران

اول شهرالمشیة سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع

مطابق با پنجـــم مهر ماه ۱۳۲۳

۱ ــ متحد المآل لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

پـرگرام جدید جلسات

در این گیر و دار هستی که هر کس در نهایت همت بجلب نفع و کسب معیشت و تحصیل جاه و ثروت سرگرم است چه خوب و مطلوب بود اگر ساعتی فراغت برای ما اهل بهـا دست میداد تا بخود بیاندیشیم که چرا بهائی شده ایـم میگویند که "چرا" سازنده بنای مدنیت و محرك قـوی چرخ ترقی و فعالیت است چه که هرگاه روح متجسس و نقاد ادمی از بدو خلقت تا زمان کنونی بمحض تصادف با امـری جدید "چرا" را بمیان نمیاورد هنوز اولاد ادم چون مرغان هوا و وحوش صحرا در حال بدویت و بساطت طبیعت باقی مانده بودند پس کلمه "چرا" که موسس کاخ ترقیات و مدنیت است چرا در کار ما اهل بها خود نمائی نکند واقعاً چرا هر لحظه نگوئیم "چرا" ....

"چرا" بعضی از ما باقتضای ولادت وبرخی بسائقـه رفاقت وعده پس از تحقیق بهدایت جدیت در زمره نفوسی در امده ایم که عالمی با انها در جنگ و ستیز است ؟ "چرا" سنگ دشنام دائما بر سر ما فرود میاید ؟ "چرا" سهام اعتراض و ضدیت و معارضه ومخالفت وعناد وعداوت بسمت ما متوجه است ؟ "چرا بیست هزار نفس مقدس از بین ما پاکوبان و هلهله کنان بمشهد فدا شتافتنـد اند ؟ چرا و چرا و چرا ؟ در جواب باید گفت "زیرا" "زیرا" ما مردمی هستیم که علی رغم عادت و بر خلاف طبیعت دست رد بسینه سابقه وعقاید وعوائد گذشته زده بهدایت الهیه وبسلاح تحقیق و مجاهده باین حقیقت پی برده ایم که دین

الهی مانند سایر شئون حیات چون گرفتار پیری و سالخوردگی و یا فصل زمستان و موقع سردی شود لا علاج تجدید و تغییر یابد وآن جسم منحل و متلاشی بخاك فنا رجوع کند و ظهور جدید الهی چون طفل نو رسیده با استعداد نمو و ریحان نموار گردد شمس ظهور در برجی جدید در افق اشراق بدرخشد وعالمی منجمد و ظلمانی را بانوار جانبخش خود روحی تازه و طراوتی بی اندازه بخشد .

حال اگر با اذعان باین حقیقت ما هزاران ظلم و جفا ومصیبت و ابتلا و محرومیت و بلا را در امور مادی بجان خریدار شده و هر لحظه برای اثبات دوام حیات روحانی و نوران وغلیان قوای روحی خود قربانیهای جدیدی در مشهد فدا چون شاهرود و نقاط اخری تقدیم ساحت کبریا میکنیم و در دوائر و مقابر و مساجد و معابر مکفر و مطرود و مطعون ومردود خوانده میشویم ایا روا است که در بارگاه عظمت و جلال جمال اقدس ابهی نیز العیاذ بالله مقبول و مقرب نباشیم و جور اهل دنیا را که الحمدلله از هر جهت شامل است خدا نکرده با بی مهری و سلب عنایت از ساحت مولای بی همتا توام سازیم چه که در بارگاه عز جمال قدس ازلی ان کس بهائی حقیقی و مقبول و محبوب حبیب معنوی است که مطابق نص کتاب مستطاب اقدس عرفان مشرق وحی ومطلع امر را با عمل باحکام توام کرده باشد و یکی از این دو شرط بدون دیگری مقبول نیست پس باید دید حال نفوسیکه واجد هیچیك از دو شرط فوق نشده اند چه خواهد بود زیرا در مقام اول لازمه عرفان و شناسائی مظهر ظهور تحقیق و مجاهده و فهم دلائل حقانیت حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی بتمامها است و بعد در مقام مبین

و مفهوم عهد و پیمان و بعد ازان معنی ولایت و تمسک
و توسل بحبل المتین آن است که جمعا برای اهل بهـا
تعبیر بعرفان مشرق وحی و مطلع امر میشود و در مقام
ثانی لازمه عمل باحکام اطاعت از جمیع فرائض و سنـن
و اطلاع از جمیع مبادی و اصول است تخلق باخلاق روحانیه
است و تشبث بشیم رحمانیه و لازمه هر دو مقام تلاوت و ترتیل
ایات و اطلاع از کتب امریه و دلائل و بینات و احتجاجات
ملل سائره و جواب کافی برای انها است و لازمه این امر
کسب سواد واندوختن سرمایه علمی وجمع اوری معلومات است.
پس اگر ما اهل بهاء خدای نا کرده اهل سواد نباشـیم
و یا به مبادی سواد و فرا گرفتن اصول اولیه ان اکتفـا
کرده بوسیله مطالعه و درس و بحث بمدارج بالا نرسـیده
باشیم و یا ازانجا فرا تر نرفته بزیارت و تلاوت الواح و ایات
مظاهر مقدسه این عصر انوار نائل نشده و ازان بحر ذخار
و اقیانوس اعظم نصیبی نگرفته باشیم و یا دلائل و بینات
حقانیت ان مظاهر مقدسه را نشنیده و یا شنیده و درک
نکرده باشیم و یا پس از وصـول باین مقامات در صدد عمل
بوظائف و تخلق باخلاق بهائی بر نیامده باشیم و خود را
جسما و روحا مظهر لطافت و پاکی و طهارت و ازادگی
ننموده باشیم بهریک ازاین مراحل که نرسیم و یا در هـر
منزلیکه رحل اقامت بیافکنیم بافتضای شدت و ضعف تقصیر
خود عندالله معاقب و مسئول و اجر فحش و دشنام و محرومیت
و مظلومیت و زجر و عذاب و کتک و شماتت و طعن و استهزاء
را از دست داده که سهل است در دستگاه عدالت الهیه
خجل و شرمسار و محکوم و گنه کاریم .

کمی به دیدهٔ تعقل نظر فرمائید از انصاف دور است که ما بصرف غفلت و قصور خود هم باسم محبوب چوب بخوریم و جان بسپاریم و هم در نزد محبوب مقبول نبوده و یا خدا نکرده مردود شویم پس چاره چیست و برای تغییر این اوضاع چه باید کرد در هر حال خواهی نخواهی چه بهائی کاملی باشیم و چه ناقص چوب عوام و جور خواص ارزانی ما است . واز ان گریزی نیست پس چرا بهائی ناقص باشیم و جور را بی اجر و چوب را بی مهر محبوب متحمل شویم ؟

بالان مقدمه بر هر نفس منصفی واضح و مبرهن است که یا بهائی باید چون طفل سبق خوان که از ابتدا با سرپیچی از امر استاد از خواندن الف و با امتناع نموده گفت یک عمر رنج تحصیل دنبال این دو حرف است از قدم اول در راه عشق الهی قدم نگذاشته و طریق جانبازی و دلداگی را پیشه خود نساخت و یا باید از همان مرحله اول رنج کسب سواد و تبحر در علوم وتجمع معلومات و همچنین همت در تلاوت و ترتیل و فهم ایات و فرا گرفتن دلائل و حجج بالغه و معارف الهیه وتخلق باخلاق رحمانیه وعمل بوظائف و سنن و احکام ربانیه را برخود هموار کند وبداند که هر یک ازاین معدات و مقدمات را که فرو گذارد بهمان درجه از مدارج ترقی و تعالی ونجاح و رستگاری و مقبولیت در درگاه الهی ساقط گشته ودر حقیقت عالمی بی عمل و مطلق مجرم ومومنی مسئول ومردود و حبیبی در درگاه محبوب محکوم ومطرود است و شاید در انحال عذر غافلان و بیخبران در نزد خدا مقبولتر و پسندیده تر باشد تا عذر او چه که محتمل است که غافل بی خبر بعذر بی اطلاعی در دستگاه

رحمت مستوجب عفو و مغفرت گردد ولی مومن مطلع که از حلیه عمل محروم شود بجرم اطلاع و غفلت ناچار مستحق عذاب و سخط شـــود .

لجنه ضیافات نوزده روزه بهدایت نصوص صریحه قاطعه متوجه این نکته گشته که تاسیس بدیع و بی سابقه ضیافت بهائی که مثلش در هیچیک از موسسات روحانی و کشوری و اجتماعـــی ملل سائره وجود ندارد شامل حکم بالغه ونتائج عظیمه ظاهره و باطنه است و بعضی ازنتائج ومزایا و فوائد و هدایای آن برای جامعه که بعقل بشری درک توان نمود بقرار ذیل است .

موانست و اشنائی و رفاقت و شناسائی افراد احباء با یکدیگر ــ فراهم شدن فرصت اگرچه خیلی کوتاه و با فـواصل زیاد باشد برای توجه به پرسشهای راجع بمسائل مربوطه بزندگی روحی و جسمی خودمان و بدست آمدن موقع برای بکار انداختن حس مطالعه و بررسی وغور و دقت و تشخیص درد وعیـــب و نقص که طبیعی بشـــر است واگر بجای خود اعمال شود از فضائل عالم انسانی و درغیر موقع منشاء غیبت وافترا و پرده ــ دری و هتاکی است ــ شور در مسائل امری راجع بطهران و سایر نقاط ایران ــ تقدیم پیشنهادات توسط لجنه ضیافات بمحفل مقدس روحانی طهران ومحفل ملی ــ مذاکره و مشاوره در جمیع اموری که از شئون اجتماعی ما و مربوط بخیر و صلاح عمومی است و رفع نواقص وتکمیل فضائل بوسیله بحث و فحص و پیشنهاد بمحفل محلی و ملی و غیره و غیره .

باین منظور است که لجنه ضیافات در سال جاری از محضر محترم احباء و املاء رحمانی از هرطبقه و پایه و هر درجه از مایه علمی و امری تمنای عاجزانه دارد که با لجنه تشریک مســـاعـی

فرمایند تا باتفاق و رفاقت یکدیگر و با رعایت برگرام ذیل بخود جرأت داده کمی وارد وادی تحقیق و تحری شویم و از نواقص علمی و اموی خود بکاهیم :

۱ ــ حضور مرتب در جلسات ضیافات سر ساعت ولی ساعتی که خود اعضاء جلسه برای اکثریت تعیین مینمایند . بدین معنی که از غیبت و تعویق ورود که موجب اتلاف وقت اعضاء وقت شناس است محضر رضای مولای توانا و رعایت خیر و صلاح خویش خود داری نمائیم کار زیاد را دور و وقت کم و منحصر بدو ساعت و نیم وان هم نوزده روز یکمرتبه است . انصاف نیست خود را از آن محروم سازیم و یا پس از حضور در جلسات اجازه دهیم که دستگاه تفکر و توجه وحضورقلب ما از کار بیفتد .

۲ ــ صوف یکساعت و نیم از این مدت بکسب معلومات و مطالبی که لجنه در هر جلسه با قبول زحمت فراوان تهیه نموده و به نهایت عجز و شوق در دسترس عموم خواهد گذاشت این مدت کوتاه البته کافی برای علاج دردهای بی درمان و امراض مزمن مهلك ما نیست ولی ارزو انکه در این مدت شاید فقط مبادی ونکات اساسی بدست آید تا مگر بیك اشاره کبریتی به مخزن انجذاب و اشتعال وتوجه و اقبال احبای خدوم و خالص جمال اقدس ابهی اشنا شده و با شعله جانسوز آن در اوقات و ایام فراغت بوسیله کسب معارف حقیقیه و تمرین و تجسس و مطالعه اتش بخرمنی از مجهولات و نواقص زنیم تا انشاء الله دست توانای امر الهی بکلی ان نواقص را از میان بردارد ومقام رفیع ومنیع خود را در جامعه امر احراز نمائیم . چه بسا از ما که با اشتعال و انجذابی درونی راحت و اسوده تکیه بر مسند رضایت خاطر داده ایم

ولی ناگهان به تلاوت یک آیه و استماع یک مطلب بخود آمده و دیده ایم که هنوز برای تکمیل نواقص وتطبیق اعمال ورفتارمان با تعالیم الهیه و رفع نقائص مراحل عدیده باقیمانده که باید بتاییدات الهیه و توفیقات صمدانیه و سعی و همت و کوشش فوق العاده آن مراحل باقیه را طی نمائیم و تعالیم مقدسه الهیه را در حیات روزانه خویش مجسم و مصور سازیم تا بهائی حقیقی شویم و اعضاء لائقه جامعه عظیم امر گردیم .

قدری توجه فرمائید در حینی که اغلب از ما عند اللزوم جان بر کف در مشهد فداء عاشقانه جانبازی میکنیم آیا روا است که ازورود بوادی تعقل در اوضاع خود پرهیز و اجتناب نمائیم و بعضی از عادات دیرینه وعقاید پوسیده و راه و رسم اجدادی و ملکات محیط فاسد و جامعه کاسد را دو دستی گرفته چون جان شیرین عزیز شماریم . ذات بی چون وچند ذات غیب منیع لا یدرک است وماوراء او در وادی چون و چند و چرا و زیرا افتان و خیزان اند در ضمن این یکساعت و نیم بعدد مبرزین اعضاء جلسات که بحمدالله آیات انقطاع و روحانیت و انجذاب و فعالیتند ما اعضاء انجمن و جلسات ضیافات که جمعا جامعه بهائی طهران را تشکیل میدهیم دست یکدیگر را گرفته بر فق و مدارا ولی بدون ترس و بی محابا وارد وادی صعب العبور تحری وتفحص خواهیم شد تا بدانیم که چرا چنینیم و چرا چنان و با نهایت صداقت و بدون شرم و خجلت نواقص خود را دیده و در صدد چاره و استعلاج بر خواهیم آمد .

۳ ــ نیمساعت دیگر از وقت صرف مشاوره و مذاکره و بحث و حلاجی مطالب مورد ابتلای جامعه بهائی طهران و ایران

خواهد شد . در این مدت چنانکه قبلا مذکور گشت حس مطالعه وتدبر و تعمق و پی جوئی از معایب و نواقص را که فضیلتی ملکوتی و مایه ترقی و تعالی است در شئون عمومیه امریه بنهایت شدت بکار خواهیم انداخت مذاکره میکنیم و پیشنهاد میدهیم و بجای ارتکاب غیبت از نجویهای خانگی و مضمونهای داخلی و مذاکرات در خلوت که بهدایت نفس اماره برای اقناع حس طبیعی عیب جوئی از دستش خلاصی نداریم برای اطاعت از امر مولی و تشبث بوسیله حتمی جلب تایید برای جامعه اهل بهاء آراء ونظرات خویش را در میدان مشاوره بمیان میگذاریم و استحداث تعمق و تدبر خود را برای ترقی وتکمیل موسسات عمومیه امریه بکار میاندازیم بدون اینکه در خصوصیات شخصی وارد شویم لذتی شیرین و شرعی بدست میاوریم و مظفرانه بسوی تکامل وتعالی و ترقی رهسپار میگردیم پیشنهادات و نظرات پس از مشاوره و بحث وتصویب توسط کمیسیون باسرع وقت بمحفل مقدس روحانی ارسال خواهد گشت و آنچه بتصویب رسید مجری ومعمول خواهد شد واین لجنه ضامن تعقیب واستعلام از نتیجه واعلام آن به جلسات است .

٤ ــ نیمساعت باقی مانده صرف چای وضیافت در نهایت سادگی و بساطت خواهد گشت و در این مدت موانست و نزدیکی بیشتری بین افراد احباء فراهم و اگر خدا نکرده رائحه اغبرار و برودتی در بین باشد در محیطی آرام و مواج از احساسات بهائی بترتیبی معین زائل ومرتفع خواهد شد .

امیدواریم با همکاری و موافقت عموم احبای الهی این لجنه از عهده انجام وظائف برآمده و بتواند مواقع ضیافت را ساعاتی

مغتنم جهت کسب فضیلت و تکمیل معلومات وترتیل ایات و فهم بینات و توجه باخلاقیات و شور ومذاکره و پیشنهاد و اظهار نظر در مسائل جاریه و رفع نواقص و نقائص نماید تا همگی بشوق و شعفی وافر سر وقت در جلسات حاضر شده ازتعویق ورود و غیبت تا ممکن است طوعا و رغبة اجتناب ورزیم وتدریجا کسب معلومات علمی و امری نموده بهائی محقق و مصدر خدمات عظیمه ومبدء ومنشاء خیرعموم و صلاح عالم شویم .

— ۲ —

در قسمت ا که شامل پرگرام جدید این لجنه بود گویا تصمیم گرفتیم که با رفق و مداراولی بدون ترس و بیم وارد وادی تفحص و تجسس شویم لذا ازاین تمایل عمومی تبعیت کرده به این کار اقدام میکنیم انسان با حزم و اراده از کاری که خیر او و دیگران در اواست پس از اقدام دست نمیکشد و رنج طلب را هر چه باشد با بردباری تحمل میکند .

اجمالا فهمیدیم که بشهادت آیهٔ اول کتاب مستطاب اقدس از لوازم اولیه ایمان بخدا و اقبال بحق در این آئین نازنین عرفان مشرق وحی ومطلع امر وعمل باحکام است معنی عرفان مشرق وحی و مطلع امر و همچنین عمل باحکام نیز مختصرا معلوم شد و دانستیم که بشهادت این ایه اکثریت ما باید راه خیلی دور و درازی برویم تا در نظر حق در جمع اهل بهاء قبول شویم و باصطلاح امری از ساکنین سفینه حمراء گردیم حالا برای اینکه درست چشم ما باز شده باین حقیقت بسیار تلخ اعتراف کنیم بخود جرئت داده فقط برای مشاهدهٔ مناظر همین موضوع وارد وادی تدبر و تعمق و تفکر درباره

نواقص وا مراضخود میشویم .

در این وادی اول چیزی که جلب نظر میکند این است که چرا در جمع ما هنوز کم و بیش نفوس دیده میشوند که سواد ندارند چرا بعضی دیگر بسوادی کم قانع شده در صدد تکمیل معلومات و جلو افتادن از احزاب و اقوام سائره در تبحر علوم نیستیم چرا عده دیگر که سالها در مدارس درس خوانده ایم بتحصیلات مدرسه اکتفا نموده و برای تبحر در علوم و توسعه معلومات خود مانند طلاب قدیم و دانشآموزان ملل دیگر بمطالعه کتب بیشمار و درس و بحث زیاد در خارج مدرسه رغبت نمیکنیم چرا عادت خواندن و ادامه تحصیل و مطالعه کتب و مجلات در بزرگ و کوچک ما نیست چرا ساعات فراغت را بجای تلف کردن وقت به مطالعه نمی گذرانیم چرا از اغلب کتب مطبوعه امری و غیر امری بی اطلاعیم چرا در بین ما عده زیادی از نقادان اولیه هر کتاب تازه بچاپ رسیده وجود ندارد چرا کتب رمان و الف لیل وحکایات بی سر و ته در بین ما رواج دارد ولی کتابی که سر و کارش با روشنی دیده سر و سرّ ما است در گوشه نسیان خاك میخورد چرا اعضاء کتابخانه های ملی کشوری و کتابخانه ملی امری از بین احباء کم و نادر است چرا متصدی کتابخانه ما گاهی در کتابخانه محتاج بتشویق و در حقیقت استخدام ندیم و مصاحب است تا از رنج تنهائی رهائی یابد مگر نفرموده اند ((لا تضیّعوا اوقاتکم بالبطالة والکسالة واشتغلوا بما ینتفع به انفسکم وانفس غیرکم کذلك قضی الامر فی هذا اللوح الذی لاحت من افقه شمس الحکمة والتبیان)) و یا نفرموده اند ((اجعلوا

اشرافکم افضل من عشیکم وغدکم احسن من امسکم)) ویا این بیان مبارک نیست که میفرماید قوله الاحلی ((ای بنده من پست ترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از ان نفوس معطله مهمله ارجح عندالله مذکور))

ایا برای عرفان مشرق وحی و مطلع امر و عمل باحکام و سنن که اولین فریضه اهل بهاء است تحصیل سواد وتکمیل معلومات و ترتیل ایات و تجمع دلائل و بینات و فهم احتجاجات و فرا گرفتن جواب انها واجب و ضروری نیست ؟ چرا برای تحریر و استنساخ مطالب ساده و اوراق فارسی وعربی امری که لحنش بر جمیع ما روشن و فهمش حتی بر شخص غیر واقف بعربی نیز اسان است ما اینقدر درکش و توسیم و پیچ وتاب میخوریم چرا دائما آه و ناله از متحدالمالها واوراق امریه داریم که کلمات غیر مانوس و مشکل دارد ایا در این اوراق جز خلاصه الواح و حتی عین کلمات ایات چیز دیگر است ؟ بهائی خود را بحق خلاصه و جوهر هستی میداند فارغ التحصیل مدرسه انبیاء میخواند میگوید و بحق و حقیقت میگوید که از ابتدای خلقت تا کنون تشکیل و تاسیسی بعظمت و جلال و قدرت وکمال این کاخ رفیع الهی که محققا یگانه ملجاء و پناهگاه بشر عاجز ذلیل درمانده در این دوران پر انقلاب است با تامل احدیه تاسیس وتکمیل نگشته است و حافظین لواء و مستحفظین کیان وعظمت این کاخ یعنی اهل بهاء باید بنص صریح الهی مظهر علم وعرفان و مجهز بجمیع الات وادوات این جهاد روحانی ولوازم و ضروریات این

مقام رحمانی کردند انچه در دنیا درعالم ماده ومعنی و
در مقام ظاهر و باطن نعمات و مواهب و فضائل و مناقب
موجود ومتصور است در درجه اول شایسته و سزاوار ما
است واگر مجهز بسواد وعلم ومعرفت نباشیم ازانجام ماموریت
وحفظ مسئولیت خطیره خود عاجز مانده عندالله معاقب
و محکومیم و باز باید اعتراف کنیم که میدانیم که تحصیل سواد
وتکمیل علوم وادامه تحصیل ازعلوم مادیه تا معارف معنویه
برای هر نفسی که نام بشریت براواطلاق شود در جمیع
مراحل حیات و بین جمیع طبقات از فقیر وغنی وجاهل وعالم
و شهری و روستائی وامیر واسیر و کارگر و وزیر ممکن ومیسر
است و در نزد عقلا این مسئله مسلم و بدیهی است که
نفوسیکه در مدرسه وارد نشده و بجدیت شخصی و در مواقع
فرصت وفراغت حتی در آنات فجر و ساعات اخیر شب کسب
سواد کرده تحصیل را تعقیب نموده اند از تربیت یافتگان
مدارس که در طلب علم اکتفا بپرگرام ساده وبیروح مدرسه
کرده اند بمراتب افضل واعلم واسبق واقدمند پس اگر
بهائی آنات ولحظات فرصت وفراغت را صرف مطالعه و قرائت
نفاید ظلمی بخود واساس امر کرده که جرم عظیم و
مجازاتش جانسوز و موجب تضییع حق متقدمین و هدر رفتن
خون عشاق جانباز امر حضرت رب العالمین گشته است
و معاذیر نبودن کتاب و فرصت و ثروت واشتغال خیال
و درماندگی حال وپریشانی احوال عذری است مردود
وعندالله غیر مقبول زیرا اگر درجه خواست واراده تحصیل
وتکمیل شدت یابد شک نیست که همت ادمی خاصه وقتی
مؤید باحساسات معنوی باشد جالب موفقیت و پیروزی است

کدام امر صعب محالی در ظل اراده وعزم اهنین انسان مخصوصا انسانی که روحش بتابش شمس حقیقی اشنا ومانوس باشد ممکن و اسان نشده است ولی اول انقطاع و تجرد از شئون دنیویه و محویت و فنا در اراده الهیه و بعد تصمیم راسخ و عزم متین لازم است و در نتیجه "مشکلی نیست که اسان نشود" در میان دانشمندان جهان بسیاری هستند که باصطلاح ازسنخ خود اموزیعنی بعزم شخصی و بدون داشتن اسباب ظاهری مانند سرمایه و حتی هوش سرشار نظری از گودال جهل و ظلمت حقارت بیرون امده بمدارج بالای نبوغ و معرفت واکتشاف واختراع و فضیلت رسیده اند .

بساری حرف بسیار و گفتنی بیشمار است و در وادی تعمق و تدبر در مسائل روحی وجسمی ما مناظر و زوایائی متنوع مشاهده میشود که همه را در یک ورقه نمیتوان تشریح نمود فرصت وسیع لازم است و مستمع دقیق و مومن وارسته و همسفر محقق و دل بروح تعالیم بسته تا با چشمی باز و روحی متوجه و قلبی منشرح و درونی مشتعل باواز گوینده این وادی از زاویه بزاویه دود و درد را دیده علاج انرا در کلمات الهیه جستجو نموده بکار اندازد . اگر خسته نمیشویم در جلسه دیگر ضیافتی باز با هم این سفر طولانی را دنبال خواهیم نمود

---

٣ ــ راجع بشور در ضیافات

اگر چه احبای الهی در مشاوره در مسائل عمومیه امریه وانتخاب موضوع شور در جلسات ضیافات کاملا آزادند ولی نظر باهمیت مطالب قسمت اول و دوم این شماره اگر صلاح

بدانند بکمال توجه و تضرع و دقت در خصوص طرق ممکنه برای ازدیاد معلومات امریه و تشویق حس قرائت و مطالعه در بین عموم وتمهید وسائل جهت تعلیم خواندن و نوشتن بین یاران عزیزی که بعلت نواقص محیط از فیض سواد محروم مانده اند مشاوره فرمایند ولی بی نهایت مواظبت نمایند که از ورود در شخصیات و ذکر اسم نفوس خود داری شود همه میدانیم که لجنات مختلفه تا این تاریخ بنهایت سعی و کوشش برای نونهالان بوستان امر کلاسهای دروس اخلاقیه و برای جوانان محصلین و نفوس دیگر کلاسهای معلومات امری سه ماهه و شش ماهه و یکساله در غایت اتقان تاسیس و اداره نموده ولی مع الاسف کاملا بمنظور نرسیده اند این است که لازم است الهامات روحانیه که یقینا بر قلوب صافیه اهل بهاء همواره ساطع ومتجلی است بنهایت خضوع و توجه مصروف حل این موضوع بسیار مهم گردد که اگر بی سوادانی داریم چگونه تشویق بتحصیل شوند و نیز طبقه جوانان و بزرگان و پیران بچه نحو تحریض بمداومهٔ مطالعه وتکمیل اطلاعات علمی و امری گردند و وسائل موفقیت در حل این مشکل که شاید از اهم مشکلات جامعه باشد چیست ؟ .

+×+×+×+×+×+×+

٤ــ نقل از کتاب ششم درس اخلاق
تالیف جناب علی اکبر فروتن

در جواب سئوال "بهائی کیست ؟" حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء میفرمایند قوله الاحلی :

" هر نفسی که بموجب تعالیم حضرت بهاء الله رفتار نماید بهائی است و بالعکس کسیکه پنجاه سال خود را بهائی نامیده و بموجب تعالیم مبارک رفتار ننموده بهائی نیست شخص کریه المنظری ممکن است خود را جمیل و زیبا نامد و شخص سیاهی خود را سفید خواند ولی هیچکس حتی خود او فریب این قول را نخواهد خورد " (از کتاب بهاالله وعصر جدید) و نیز میفرماید قوله عزبیانه :

" بهائی باید شمع افاق باشد و نسجم ساطع از افق اشراق اگر چنین است نسبتش حقیقی است والا نسبت مجازی است و بی ثمر و بی پا مانند شخص سیاه است نامش الماس و به حقیقت زاغ و غراب است ولی اسمش بلبل خوش آواز از انتساب اسمی چه فایده و از لفظ بهائی چه ثمر؟ بحقیقت باید بهائی بود و ملتجی بعتبه مقدسه حضرت نا متناهی (از مکاتیب عبدالبهاء جلد ثانی صفحه (۲۷ ۹)

نظر به اهمیت وعظمت این دو بیان مبارک پیشنهاد میشود که عموم یاران هر دو را بخطی خوش و خوانا بر کاغذی مرغوب نوشته در اطاق زندگی خود نصب فرمایند به طوریکه شب و روز در مقابل چشم مجسم و موضوع تفکر و توجه روحی افراد ما باشد .

×+×+×+×+×+×+×

• ـ قسمتی از تاریخ مختصر امر
(اقتباس از کتاب مستطاب نبیل)

بطوریکه همه میدانیم این کتاب مبارک بیراعه قدرت

حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه از فارسی به انگلیسی ترجمه شده و اطلاع از مطالب و مندرجات ان بر هر یک از اهل بهاء لازم و ضروری است .

در اوایل قرن سیزدهم هجری هنگامیکه عالم اسلام در اشد ظلام بود وغفلت و جهالت و تعصبات و توهمات چون ابر تیره افق افکار را تاریک نموده جناب شیخ احمد احسائی از وطن خود احساء از جزائر بحرین در خلیج فارس در سن چهل سالگی بکربلا و نجف حرکت فرمود و پس از طی تحصیل و احراز مقام اجتهاد در مجالس درس نفوس را بقرب ظهور موعود الهی وترک تقالید و تعصبات دعوت نمود و از راه بوشهر بشیراز و یزد و از انجا بمشهد مسافرت فرمود در یزد جناب سید کاظم رشتی خدمت ایشان رسیده چندی نگذشت که از طرف جناب شیخ مامور حل مسائل تلامیذ گردید جناب سید بهوش و ذکاوت معروف بودند در سن ۱۱ تمام قران را حفظ نموده و در سن ۱۸ تفسیری بر آیة الکرسی مرقوم فرموده بودند جناب شیخ احمد از مشهد بطهران متوجه شدند گوئی روائح طیبه و نفحات الهیه از جانب نور مشعل روحانی ایشانرا معطر نموده بود مقارن ان ایام یعنی در طلوع فجر دوم محرم ۱۲۳۴ قمری حضرت بهاء الله از خانوادهٔ نجابت و شرافت تولد یافتند ولی مرحوم شیخ باقتضای وظیفه از اعتکاف در طهران که ارزوی قلب وجانش بود منصرف و بسمت کرمانشاه متوجه گشته پس از اقامت ایامی چند در انجا و تعلیم نفوس بکربلا مراجعت فرمود ودر انجا جناب سید کاظم را مامور تدریس وتکمیل شاگردان نموده خود بمکه و مدینه رهسپار گشتند جناب سید کاظم کتبا از ایشان پرسش از هنگام ظهور نموده

بودند جوابا مرقوم فرمودند که حین ظهور سنه "بعد حین" است که بحساب ابجد ۱۲۶۸ میشود و سنه بعثت حضرت بهاء الله در زندان سیاه چال طهران است در سال ۱۲۴۲ قمری جناب شیخ در سن هشتاد و یک سالگی در مدینه رحلت فرمود و در قبرستان بقیع جنب مرقد حضرت رسول مدفون گشت . پس از ایشان جناب سید کاظم بتعلیم و هدایت نفوس مستعده کمر همت محکم بستند و مخالفت اعداء ایشان را مانع نگشت بدعوت ایشان جناب ملا حسین بشروئی که از اجله شاگردان و مظهر قدس و تقوی وجوان بودند به اصفهان شتافتند مرحوم حاج سید محمد باقر مجتهد رشتی را وادار برجوع به طریقه شیخیه و جانبداری از جناب سید نمودند و از انجا به مشهد رفته میرزای عسکری را نیز بطریقه شیخیه دعوت فرمودند باری جناب سید کاظم نفوس را همواره بقرب ظهور موعود و علائم ظهور دلالت نموده میفرمودند که مشرق ظهور جابلقا و جابلصا نیست بلکه موعود معهود در عالم شهود است ولی از انظار مخفی و مستور از خاندان نجابت و طهارت و از سلسله رسالت و از بنی هاشم است صاحب علمی لدنی و سنی کم و قدی متوسط و تقوی و فضیلتی عظیم است و دارای مقام و مرتبتی بس فخیم شارب دخان نیست ولی موعود احادیث ائمه وایات قران است شیخ حسن زنوزی یکی از شاگردان باتفاق سید مرحوم روزی در کربلا هنگام طلوع افتاب بزیارت سیدی جوان نورانی رفت و بعد همان جوانرا در مجلس درس سید مشاهده نمود که شعاع آفتاب بر دامن مبارکش افتاده و نزدیک استان در جالس چون چشم سید مرحوم بان جوان متوجه گشت فرمود از اوصاف

آن دلبر یگانه چه گویم که ظهور و جلوه اش از نور شمس که بر ان دامن طالع روشن تر است آن جوان یعنی حضرت اعلی در کربلا بتضرع و توجهی موفور بزیارت صحن سید الشهدا میرفتند وحین زیارت ایاتی تلاوت میفرمودند که کسی تا انوقت نشنیده وان کیفیت از تضرع و توجه را ندیده بود . زنوزی پس از تشرف به ایمان بحضرت باب بامر ایشان در کربلا ساکن و منتظر زیارت جمال حسینی بود تا انکه روزی حضرت بهاء الله را نزدیک درب داخلی صحن حسین زیارت نموده با وفرمودند که الحمدلله الیوم بزیارت جمال حسینی فائز گشتی او نورا بیاد وعده حضرت باب افتاده ساجد گشت ولی او را ماموربه ستر فرمودند خلاصه سید مرحوم در مقدمه شرح قصیده وشرح خطبه خود اشاره بنام حضرت بهاء الله و ذکرالله الاعظم (حضرت باب) میفرماید در فتنه کربلا در سنه ۱۲۵۸ — هنگامیکه عساکر عثمانی به قهر وغلبه وارد شهر شدند تنها خانه جناب سید کاظم مامون ونفوسی متحصن دران محفوظ ماندند و اعداء وعلماء ونفوس عوام از دم شمشیر گذشتند جناب سید ازغرور و فتور حاج کریم خان که از شاگردان بود برای شیخ ابو تراب شمه بیان کرده فرمودند که این شخص دجال یوم ظهور است و خصم مردود مطلع نور ولی او را بستر مطلب تا یوم ظهور مامور فرمودند باری سید مرحوم در اواخر ایام شاگردان را بنشر در بلاد و فحص و تحقیق ومجاهده در راه کشف سر ظهور تشویق نموده میفرمودند پس از قائم قیوم ظاهر و شمس جمال حسینی عالم را نورانی خواهد نمود در ذیقعده ۱۲۵۹ عربیی خواب خود را به ایشان عرض کرد که مضمون حاکی از رحلت ایشان بود چون شاگردان اغاز بیقراری نمودند

سید مرحوم فرمود ایا نمیخواهید که من بروم و موعود منتظر ظاهر گردد بالجمله جناب سید کاظم در روز عرفه سال ۱۲۵۹ دعوت حق را اجابت فرمود و در صحن مطهر سید الشهداء مدفون گشت .

جناب ملا حسین روز اول محرم ۱۲۶۰ بکربلا مراجعت فرمود از شاگردان شنیدند که مرحوم سید بعد از صعود انها را امر به انتشار در بلاد ومجاهده برای جستجوی موعود فرموده اند لذا با برادر وهمشیره زاده در مسجد کوفه چهل روز معتکف و به دعا و مناجات مشغول شدند و ملا علی بسطامی نیز با دوازده نفر همراهان بهمین نحو رفتار نمودند بعد از انقضاء چهل روز جناب ملاحسین باتفاق همراهان ببوشهر و شیراز متوجه شدند ونزدیك دروازه شیراز با جوانی نورانی که عمامه سبزی بر سر داشتند مصادف و به دعوت ایشان به بیتی که ظاهرا جلالی نداشت رفتند یك ساعت از شب گذشته ان شب که لیله پنجم جمادی الاولای ۱۲۶۰ بود میزبان محترم یعنی حضرت اعلی آغاز سخن نموده فرمود مشاهده نما علائم موعود که سید مرحوم تشریح نموده در من جمع است ملا حسین رساله از معضلات مسائل تقدیم کرد جوابی مقنع و سریع شنید و چون مرا بر حسب وعده سید مرحوم منتظر نزول تفسیر سوره یوسف از طرف موعود معهود بصرافت طبع بود وانرا پیش خود علامت قاطع حقانیت تعیین کرده ناگهان حضرت باب فرمودند حال موقع نزول تفسیر سوره یوسف است و نی السفور قلم دست گرفته بدون توقف تمام سوره ملك را تحریر نموده در اثنای نزول ایات بلحنی خفیف و لطیف انرا تلاوت میفرمودند دو ساعت و یازده دقیقه از لیله پنجم

جمادی الاولای ۱۲۶۰ که با لیله شصت و پنجمین روز بعد از نوروز سلطانی مطابق بود اظهار امر واقع و ملاحسین به شرف ایمان فائز و مامور تدریس در مسجد ایلخانی و ستر مطلب گردید چند قطعه دیگر نیز به دعوت حضرت باب به اتفاق خادم سیاه شبانه به بیت رفته باصغاء اوامر و تعالیم مفتخر گشت تا اینکه ملا علی بسطامی نیز با همراهان بشیراز وارد شدند و ابتدا خود ملا علی و بعد بعضی از همراهان تدریجا بهدایت نورانیت فواد بسر مستسرپی برده بشرف ایمان فائز و جزو حروف حی گشتند اخرین حرف حی جناب ملا محمد علی بارفروشی بودند که بعدا ملقب بقدوس شدند شب قبل از ورود ایشان حضرت باب بجناب ملا حسین فرمودند فردا شب اخرین حرف حی وارد وعده تکمیل خواهد گشت جناب قدوس که جوانی ۲۲ ساله بودند شب بعد وارد شده بمحض ورود با مشاهده وقار حرکات حضرت باب در اثنای مشی بسرتان الهی فائز و مومن گشتند و جزو حروف حی شدند . بعدا در اثنای واقعه قلعه طبرسی تفسیر صاد صمد را که به پانصد هزار ایه بالغ بود به اتمام رساندند و این ایات جمیعا در محامد و نعوت حضرت بهاء الله نازل شده بود .

(بقیه در شماره های بعد)

×+×+×+×+×+×+×

چون شماره اول است بعضی موجبات فنی سبب شد که شش ورق در این جزوه بکار رود ولی جزوات بعد مشتمل بر سه الی چهار ورق خواهد بود و قیمت تعیین شده در مقدمه برای همین مقدار محسوب شده است .

لجنه ضیافات نوزده روزه ـ طهران

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه

طهران

بدایت انتشار : ۱۰۱/۱۱/۱ (۱۳۲۳/۷/۵)

شماره دو

(شهرالعلم سنه ۱۰۱ بدیع (۱۴ مهرالی ۱۲ ابان ۲۳)

+×+×+×+×+×+×+

غـــذای روح

۶ ــ رنه ملکوتی جوامع انسانی را صلا زده میفرماید :ــ

یا ابن البشـــر : هیکل الوجود عرشی نظفه عن کل شیئ لاستوائی به و استقراری علیه • (که مفادان این است ای پسر ادم هیکل وجود عرش من است منزه کن انرا از هر چیز تا بر ان مستوی و مستقر گردم)

یا ابن الوجود : فوادك منزلی قدسه لنزولی و روحك منظری طهرها لظهوری (که مضمون این است ــ ای پسر وجود قلب تو منزل من است مقدس نما انرا برای نزول من و روح تو نظرگاه من است طاهر نما انرا برای ظهور من)

یا ابن الانسان : قد مضی علیك ایام و اشتغلت فیها بما تهوی نفسك من الظنون والاوهام الی متی تکون راقدا علی بساطك ارفع راسك عن النوم ان الشمس ارتفعت فی وسط الزوال لعل تشرق علیك بانوار الجمال •

(که مفهوم این است • ای پسر انسان گذشت بر تو ایامی و مشغول شدی در آن بظنون و اوهامیکه نفس تو بآن مایل بود تا کی بر بساط خود غنوده ای از خواب بر خیز و راس خود را بلند کن افتاب بزوال ظهر ارتفاع یافته شاید به انوار جمال بر تو مشرق و طالع گردد •

× + × + × + × + × + × + × + ×

چون ضمن قسمت یك و دو از شماره (۱) مبرهن و مسلم

گشت که علاج جمیع علتهای بشـــر ذکر حق و تلاوت ایات و کلمات است بهائی باید مظهر علم و عرفان و واقف بمعلومات امری و عمومی ومتخلق باخلاق رحمانی باشد لذا با اجـازه عموم در هر شماره تحت عنوان (غذای روح) این نشریه بقسمتی از ایات مکلل و مزین خواهد گردید ولی تمنا میشود صمیمانه بمسه خود عادت دهیم کمانرا با توجه و حضـــور قلب و تعمق در معانی تلاوت نمائیم و اگر همتی باشـــد سوادی ازان استنساخ نموده در مجموعه نفیس ایات که هربهائی محققا در منزل دارد ضبط کنیم و سعی نمائیم که روح این بیانات در حیات یومیه ما مجسم گردد .

+×+×+×+×+×+×+×+

۷ ــ رادیـــــوی فرستنده ــ رادیوی گیرنـــده

برما اهل بها روشن و هویدا است که سرچشمه جمیع فضائـل عالم انسانی کلمة الله است و مطلع نور هدایت و عامل قوی موق جماعات بشـــری بشاهراه مناقب رحمانی واجتناب از کثافات عالم جسمانی انبیاء الهی و مربیان روحانی میباشنـد تمدن مادی بشر نیز از این مبداء ومنشاء مستفیض و پیدایش و نموش در ظل این اشجه جانبخش ممکن الحصول . چنانکه هر یک از انبیـاء مقدسه موجد و مروج یک تمدن عظیم بشری بوده و در ظل کوکب دری هدایت انان ابتداء یک دسـته از مستضعفین عباد و بعد جماعات عظیمه از حضیض ذلت باوج ترقی مادی و معنوی رسیده اند . اگر رشتهٔ این افکار را دنبال کنیم برما مشهود خواهد گشت که اختراعات عظیمه

و اکتشافات علمیه نیز بنحو مستقیم و یا غیر مستقیم از منبع فیض مظاهر مقدسه سرچشمه گرفته اند و بعضی از آنها بصورت ظاهر مسایه و شبحی از سنوحات ربانیه و تاسیسات عظیمه الهیه میباشند . برای توضیح مطلب با اینکه مثال فراوان است محض رعایت اختصار بیکی اکتفا میکنیم :—

دستگاه فرستنده رادیو که از اختراعات عظیمه این قرن انوار و موجب حیرت عقول و افکار است نمونه ایست علمی از دستگاه عظیم متقن الهی که بید قدرت مظاهر الهیه مخصوص انتشار انوار ملکوت و اعزام جنود تائید و توفیق واعطای مدد روحی و جسمی بشر درمانده خاطی ابداع گشته است . و دستگاه گیرنده رادیو نیز از حیث نحوه عمل شباهتی با روح و فواد مومن واقعی و بهائی حقیقی دارد . چقدر این بیان احلی در کلمات مکنونه عربی برای توضیح مطلب مناسب است . قوله تعالی : —

یا ابن الروح فی اول القول املك قلبا جیدا حسنا منیرا لتملك ملکا دائما باقیا ازلا قدیما .

که مفهوم آن این است (ای پسر روح در اول قول مالك قلبی پاك نیکو و نورانی شو تا مالك شوی ملك دائم باقی ازلی قدیم) از یك طرف ندای ملکوت و صیحهٔ لاهوت دائما از مراکز و مشارق وحی الهی در عالم روح و حقیقت در انتشار و نزول و تکرار است تا دستگاه گیرندهٔ در عالم انسانی با اجتماع جمیع استعدادات و لوازم قبول یافته بشارات روح بخش خود را شامل حال فرماید و فیوضات حمایت و هدایت و تایید و تقویت را مبذول دارد و از طرف دیگر دستگاه گیرندهٔ

نفوسیکه بهدایت کبری نائل شده اند یعنی قلب و روح بهائیان مانند دستگاه رادیوی گیرنده قوی با اجتماع جمیع معدّات و قابلیات حاضر و مهیای اقتباس و درک امواج اثیریه تاییدات و تجلیات روحیه عالم ملکوت میباشد .

در فیض صمدانی و دستگاه فرستنده توقف و تعطیلی نیست و این صیحهٔ اسمانی و رنهٔ روح بخش الهی و نفخه دائمی صور ربانی همواره مرتفع و در اهتزاز و منتظر و مترصد تا در هر نقطه و هر جا که دستگاه گیرنده ای مستعد و مهیا یافت شود نزول فرماید و مواهب خود را عطا کند .

ولی در دستگاه گیرنده متاسفانه گاهی ممکن است بانقضای مهجوری و غفلت از هدایت و سرپرستی مهندس توانا و راهنمای بینا نقص و عیبی ظاهر شود سیمهای اتصال بسوزد و یا چراغهای نورانی ان که هر یک عهده دار وظیفهٔ است از کار بیفتد در انوقت الهامات غیبیه و تاییدات لا ریبیه منقطع شود و با وفور نور و تکرار بشارات و دستورات اسمانی صدائی و ندائی مسموع نگردد سمع نشنود و چشم نبیند و اشیانهٔ دل اغشته باوساخ اب و گل شود کثافت و کدورت خاکی جایگزین طراوت و نضارت الهی شده روح و جان پاک مظلم و تیره و پژمرده و افسرده گردد چنانکه غالبا دیده ایم دستگاه گیرندهٔ رادیوئی لحظهٔ قبل بنهایت سهولت از هر نقطه قریب و بعید اخبار و نغمات قدیم و جدید میگرفت ولی ناگهان خاموش و جوش و خروشش فراموش شود و چون جسم بیجان حکایت از سکوت موت کند در اینوقت مهندس برقی عاقل و دانا لازم تا دستگاه گیرنده را دوباره بنشاط اورد وسر

وصدای انرا بلند کند و بکمال واتقان قبل رساند . چنانکه حق جل جلاله در کلمات مکنونه فارسیه به ابدع بیان این نکته را گوشزد عموم میفرماید قوله الاحلی (ای پسر خاك جمیع انچه در اسمانها و زمین است برای تو مقرر داشتم مگر قلوب را که محل نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا بغیر من گذاشتی چنانچه در هر زمان که ظهور قدس من اهنگ مکان خود نمود غیر خود را یافت اغیار دید و لامکان بحرم جانان شتافت و معذالك ستر نمودم و سر نگشودم و خجلت ترا نپسندیدم) در دستگاه قلب و روح بشری نیز در حالت خاموشی وغفلت توسل متضرعانه بحالم ملکوت لازم است وغور وغوص در کلمات و آیات و دستورات و تاکیدات متوالیهٔ مستمرهٔ الهیه واجب و ضروری تا بقدرت الهی دوباره دستگاه روح پر فتوح شود و قابلیت و کسب فیوضات که در ان موجود است بار دیگر نمودار و اشکار گردد چنانکه میفرماید قوله تعالی .

(ای بیگانهٔ با یگانه شمع دلت بر افروختهٔ دست قدرت من است انرا ببادهای مخالف نفس و هوی خاموش مکن و طبیب جمیع علتهای تو ذکر من است فراموشش منما حب مرا سرمایهٔ خود کن و چون بصر و جان عزیز نگهدار)

تلاوت اثار و الواح در هر صبح و شام نیز طبق حکم محکم الهی باید با تدبر و تعقل وتوجه و تفکر در معانی کلمات و روح مودعهٔ دران صورت پذیرد چه بسیار ممکن که یك جمله از بیانات مبارکه چون بدقت تلاوت شود و عقل و روح ما از معانی عمیقهٔ ان مستفیض و بهره مند گردد یك دسته از

ابتلآت روحی و جسمی ما را از میان برداارد . چاره نیست در این عصر انوار برای ما اهل بهاء زندگی با دستگاه گیرنده ناقص یعنی قلبیکه کاملا بصیقل کلمة الله پاك و متلألا نباشد پسندیده نیست باید بکوشیم تا اثرا ازجمیع معایب و نواقص فارغ و آزاد سازیم . خداوند بخشندهٔ مهربان جمیع وسائل بهره مندی و استفاده از مواهب فضل و هدایت خود را در دسترس ما گذاشته وکوتاهی از طرف ما سبب محرومیت و پشیمانیست .

الحمدالله بذر حقایق در قلوب افراد ما نابت و در کانون دل اتش عشق الهی افروخته ومشتعل است اگر غباری بر آن مستولی است بنفحات ترتیل ایات ومناجات در هر صبح وشام زائل و مرتفع خواهد گردید و مشاهده خواهیم نمود که در جمع اهل بهاء چون دستگاههای گیرندهٔ قوی سالم مهیا و مجتمع گردد و هریك با جهتی از جهات عالم بالا مواجه و بنفحات فیضی از فیوضات ملأ اعلی در تونم زیر و بم باشد ما برگزیدگان خدا و متوجهین بآستان مولای توانا چه شور و ولولهٔ در افاق جهان اندازیم و چه نهضت و قیامتی در ربع مسکون برپا کنیم و هر لحظه ندائی ملکوتی و رنهٔ بدیع از رادیوی اسمانی بگوش جان بشنویم و بعشق الهی دمساز شویم و رقص کنان و پا کوبان بکوی جانان شتابیم و در استان قدرت جمال اقدس ابهی بندهٔ خالص و ممتحن گردیم چنانکه میفرماید .

(ای پسر حب از تو تا رفرف امتناع قرب و سدرهٔ ارتفاع عشق قدمی فاصله قدم اول بردار و قدم دیگر در عالم قدم

گذار و در سرادق خلد داخل شو پس بشنو انچه از قلم عز نزول یافت)

×+×+×+×+×+×

۸ ــ پیشنهاد راجع بشور در جلسات

تکرارا تبیین میشود که انتخاب موضوع شور در جلسات ضیافات از اختیارات افراد جامعه است ولی البته باید مربوط بخیر جامعه و شئون عمومیه امر الهی باشد مسئلهٔ مورد شور جلسه قبل از مسائل مهمه و حل وتصفیه قطعی ان بالهامات قلوب صافیهٔ اهل بها از لوازم و ضروریات است و این امر محتاج بمطالعهٔ دقیق و توجه خالصانه باستان مولای توانا وغور در جمیع جهات و زوایای موضوع و یافتن طرق نافذهٔ مؤثره برای علاج این درد است چه که مجاهدات افراد جامعه ما و فعالیت دوائر و تشکیلات در این باره تا کنون به ثمرهٔ اعلی نرسیده است ضمنا نباید شك داشت که اگر طبق اصول مشاوره در جلسات ضیافات که بنص صریح جالب تاییدات حتمیهٔ رب البیات است این امر خالصا مخلصا مورد شور قرار گیرد حل قطعی ان محققا میسر و قابل حصول تواند بود اینست که بار دیگر از محضر یاران رحمانی یعنی بنص صریح مولای بیهمتا افراد جنود نجات تمنی میشود در این موضوع بشرائط مذکوره عمیقانه مطالعه و شور فرموده نتیجهٔ آراء خود را بنهایت سرعت باین لجنه در دو نسخه ارسال فرمایند و پیشنهادات راجع بهر موضوع جداگانه تحریر شود ودو پیشنهاد در یك ورقه تحریر نشود تناسب تصادفی این شور

که مربوط بتوسعهٔ علوم و معارف مادی و معنوی در جامعه بهائیست با این شهر که شهر العلم است نیز محققا در شمول الطاف ملکوت بی اثر نیست .

×+×+×+×+×

۹ ــ قوهٔ قاهرهٔ امرالهی در نظر غیر بهائی

دزد چیـــز فهم

قسمتی از کتاب بهجت الصدور تالیف مبلغ جانفشان غیور حضرت حـاج میرزا حیدرعلـی

..... ذکر شد اطاقیکه سایرین را حبس مینمودند نزدیك محبس فانی بود و صحبتشان شنیده میشد روزی شخصی را به جرم اینکه دزدی کرده است اوردند در حبس خانه فانی شنید که میگفت این بابیها را ممکن نیست بتوانند بکلی تلم قلـــع و قمع نمایند زیرا اول در شیراز سبزشدند و در شیراز گرفتند وبستند و زدند و کشتند واخراج بلد کردند وغارت نمودند ازاباده و اصفهان سبزشدند در اباده و اصفهان تدمیـر و هلاك کردند ازیزد و کرمان و نیریز سبز شدند در ایـن جاها کشتند و سوختند و اسیر کردند و سرشانرا به نیـــزه کردند وعیال و اطفالشان را اسیر نمودند در کاشان و قـم و طهران سبزشدند ازاین مدینه و بلاد ریشه شانرا قطع کردند در خراسان سبزشدند وعلم بلند کردند و بمازندران رفتند و یکسال سرباز و عساکر دولت چقدر کشته شدند تـا خرمن بابیها را سوختند و بباد دادند و یقین نمودند تخم این امر بکلی از زمین برداشته شده در قزوین و زنجان بیشتر و زیادتر سبزشدند کشتند وغارت کردند و خراب کردند

واسیر کردند بقسمیکه اسم و رسمشان محو شد از تبریز و آذربایجان سبز شدند و دولت و ملت با هم همدست و همعنان شدند و باب را که منشاء و موسس بود کشتند و تدبیر و تدمیری اهل سیاست مثل این ندانستند چیزی نگذشت باز در هر بلد وقریه و مدینه بسیاری سبز شدند و درخت بارور و پر ثمر گشتند در فتنهٔ واقعه طهران که بحضرت همایونی بعضی اعداء سوء قصد نمودند و حفظ الهی شامل گشت بقدری ازاین طائفه در طهران وهرجائی بدون تحقیق بمحض نسبت کشتند که حقیقة ازخون سیل جاری شد وعقلا یقین نمودند که محو ونابود و معدوم و مفقود گشتند در بغداد سبز شدند و قوتشان بیشتر دو دولت هم عهد و پیمان شدند واز بغداد بعلیهٔ اسلامبول و ازعلیهٔ بادرنه بردند منح شدید نمودند حال در مصر بروز کرده اند و سبز شده اند اینجا هم گرفتید و زجر شدید نمودید تخویف و تهدید وتحقیر و توبیخ کردید خدا عالم است که در کجا سبز شوند تمام کردن این طائفه محال است و دیدید هر قدر بیشتر سخت گرفتید و در تدمیر تدبیر نمودید بیشتر شدند خوب است واگذارید ان بیچاره را زدند که دزد هم حمایت بابیها مینماید و دولت وملت را موعظه و نصیحت میکند و شنیده شد باینواسطه خیلی اذیتش نمودند .....

×+×+×+×+×+×+×+×

۱۰ ــ توضیح واضح

چون جسته جسته گفته میشود که در شماره یك قسمت ٤ نقل از کتاب ششم درس اخلاق اخر بیانات مبارکه نوشته شده

است (از کتاب بهاء الله وعصر جدید) و همچنین (از مکاتیب عبدالبهاء جلد ثانی صفحهٔ ۲۷۹) و بهتر بود ذکر میشد (حضرت) بهاء الله و (حضرت) عبدالبهاء لازم است برای اطلاع یاران توضیحا ذکر شود که این هر دو عین عنوان دو کتاب مطبوع منتشر است و در اسم کتاب نمیتوان تغییری داد اگر در اینده نیز چنین نکاتی بنظر رسید توجه بسبب وعلت نمایند .

×+×+×+×+×+×+×

۱۱ ــ بعضی نکات برای بهبودی اوضاع جلسات

چون از طرفی تکرار مطالب ذیل در هر شماره ممکن نیست و از طرف دیگر توجه دائم ناظمین و منشیان وافراد اعضاء جلسات ــ ضیافات بهر یک از این نکات ضروری است تمنا میشود که نسخهٔ از انرا به خط خوش و خوانا تهیه و در جلسهٔ ضیافت نگاه دارند که همواره منشی بتواند انرا در دسترس عموم بگذارد .

۱ ــ جمیع اعضاء جلسهٔ ضیافات در ایام هفته در مواقع فراغت سعی نمایند که اگر نفسی مخمود و افسرده و بی میل بآمدن بضیافات باشد چه از اعضاء ضیافت و چه از نفوس خارج او را به بیان و تذکر وتشویق گرم و مشتعل کرده راغب و شایقش نمایند ولی نفوس باید در دفتر سجلات محفل مقدس قبلا بنام بهائی ثبت شده باشند

۲ ــ در مواقع فراغت در خصوص موضوعهائیکه درجلسهٔ ضیافت راجع بشئون عمومیهٔ امر باید مطرح شود ومورد شور قرار گیرد با توجه باستان الهی غور و مطالعه نمایند تا درجلسهٔ ضیافت فکر کاملا اماده و روشن باشد .

۳ ــ راجع بتکمیل پرگرام و یا بهبودی اوضاع جلسهٔ ضیافت و یا رفع نواقص اگر هست) در مواقع فراغت پیشنهاداتی تهیه و پس

از مطالب سعهٔ کامل و پخته شدن فکر در پیش خود در جلسه موقع شور مطرح نمایند تا نتیجه توسط کمیسیونهای مربوطه باین لجنه ارسال گردد .

٤ ـ زحمات ناظمین و منشیان و ناطقین خود را تقدیر فرمایند و سعی نمایند دستورات و برنامه بسهولت انجام گیرد تا نفوسی که بخدمت قائمند تشویق گردند .

٥ ـ بعظمت تاسیس بدیع وعظیم ضیافات که حجر زاویهٔ تشکیلات بهائی در ایران یگانه وسیله و مرکز برای روشنی افکار جامعه اهل بهاء است و همچنین اهمیت ساعات مطالعه و قرائت اوراق و مخصوصا شور روحانی در ضیافت را که وسیلهٔ جلب تاییدات لا نهایهٔ الهیه است کاملا متوجه باشند .

٦ ـ در مواقع شور از هر هوس نفسانی و اغراض شخصی و خیالات ناسوتی فارغ و آزاد و کاملا بالهامات لا ریبیهٔ الهیه که بر قلوب صافیهٔ اهل بهاء حتمی النزول است متوسل گردند .

۷ ـ اگر موفق بتشویق و قانع کردن نفوس مذکوره در قسمت ۱ نشدند مراتب را با اسم و آدرس خوانای شخص مورد نظر توسط ناظم جلسه بکمیسیون و این لجنه اطلاع دهند .

۸ ـ نشریات را بدقت گوشزد کرده بروح مطالب پی برند و اگر لازم شود دفتر یاد داشتی همراه بیاورند و مطالب مهمه را در آن وارد فرمایند .

۹ ـ نتیجهٔ آراء اعضاء پس از مشاوره بصورت پیشنهاد واضح و خوانا با ذکر شمارهٔ جلسه ضیافت بامضای منشی در دو نسخه تنظیم و به اسرع وقت توسط کمیسیون مربوطه باین لجنه ارسال گردد و دو پیشنهاد در یک ورقه تحریر نشود یعنی پیشنهادات

جدا جدا تنظیم گردد .

+×+×+×+×+×+

۱۲ ــ اخبار قابل توجه در خصوص برگزار ضیافات

براقر توجه دقیق این لجنه بامر نطق و تهیهٔ ناطقین برای جلسات ضیافات و تصویب محفل مقدس روحانی اسامی یکصد و ده نفر از یاران خدوم و فعال امر الهی در مدینهٔ منوره طهران بمحفل پیشنهاد شده که پس از تصویب صلاحیت آنان در موضوعاتی که خلاصه و نقشهٔ بیان ان قبلا تعیین میشود در ضیافات ادای مطلب فرمایند امیدواریم که این اقدام لجنه بتاییدات الهیه با موفقیت قرین گردد و نفوس مشتعله که در نظرند لله باین خدمت جلیل قیام فرمایند .

×+×+×+×+×+×+×

۱۳ ــ سـرّ موفقیت

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء در بیانات والواح کثیره میفرمایند در هر امری قیام و اقدام بهائی باید ناشی از خلوص محض و ارزوی خدمت بعالم انسانی باشد .

البته میدانیم که بیانات مبارکه علاوه بر معنای ظاهری حاوی نکات دقیقهٔ خفیه است مثلا از این بیانات همه چنین میفهمیم که بهائی در خدمات روحانیهٔ خود باید دارای منظور مذکور و همش محصور در امور و شئون امریه باشد یعنی در استان امر الهی خدمت خالصانه مستمر خستگی ناپذیر بهائی باید امیخته باین ارزوی صمیمی باشد که از مجموع فعالیتها و گفتن ها و نوشتن های او اثری و ثمری نافع و پایدار در عالم انسانی ظاهر و نمودار گردد خلاصه انکه در مقبولیت

خدمت روحانی درد رگاه الهی خلوص نیت حائز نهایت اهمیت
است . البته این نظر کاملا صحیح و در جای خود بجا و در
نزد حق محبوب و مقبول است ولی بنظر چنین میرسد که منظور
مبارك از این بیانات و تاکیدات بهمین نکته انجام نشده و رعایت
این مراتب در عالم مادی نیز لازم و ضروری است بدین معنی که
اگر نفی المثل بهائی مشغول کسب و کاری ساده و عادی مانند
کفاشی و خیاطی و طباخی باشد باید این کسب و کار را بمنظور
خدمت بعالم انسانی انجام دهد البته از این مراتب این نکته
متبادر بذهن میشود که چون کفش و لباس و خوراك برای ابناء
نوع تهیه و احتیاجات بشری را رفع مینماید خدمت بجامعه انسانی
کرده و عملش نزد خدا پسندیده است و یا چون بکسب مشغول
و کسب عند الله عبادت محسوب است در صف احبای برگزیدهٔ
جمال ابهی وارد است ولی گویا منظور الهی از بیانات مزبور
فقط همین نباشد بلکه مقصود این است که بهائی نه تنها باید
در عوالم روحانیه بنیتی خالص و مقصودی پاك و طاهر بنهایت
همت جاهد و جانفشان گردد بلکه در عوالم مادّی نیز هر کسب
و کاری دارد در عین انجام ان کسب باید آرزو و آمالش تقدیم
خدمتی بجامعهٔ عظیم بشری باشد چه که عالم وجود نفوس غیر
مومن حریص طمّاع بسیار است که مکاسب و معاملات را تنها
بمنظر نفع شخصی و استفاده از حس سادگی و زود گول
خوردن مشتری انجام میدهند نظرشان اینست که بوسائل مدبرانه
محیلانه پولی از جیبی بیرون آورند و عوض انرا نصفه از جنس نا مرغوب
فاسد که نا مرغوبی و فسادش را بمهارت مخفی و مستور کرده
بمشتری بدهد و بعدا هم بناله و استغاثهٔ مشتری فریب خورده

اعتنائی ننمایند . ولی ارادهٔ حق بر این تعلق گرفته است که هر فرد بهائی در حیات یومیه این حرص و آز و زیادت طلبی بشری را که طبیعی و از خصائص حیوانی است فراموش فرماید . و در عین طلب روزی و تدبیر دقیق حکیمانه برای تحصیل پیروزی نیت و آرزوی او این باشد که خالصاً لوجه الله با محصول کسب خود حاجات ارباب حوائج را بدون فریب و خدعه برآرد و در مقابل پول آنان ثمنی از محصول کسبش مطابق با آن پول تقدیم کند و فقط نفعی عادی و تجارتی که خدا پسندانه و منصفانه باشد برآن بیافزاید تا در مقام اول خود او بهره مند شود و عیال و عائله او مستریح و مرفه گردند و در مقام ثانی خریداران با رفع حاجت خود و خرید جنس مرغوب با دوام که ارزشان مساوی با مقدار پولشان منهای نفع قلیل سازنده و فروشنده، متاع باشد خدمت مفید دیده باشند فقط در این صورت میتوان گفت که ان بهائی کسب خود را بمنظور خدمت بعالم انسانی انجام داده و عملش عندالله مقبول و در عین تحصیل معاش در نزد محبوب نیز معزز و محترم است و رفته رفته حسن شهرت و جلب اعتماد نفوس پاداش نیات صادقانه او را به صورت ظاهر خواهد داد و کارش رونق و رواجی زاید الوصف حاصل خواهد نمود . ضمناً باید گفت که این نظر در جمیع شئون سائره نیز مجری و صحیح است مثلاً عضویت در تشکیلات عظیمه جامعهٔ بهائی و دادن تبرعات واعانات و دستگیری از فقرا و حتی تحریر و نشست و برخاست و صحبت عادی و سکوت متعادی و دادن و گرفتن و بالجمله جمیع حرکات و جنبش های بشری چه برای خود و چه

برای دیگران چه در امور شخصی و چه در شئون امری شرط اساسی مقبولیت آن در درگاه الهی رعایت دقیق این نکته است که درعین سعی و کوشش برای انتفاع شخصی و سیر در مدارج ترقی روحی و جسمی باید نظر خالی از خود بینی و خود پرستی و انانیت و نفسانیت و منظور خدمت به عموم و رفع احتیاجات جامعه باشد وانشاءالله این نکته لطیفه در این مختصر کاملا روشن و واضح و مورد موافقت و توجه عموم یاران عزیز الهی واقع گردیده است .

× + × + × + × + × + ×

تصحیح — در شماره اول قسمت (٥) تاریخ نبیل صفحه ١٩ سطر ١٢ ولادت حضرت بهاالله (١٢٣٥) اشتباه و (١٢٣٣) صحیح است .

× + × + × + × + × + ×

در هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر میشود در تمام نقاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره ٧٥ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شماره یک و دو با اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی بمراکز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده خواهد شد تا هر یک از افراد اهل بهاء مایل باشند مشترک گردند . هر وقت وجوه بلجنهٔ ضیافات نوزده روزه طهران رسید قبض حق اشتراک و نشریه ایصال خواهد گردید .

لجنه ضیافات نوزده روزه — طهران

نشـــریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهـــران
بدایت انتشار اول شهر المشیة سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع
(۵ مهر ماه ۱۳۲۳)
شمـــاره ۳
شهر القدرة سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع
(۱۳ آبان الی اول آذر ۱۳۲۳)

× + × + × + × + × + × + × + × + ×

۱۴ ـ غـــذای روح

حضرت ولی امرالله در لوح مبارك مورخ ۳۰ اکتوبر ۱۹۲۴ یاران را باین بیان مهم حضرت عبدالبهاء روح العالمین لرمسه الاطهر فدا متوجه میفرمایند قوله الاحلی

((بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سائر ادیان بعربده و های و هوی و لفظ بی معنی کفایت ننمایند بلکه بجمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت ارزوی هر یك این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض ومنور گردند و نقطه نظر گاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نا متناهیه گردد چون به این موفق شود میتوان گفت که بهائی است والا در این دور مبارك که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار

بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون وکمالات ایمان است)

دنبال این بیان در لوح منیع مذکور حضرت غصن ممتاز و فرع مقدس دو دوحهٔ رحمانیه میفرماید :

((ملاحظه فرمائید که این بیان چقدر شدید و متین و مشکل الاجراء است ولی تا بهائیان باین طراز تمام ینبغی ویلیق مزین نگردند چشم عالم چنانکه باید شود انسان نشود ونام بهاء الله جهان افروز نگردد یاران برگزیده ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظر گاه را تعالیم و نصائح قلم اعلی قرار دهند آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقی مانده ...

×+×+×+×+×+×

۵ ـ در وادی تفحص و تحری

در کلمات مکنونه عربی این بیانات الهیه روشنی بخش دیدهٔ سر و سر است قوله الاحلی :

((یا ابن الانسان لا تنفس بخطاء احد ما دمت خاطئا وان تفعل بغیر ذلك ملعون انت وانا شاهد بذلك))

مفهوم ایهٔ مبارکه آنکه (ای پسر انسان بخطاء احدی دم مزن تا خود خطا کاری واگر ازاین امر سر پیچی کنی ملعونی ومن به ملعونی تو شهادت میدهم) .

در کتاب مستطاب اقدس و الواح شتّی از یراعهٔ قدرت حضرت بهاء الله و قلم توانای مرکز میثاق بالحان مختلف

مذمومیت و مضّار غیبت گوشزد شده و حتی غیبت را در ردیف قتل نفس و کارهای ناشایست حرام فرموده اند و این مسئله بدیهی است که غیبت در جمع یاران هادم بنیان محبت و سرد کننده حرارت و نشاط و فعالیت است. از طرف دیگر در ظل تشکیلات عظیمهٔ بهائی هر یک از افراد میتواند بنهایت صراحت و صداقت هر چه راجع بشئون عمومیهٔ امر بنظرش قابل اصلاح میرسد در جلسه ضیافت مطرح نموده موضوع شور افراد بهائی قرار دهد بدون اینکه از بندگان بترسد و یا از عقاب و عذاب الهی بهراسد و نتیجهٔ شور را بعرض مرکز/تشکیلات بهائی قسمت اموی خود یعنی محفل مقدس روحانی محلی برساند.

پس اگر با اینهمه بهائی خدا نخواسته مرتکب غیبت شود و به نجوی و اشاره و یا پرده دری و یاوه سرائی بندگان خدا از یار و اغیار و یا تشکیلات عظیمهٔ امر الهی را هدف تنقید و انتقاد و اعتراض و تعرض قرار دهد، جرمش از هر جهت شدید و عندالله غیر قابل عفو است و به همین علت در این آئین جلیل غیبت را در ردیف گناهان کبیره قرار داده اند.

حال هر یک از ما که جرأت ورود بوادی تفحص و تحری داریم خوب است در آن وادی از این نظر اعمال خود و دیگران را از محک چشم عبرت بین عبور دهیم تا راه حل این مشکل بزرگ را بیابیم و از شر این عیب عظیم خلاص شویم.

×+×+×+×+×+×+×+×

١٦ ـ اشکالات فنّی

لجنه ضیافات بینهایت متأسف است که بواسطه بعضی علل فنی و اشکالات اولیه هر تاسیس جدیدی شماره ۲ این نشریه چنانکه باید روشن و خوانا تکثیر نشده و در بعضی نسخ حاشیه نا منظم است . امیدواریم بکمک ارباب فن و توجه بیشتر ما این نقیصه در آتیه تکرار نیابد معهذا باید خاطر نشان یاران عزیز را متوجه سازیم که وسیله استنسیل هر قدر با مواظبت و دقت برای تکثیر بکار رود باز نتیجه خیلی کامل نیست خاصه انکه لجنه بملاحظه صرفه کاغذ و برای اینکه از دو روی اوراق استفاده کرده نشریه را بصورت کتاب در آورد ناچار کاغذ کاهی که مخصوص استنسیل است بکار نبرده و جنس کاغذ ما مرغوب تر ولی برای استنسیل نا مناسب است .

×+×+×+×+×+×+×+×

١٧ ـ نطق مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء در مجلس ضیافت نوزده روزه احبای لندن در تاریخ ٢٩ دسامبر ١٩١٢ که مقارن با اجلاس انجمن داوری بین المللی صلح در لندن بوده است .

(ترجمه از اخبار امری محفل ملی امریکا شماره ٣٣ مورخ جولای ١٩٢٩)

(چون اصل نطق بدست نیامد ناچار مفاد بیان مبارک از متن انگلیسی ترجمه شد اگر یاران اصل نطق مبارک را پیدا کنند لجنه ضیافات بینهایت متشکر خواهد گردید)

معنیهای ضیافت نوزده روزه

این نمایندگان که در کنفرانس صلح مجتمع اند مانند تاجرانند با هم در تفوق وغلبه بر رقیب رقابت کنند و در این امر محسس بلیغ نمایند و اگر هم صلحی برقرار گردد صلح موقت خواهد بود . سالها پیش قرارداد صلح بین ـ الملل منعقد گردید ولی با وجود این جنگ باقی ماند . اگر این کنفرانسها قدرت استقرار صلح با دوامی داشتند دنیا از مدتی قبل راحت شده بود .

الحمدالله در این محفل نفوس خالص مجتمع اند آنچه درعالم انسانی سبب محبت ویگانگی شود در درگاه الهی پسندیده است وانچه موجب جنگ بین نوع انسان وعلت بغض و کینه وعدوان مقبول نیست .

جمیع مظاهر مقدسه و مشارق وحی الهیه که درعالم ظاهر شده مقصودشان ترویج واستقرار محبت و مودت در قلوب بشر بوده و برای موانست افراد عالم انسانی با یکدیگر این نفوس مقدسه بهر وسیلهٔ متشبث گشتند چه که منظور جمیع ایجاد صلح ویگانگی بین ابناء بشر بوده است . حکما و فلاسفه الهی در ازمنه تاریخیه بجمیع قوا برای استقرار این موهبت کوشیدند و در این صراط ترک ثروت و مال و منال نمودند برای تحقق این اصل اساسی یعنی صلح و اشتی بیش از بیست هزار نفس در شرق جان خود را فدا کردند . زیر شمشیر قاتل آرزوی آنان استقرار این مشروع و زیر شکنجه نهایت آمالشان نشر نفثات روح القدس بوده قطعه قطعه

گشتند و با نهایت مسرت و نشاط مرگ را قبول نمودند چه که میدانستند که شهادت آنان موجب تحقق آمال دیرینهٔ عالم انسانی خواهد گردید. ملاحظه فرمائید که تا چه حدّ خود را فدا نمودند و جانفشانی کردند برای فدای هر چیز حتی جان مسرور و راضی بودند.

بعضی نفوس نیز چنین مقصد ارجمندی دارند و منظور آنان هم آشتی بین افراد نوع انسان ولی این نیات در مرحله اقوال باقی است و برای تحقق و انجام آن حاضر بترک جان نیستند.

بین شخصی که بر مسند جلال و نفسانیت آرمیده و نفسی که در میدان عمل بعیل و رضا همه چیز را برای تحقق و انجام مقصد خویش فدا میکند فرق و تفاوت بسیار است. فلاسفه و نفوسیکه تصورات عالیه کنند در محل امن بیت خود بتفکر و مراقبه مشغول اند ولی خادمین صادق الهی تنها در خانهٔ راحت و محل امن بآمال عالیه نپرداختند بلکه برای اثبات صداقت و حقانیت خود خانه و کاشانه دادند و جان شیرین فدا نمودند. زمین از خون آنان ارغوانی و رنگین گشت و صلیب فدا در هیکل مقدس آنها برپا بود. سرها زینت نیزه ها گشت لذا قضاوت ما درباره آنان انکه در دعوی خود صادق بودند و صمیمی. این مقام قبول شهادت است. هر کس که طالب فلاح و نجاح عالم انسانی است باید همواره برای ترک جاه و جلال و سرور جان حاضر باشد در این عصر بهائیان جان خود را فدا نمودند تا محبت و یگانگی در قلوب مستقر و عالم انسانی نورانی و نوع بشر

بحیات جدید مفتخر گردد و عالم خاك مظهر سنوحات عالم افلاك شود . هر وقت یکی از انبیاء مقدسه در عالم ظاهر گردد این قوه وحدت و اتفاق حصول یابد .

یکی از علل و اسباب این وحدت و اتفاق همین مجلس است حضرت اعلی ضیافت نوزده روزه را تاسیس و جمال اقدس ابهی انرا در کتاب مستطاب اقدس تصدیق فرمودند تا نفوس با یکدیگر مجتمع شده علائم یگانگی و محبت از انها ظاهر و حقایق الهیه از انها ساطع گردد مقصود اتحاد است تا بوسیلهٔ این یگانگی قلوب کاملا با هم متحد شده الفت و مودت عمومی در بین جمیع مستقر شود زیرا حیات افراد عالم انسانی بدون اجتماع میسر نه و معاضدت و مساعدت با یکدیگر اساس اجتماع بشری است بدون تحقق این دو اصل بزرگ هیچ امری پیشرفت حاصل نکند .

این محقق است که این نبات و این نخل میتواند تنها بروید و رشد نماید بعضی از حیوانات تنها زندگی کنند ولی انسان بر این امر قادر نه انسان بخودی خود نمیتواند زندگی کند و پرورش یابد از قوه و استعداد او خارج است که مستقل از ابناء نوع خود امرار حیات کند مثلا انسان نمیتواند که در آن واحد بزراعت پردازد و غذای خود را تهیه کند و لباس خود را فراهم نماید و لوازم برای بنای خود جمع آوری کند فریاد انسان برای همکاری و معاضدت عمومی بلند است .

معاضدت بر دو نوع است مادی و روحانی . همکاری در

عالم مادی تامین سعادت و یگانگی نماید و تسهیل ترقی عالم انسانی کند ولی معاضدت اصلی و حقیقی و ممدوح معاضدت روحانی است و آن وقتی دست دهد که افراد با علم مجتمع گردند تا بیطرفانه در مبادی و اصول بحث و تحری حقیقت کنند و از مبادی فلسفی و الهی این عصر صحبت نمایند و در طلب علم و حکمت الهی با یکدیگر مساعدت کنند این معاضدت و همکاری حقیقی و مساعدت عمومی شالوده و مبنای معاضدت مادی است و با حصول این معاضدت روحانی بین نفوس سعادت در عالم انسانی چهره گشاید .

در اولیاء الهیه در اعصار ماضیه تفکر نمائید و نفوس مقدسه و حکمای رحمانیه را در ازمنه گذشته در نظر آرید نفوس معاصر وارثین علم و حکمت آنان گشتند و آنان آنچه از مواریث الهیه خود در عالم وجود بدست آوردند برای اخلاف باقی گذاشتند این است معاضدت روحانیهٔ حقیقیه که صحیح و متین است و تصرفات ایام در آن خللی وارد ننماید چه که مواهب یک عصر باعصار دیگر منتقل گشته است .

خلاصه آرزوی این عبد آنکه ضیافت نوزده روزه سبب وحدت عظیمهٔ روحانیه بین یاران گردد و احباء را برابطهٔ وحدت و یگانگی نزدیک نماید تا چنان با یکدیگر متحد و متفق شویم که محبت و موهبت از این مرکز بجمیع نقاط منتشر شود .

این ضیافت ضیافت الهی است غذای ملکوت است مغناطیس تایید است و سبب نورانیت قلوب .

هر روز ضیافتها و جشنهای بزرگ جهت سرور مادی و صرف اغذیه برپا شود از مجاری و منابع مختلفه انواع اغذیه لذیذه و مشروبات متنوعه مصروف و وقت بخوشی طی گردد سپس مجالس رقص و طرب فراهم شود . جمیع این مراتب برای جسم است ولی این یگانگی مخصوص جشن و سرور الهی است برای استفاده از غذای روحانی است جهت توضیح وتبیین شئون ربانی است . برای بحث و تفهیم تعالیم و نصائح الهیه است و روحانیت محضه .

امیدم چنانست که ضیافت نوزده روزه استحکام یابد و انتظام پذیرد تا حقایق مقدسه که در این محفل مخفی ومکنون است جمیع تعصبات و اختلافات را بر طرف نماید و قلوب کنوز محبت گردد و حتی اگر اندك اغبراری بین بعضی از نفوس موجود و محبت مفقود باید بکلی محو و زائل شود باید نهایت نورانیت و طهارت نیت ایجاد گردد .

باید از محبت الهی بهره مند شوند قوه واستعداد ترقی و تامین سعادت عالم انسانی واعلاء کلمة الله تحصیل کنند و با این تذکر و توجه مهم این ضیافت مشروعی محقق شود . در این محفل نفوسیکه مجتمع گردند باید وجوه را بملکوت ابهی متوجه نمایند و از صمیم قلب تضرع کنند و توسل جویند واز درگاه الهی طلب عفو خطایا نمایند و تعالیم الهی را تلاوت کنند و قیام بخدمت نمایند .

بعد ضیافت کنند و پذیرائی نمایند یقین است که نتائج عظیمه از این محافل حاصل شود منافع و فوائد مادّی و معنوی تامین گردد جمیع حاضرین از نسائم محبت الله سرمست شوند و نفحات روح القدس بقوتی عظیم بر قلوب نزول یابد .

اگر این محفل بر چنین بنیانی استوار شود یکی از سنوحات و جالب تاییدات ملکوت گردد و سبب ظهور انوار الهیه شود و حقیقت هر مسئله روشن و آشکار گردد چنین محفلی در ظل صیانت پروردگار است امیدم چنان که همواره این محافل بر قرار شود و هر دفعه بیش از پیش مرکز سنوحات رحمانیه و مهبط انوار الهیه گردد .
امیدوارم انشاء الله قلوب نورانی و وجوه روشن و ارواح رحمانی گردد افکار مداری وسیع یابد و بشارات روحانیه از دیاد گیرد و عالم الهی بر شما احاطه کند و قلوب کنوز ملکوت شود این است آرزوی من .

××××××××××××

۱۸ - قدردانی از الطاف احبا

نشریهٔ لجنه ضیافات با اینکه در مرحلهٔ کودکی و نقصان است در جمیع اهل بهاء بیحدّ مورد تلطّف و تعطّف یاران عزیز واقع گردیده بصرف فضل و عنایت از آن تقدیر و حمایت میفرمایند و قیمت تک شماره و حق اشتراک سالیانه مرتبا مستمرا میرسد تا انجا که برای تکثیر جزوات شور و نشوری موفور در لجنه ایجاد گشته همه میدویم و میخروشیم و برای اهداء

خدمت بر یکدیگر سبقت میجوئیم روح نبّاض الهی در کار است و تاییدات غیبیهٔ مستمر و متوالی . واین نیست جز از الطاف خفیهٔ مولای بیهمتا و محبت ومودت ظاهری و باطنی یاران خالص عزیز الهی. لجنه ضیافات از این مواهب وعنایات لا نهایات شاکر است و به این وسیله از عموم صمیمانه سپاس گذاری مینماید .

×+×+×+×+×+×+×

۱۹ ـ ناطقین جلسات

نظر به مدلول قسمت ۱۲ از نشریهٔ شماره ۲ حال با کمال مسرت و ابتهاج خاطر شریف یاران را مستحضر میداریم که صلاحیت ناطقین مورد تصویب محفل مقدس روحانی واقع وعنقریب ترتیب نطق جلسات داده خواهد شد ولی برای دفعه دیگر لجنه ناچار است بعرض یاران عزیز برساند که در نتیجهٔ عدم تمرین نطق بین احباء در سنین اخیره ممکن است چنانکه باید این اقدام لجنه در قدم اول بنتائج مطلوبه نرسد و اسامی بعضی از ارباب بیان از قلم افتاده باشد لذا متمنی است که دوستان راستان اولا چندی بنظر اغماض و تلطف بر بیانات و شیوه سخن بعضی از ناطقین ناظر باشند و حتی الامکان برای رشد استعداد نطق ناطقین را تشویق فرمایند و ثانیا اگر حاضر و مستعد نطق وبیان در جلسات اند و اسمشان از قلم افتاده لطفا نام خود را توسط ناظم جلسه معرفی فرمایند .

×+×+×+×+×+×+×

۲۰ ـ احتفال صعود

اگر چه در صعود حضرت عبدالبهاء اشتغال بکار حرام نیست ولی احتفال جلسه تذکر در لیله صعود لازم است . این است که این لجنه پرگرامی بری احتفال لیله مبارکه صعود که امسال در ساعت ده بعد از ظهر یوم دو شنبه ششم آذر (۵ شهر ـ الفول) انعقاد یابد و تا صبح دوام خواهد داشت تهیه نموده و برای استفاده یاران بجلسات ضیافت خواهد فرستاد .

+×+×+×+×+×+

۲۱ ـ نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

در هر شهر بهائی یک شماره وبرای عیدین سعیدین (نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره / ۷۵ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شماره (۱ و ۲) با اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی به مراکز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده خواهد شد تا هریک از افراد اهل بهاء مایل باشند مشترک گردند واگر میل داشته باشند و محفل مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پرگرام اداره نموده این مقالات در جلسات خوانده شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبض حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید . اگر مایل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان ـ طهران ـ سرای حاجب الدوله ارسال فرمایند هر مقاله که از افراد احبای عزیز برسد و بر لجنه تصویب شود در این نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید ـ جمیع مندرجات بامر محفل مقدس ملی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تالیفات امریه میرسد .

لجنه ضیافات نوزده روزه ـ طهران

نشریهٔ لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار :
اول شهرالعشیه سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع (۲۳/۷/۵)
شماره چهارم
شهرالقول سنه ۱۰۱ تاریخ بدیع
(۲ الی ۲۰ آذرماه ۱۳۲۳)

---

۲۸ ـ غذای روح

اصول مهمه نظم اداری بهائی (ترجمه از کتاب نظم اداری بهائی استخراج از لوح مبارک حضرت ولی امرالله بافتخار احبای امریک مورخ ۱۱ می ۱۹۲۶)

مقصود ومنظور نظم اداری بهائی

حال که شئون اداری امرالهی منظما در توسعه وشعب مختلفه آن از حیث عدد واهمیت در رشد ونمو است بی نهایت لازم وضروری است که این حقیقت اساسی را بخاطر آریم که جمیع این فعالیت های اداری هرقدر بنحو موثر و با روح وحدت انجام گردد جمیعا فقط وسائل وعوامل وصول بمنظور است وباید بعنوان وسائط مستقیم برای ترویج امر بهائی تلقی گردد .
باید این نکته را کاملا مرکوز ذهن کنیم که مبادا با شور وشوق

زیادی که برای تکمیل واتقان تاسیسات اداری امر داریم مقصود ومنظور الهی که این نظم اداری برای وصول بآن ایجاد شده بکلی از نظرها مخفی وپنهان شود باید مراقب و هشیار باشیم که مبادا احتیاج رو بتزایدی که برای تخصص در امور و وظایف اداری امر الهی موجود است ما را از ملحق شدن بصفوف آن نفوس که در خط مقدم جنگ با فخر و جلال مشغول دعوت جمعیت باین یوم جدید الهی میباشند باز دارد این است آنچه که حقیقة باید مقدم بر همه وجه همت ومنظور نظر باشد این است وظیفه وتعهد مقدس واحتیاج فوری و حیاتی ما باید همگی این اصل اساسی را در خاطر داشته باشیم زیرا سرچشمه جمیع مساعی ومجاهدات آینده است ورافع هر مانع نراعم وموجب تحقق آمال مولای حنون ۰۰۰۰۰۰

۲۹ ــ رادیوی آسمان

قلب مومن که عرش اشراقات وتجلیات الهیه است چون بصیقل ــ کلمات وآیات مصفی ومنزه گردد هر لحظه صلائی ملکوتی و رنّه الهی برآن نازل شود چنانکه در قسمت ۷ از نشریه شماره ۲ این نکته کاملا معلوم ومسلم گردید ۰ حال اگر چراغ های ــ رادیوی گیرنده روحانی یعنی قلب و روح ما سالم و منظم است ملاحظه فرمائید که با تلاوت بیان احلای ذیل وتعمق وتفکر در معانی و رموز آن چه کیفیات عجیبه روحیه در آن ظاهر و متجلی گردد :ــ

(یا ابن الروح ــ ما قدر لك الراحة الا باعراضك عن نفسك ــ واقبالك بنفسی لانّه ینبغی ان یکون افتخارك باسمی لا باسمك

(۲)

واتکالك علی وجهی لا علی وجهك لانی وحدی احب ان اکون محبوبا فوق کل شیی))

مضمون این کلمات دریات در زبان فارسی آنکه ۰

(ای پسر روح برای تو راحت و رفاهی مقدر نیست مگر در اعراض تو از نفس خود و اقبال تو بنفس من زیرا سزاوار آنکه انتظار تو باسم من باشد نه باسم خود واتکال تو بر وجه من باشد نه بروجه خود چه که دوست دارم که من تنها ویکتا فوق هرچیزی محبوب باشم)

ملاحظه فرمائید که چه معانی ونکات لطیفه در این بیان مختصر بصورت دورنمای روحانی درمقابل چشم مجسم میشود ۰ در عالم بشری که هر فردی شب و روز اسیر نفس وهوی است و گرفتار صور واسماء متکی بر وساده عزت شخصیه است ومتمسك بهوس نفسانیه و آنانیت وخودبینی شیطانیه غرور خود خواهی وخودنمائی سراپای وجود اورا مسخر کرده وهستی اورا چون برگ زرد پائیزی هرلحظه براهی وچاهی میکشد حضرت احدیت اورا بچه قله مرتفع وذروه اعلائی دعوت میفرماید ۰ در این بساط بشری که شمه از آن مذکور گشت ذلت است وحرمان ۰ ونقمت است وهجران ۰ شقاوت است وطغیان ۰ وندامت است وعدوان ۰ و در آن باغستان الهی وخوان مهنای ملکوتی نعمت است وراحت ۰ وطراوت است و خضارت ۰ وسعت است و فسحت ۰ ورحمت است و سعادت ۰

حالا چه معجون الهی وکیمیای ملکوتی آن ظلمت را باین نورانیت بدل فرماید وبشر درمانده را از آن دره باین ذروه رساند بخشی است جداگانه که باراده الهیه در فرصتی دیگر از این رادیوی ملکوتی خواهیم شنید .....

۳۰ ـ نقل از کتاب بهجة الصدور

خلاصه مقدمات اقبال حضرت متصاعد الی الله حاج

میرزا حیدرعلی بامر الهی .

. . . . . پدرم وخودم بحاج محمدکریم خان ارادت ـ
داشتیم و از شیخی های خالص بودیم و در خدمتایشان
بامر پدر سالها شاگردی وخدمت میکردم و درمشانی ـ
کیمیای خان بآتش کردن ودمیدن مشغول بودم و بامید
غنا وثروت عظیم مسرور و اسرار را مستور میداشتم و شیفته ـ
وفریفته خان و بزرگواری ایشان بودم تا خدا خواست که
فانی را آگاه وهدایت فرماید بعضی شئون از قبیل خوف
وضعف نفس وکثرت تزلزل واضطراب که مخالف درمانی ـ
ادعایش وقابل تاویل وتعبیربود ازاو دیدم با اینکه امام
زمانی ورکن رابعی رامدعی بود معهذا رفته رفته ازاو وحرکا
وتدلیسات نفسانیه بسیار دیدم بکنایه ابلغ از تصریح ادعا
داشت که بر سرائر ضمائر مطلع است و دارای علم لدنی
وعلمش حضوری است و در جمیع کتب خویش بصراحت علم وعمل
کیمیای مشهور را ادعا نموده بود وحال فانی دیدم که ـ
طلا ونقره را بادویه آتش میزد وضایع مینمود و یا اینکه موقعی
که درکرمان وباشیوع پیدا کرد وایشان درلنگربودند که بسیار
خوش آب وهوا بود معذلك با بعضی ازخواص بکوهستانی که
برف داشت فرارنمود واجتماع را منع کرد چنانکه چادر ـ
شیخ الاسلام داماد ش وچادرمرحوم والد فانی یك میدان
دور ازچادرخان بود ومراوده ممنوع الاعلی قدرمعلوم و یا
اینکه دزدی را درخانه گرفته واذیت کردند تا مرد ـ
بشانی ازحکومت مضطرب بود که سه مرتبه نماز مغرب را اشتباهاً
واعاده

نمود ونمازشارا عذر خواست ونخوانده بخانه مراجعت نمود
ونیز در رساله چهارفصل ورساله سی فصل خودلعن کرده خودرا
اگرمدعی اظم زمانی ورکن رابعی باشد وهرکس اورا رکن رابع واظم
زمان بداند درصورتیکه مدعی این مقامات بود وازجمله بااین ادعای
حق الیقین وعین الیقین درد ومسئله ازفروع جزئیه یکی آنکه عدد
ماه رمضان ازسی کمتر نیست ودیگری طی قلیل بمجرد ملاقات —
نجاست نجس نمیشود با اینکه متفق علیه نبود وخلاف مشهوربود
نتوانست ثابت نماید ومجبور بنقض عقیده ورساله خود گردید —
وخطای خودرا اعلان نمود ازجمله در خلوت نزد یهودی عبرانی
میخواند ودر جلوت مدعی دانستن عبرانی بعلم لدنی بود ودر
شرکارهائی که ازاظهارش انسان خجل وشرمسار است ازاوبروز
مینمود لذا دراعتقادم نسبت بایشان خلل وفتوری حاصل گشت
وحال خودرا مستورمینمودم وتدبیر فرارمیکردم تااصرار والحاح پدرم
رامجبور باذن آمدن باصفهان نمودم وباصفهان آمدم ازکتب
حضرتین شیخین جلیلین وسیدین عظمین قرب ظهورموعود عقیده
راسخ صمیمی نانی بودکه باید ظهورعظیمی اشراق نماید والا
کلمات شیخ احسائی وآقاسیدکاظم رشتی نعوذ باله الفاظی —
بی معنی است وچون درارادت بحاج کریم خان فتوری حاصل
شده ودر طلب ومجاهده بودم مدت سه سال بشیراز وطهران
ومشهد مسافرت نمودم وبا هرنفسی معاشرت کردم ودر هر
مجلسی وارد شدم وخدمت هرمدعی ارشادی رسیدم وبصداقت
خدمت نمودم ولی جمیع ابواب را بسته یافتم وکل رامدعی بلا بینه
شناختم الی آخرالقول (بقیه درشماره بعد)

٢١ — رزیه چیزنویسی درجامعه بهائی

کرارا ازجامعه یاران بمانگفته میشود که عبارات نشریات را ساده تر

وروشن تر بنویسیم و آیات عربی را بفارسی ترجمه کنیم البته مراعات تمایل جامعه لازم و محبوب است و ما سعی خواهیم کرد که این منظور مجری شود ولی در این مورد لازم است — یاران راستان بنکات ذیل توجه فرمایند :

۱ — مطالب تحریرات امری روحانی وعرفانی است . تحریر این مطالب ناچار محتاج بالفاظ واصطلاحاتی مخصوص است — وانشاء آن لاعلاج مانند آنچه در جرائد ومقالات اجتماعی میخوانیم ومربوط بمطالب عادی ومادی است ساده و با الفاظ پیش پا افتاده میسر نخواهد بود .

۲ — تحریری که لایق انتساب بموسسات عظیمه امریه باشد ناچار باید خالی از اصطلاحات واستعارات خنک بوده وحتی الامکان در آن مراعات نزاکت امری و قواعد لغوی واصول ادبی گردد .

۳ — بهائی باید مانوس با آیات وکلمات والواح امریه باشد که درعین بساطت وسلاست آیت وعلامتی از مدارج اعلای ترقی روحی وجسمی درعالم انسانی است وعدول از این میزان برای اهل بها شایسته وپسندیده نیست .

٤ — بهائی باید باعادات مضره محیط خارج مبارزه نماید — وتبعیت از تمایل فعلی که ضدیت با لغات عربی وانس با کلمات غیر مانوسه جدیده است شان او نیست خاصه آنکه بیانات وکلمات الهیه جمیعا مشحون از لغات وعبارات عربی است ومولای عزیز ما کتبا ولسانا دستورات اکیده برای فراگرفتن زبان عربی داده اند ومبارزه با افکار وتمایلات مضره را بالحان مختلفه گوشزد فرموده اند . معهذا ما سعی خواهیم کرد با رعایت نکات بالا تا آخرین حد امکان تحریرات ساده و از الفاظ غیر مانوس پرداخته باشد و در

جمیع موارد مفاد آیات وعبارات عربی را بفارسی دنبال بیان درج خواهیم نمود .

۳۲ ـ تضاوت وجدانی

اگر هریك از ما قدری درحال خود تفکر کنیم بد نیست . حضرت رب اعلی در بیست وپنج سالگی قیامی الهی فرمود و قیامتی روحانی وغوغائی حیرت انگیز ایجاد نمود جمعی گرویدند و بخون دل وگو برمظلومیت وحقیتش گواهی دادند سرها زینت نیزه ها و جگر ها طعمه دشنه ها شد اطفال یتیم شدند و زنان بی امان و خانه‌ها ویران . سپس طبق بشارت حضرتش جمال اقدس ابهی در سنه تسع عالم را بدرك کل خیر دلالت فرمود و مصداق وعود انبیا ظاهر شد "ثم نفخ فیه اخری" تحقق یافت وهمان رستاخیز تجدید وهمان وقایع بشدتی اعظم تکرار گشت جماعتی در این بزم عاشقانه همه جا بودند وبوظیفه عمل نمودند یکی ترك عیال واولاد و دیگری بذل جان شیرین کرد یکی از طعن اعدا ولعن علما وطرد جهلا و سنگ بلها وخاشاك خصما مسیح وار تاجی ازگل بر سر گذاشت و درجمع فدا سلطان شهدا شد و دیگری درجانبازی محبوب و مقبول وبرگزیده خداوند توانا بعضی در تبشیر وتبلیغ سعی بلیغ نمودند و در این سبیل از تیغ بیدریغ نترسیدند و برخی از وساده عزت وجلال گذشته به آوارگی وبی سروسامانی خو گرفتند .

حال ما هریك از کوئی و برزنی بر سر این خوان مهنا نشسته و این میراث مرغوب لاعدل له را بچنگ آورده در حصن حصین امراله آرمیده و در دل آرزوی بسیار پرورده که وعود الهی تحقق یابد واین ظل ممدود برشرق وغرب ممدود گردد . آئین جلیل در قطب آفاق در اشد اشراق بدرخشد و ما اهل بها برگزیدگان خدا وارثین ـ

ذیحق این نعمت بیکران همه جا محترم ومعزز شویم ومحبوب ومقبول خاص وعام گردیم همه این آمال ونوایا بموقع است وبجا وحق مسلم وملك طلق ما ۰ در این شکی نیست وهرکس اندك — تردیدی کند یاران را عدوی مبین است وخصم لدود دین خدا اما شایسته آنکه شور ونشور اهل چشن وسرور در جمهور یاران تحقق یابد وعزم وجزم واراده آهنین وثبات واستقامت وهمت — وعلویت وجدیت وفعالیت در روح و ریحان وخلوص وایقان در همه متمرکز وجایگزین شود محبوب خدا شدن و وارث این همه مال ومنال ومنصب وجلال روحانی گشتن آسان نیست کسب استحقاق برای هرکس واجب ولازم عنقریب سیاط عدل الهی نمودار خواهد گشت واز مدعیان محبت و داعیان این مالکیت اسناد معتبر مطالبه خواهد شد اگر در موقع ورود باین بزم الهی در بحبوحه شور ونشور وولوله و سرور در گوش ما این صلای الهی ورنّه ملکوتی را خواندند تکلیف چیست :—

قوله الاعلی :

((ای پسر هوی اهل دانش وبینش سالها کوشیدند و بوصال ذی الجلال فائز نگشتند وعمرها دویدند وبلقای ذی الجمال نرسیدند وتو نادیده بمنزل رسیده وناطلبیده بمطلب واصل شدی وبحد از جمیع این مقام ورتبه بحجاب نفس خود چنان محتجب — ماندی که چشمت بجمال دوست نیفتاد و دستت بدامن یار نرسید فتحببوا من ذلك یا اولی الابصار ۰))

۳۳ — فوران وغلیان

هروقت گفته شود که وظیفه هریك از اهل بهاء تبلیغ است وتبشیر

تا از آنچه خداوند باو عطا فرموده بدیگران نیز بهره ونصیبی برساند لورا از هرطرف جواب میشنویم که چه کم قوه بیان ندارم وتقریر وتبیان نمیتوانم ویا معلومات امری واطلاعات راجع بادیان الهی بقدر کافی ذخیره نکرده ام . در صورتیکه حضرت عبدالبهاء در الواح کثیره بمضامین مختلفه میفرمایند هریهائی که حتّی ابجد نداند میتواند در تبلیغ نفوس بیضا نماید ودر تاریخ امر قصه شیرین وروح بخش مبلّغین بی سواد عامی امّی را فراوان شنیده ایم که موفق بوده اند ودر آسمان امر الهی خدمات باهره آنان چون نجم بازغ روشن وفروزان است ــ گویا نکته لطیفه وکلید این رمز بمثال ساده ذیل بدست آید :

همه البتّه فواره را دیده ایم فوران وغلیان وریزش وجهش ــ آبش بسته باتّصال وارتفاع منبع است اگر ارتباط واتّصال با ــ منبع مستمّر وقوی باشد فواره لاعلاج در جوش وخروش است ودر فصل گرما صاحب صفا وغوغائی دلنشین وزیبا ولی هردم که لوله اصلیه اتّصال با منبع قطع شود فورا جوش وخروشش ــ فراموش وآثار سکوت وخمودت ظاهر گردد دیگر نه فوران است ونه جنبش ونه حرکت است ونه ریزش . روح بشری نیز تا با مبدء فیض یعنی کلمة الله اتصال مستمر بلا انقطاع دارد ــ در جوش وخروش است ودر فیلم ونهضت وطیران وحرکت وچون از مبدء ومنبع فیض انفصال یابد مرگ است وبوار وــ خاموشی است وفراموشی ظلمت است وضلالت وافسردگی وجهالت . نه در دمش سروش اثری ونه در حرکت مذبوحش ثمری . هرچه گوید هباء منثورا است وهرچه شنود همهمه

و ندمه و آوای نسیا منسیّا .

پس اگر روح را فتوحی و جان را فوزان و غلیانی خواهیم باید مواظب باشیم که رابطه اتّصال با کلمة الله قطع نشود و حبل المتین تمسّک و توسّل و بندگی و خدمت و خلوص و ایقان لطمه نه بیند و دستورات امروزه حضرت ولیّ امرالله که علاج برء السّاعه دردها جامعه است فراموش نشود والّا و اسفا علینا بما فرطنا فی جنب الله .

۳۴ ـ عادات مضرّه

در علوم این عصر این مسئله مسلّم گشته که بسیاری از عادات وحالات روحی بوراثت از آبا و اجداد باخلاف و اولاد منتقل شود یعنی در خون وجسم ومغز هر فردی مواریث کثیره از آبا واجداد او از قرون متمادیه ذخیره گشته و خلاصی از آنها بسیار مشکل بلکه بوسائل طبّی وعلمی ممتنع و محال است (فقط ما اهل بها میدانیم که قوّه کلمة الله یگانه قوه ایست که میتواند این مشکل را از میان بردارد) .

از جمله عاداتی که ما از پدران هزارساله خود بارث برده ایم عدم توجه بروح ومعنای کلمات الهیّه است در عالم اسلام ویا ادیان سائره که محیط نشو ونمای روحانی وجسمانی هزار ساله پدران ما بوده آیات واحادیث وکلمات وصحف غالبا بالسنه غیر مانوس و بسیاری عربی وبرای عامّه غیر مفهوم بوده است لذا بعقیده عموم نفس تلاوت آن بشکل وهیئتی که همه در معابر ومجالس دیده ایم (بنوای ثواب خواننده آیات بصرف خواندن و شنونده بصرف شنیدن بدون توجه بمعنای کلمات مستحق انواع مواهب و برکات گردد وحتّی روح والدین نیز از آن بی بهره نماند

بالجمله آبا و اجداد هزارساله ما تا بتلاوت کلام خدا میپردا ختند
چون مفهوم نبوده ناچار دریچه عقل را من غیرعمد مقفل
ومسدود وحنجره را باز و آوازی در فضا طنین انداز مینمودند
ولی روح مهجور وافسرده و در خواب مثینی غوطه ور بوده
واین حالت حتی امروز هم در بین ملل سائره کاملا موجود
ومشهود . در صورتیکه نرمرده اند تفکّرساعة خیر من —
عبادة الستین (او سبعین سنه) یعنی یك ساعت فکر
کردن بهتر از عبادت شصت یاهفتاد سال است و همین را هم
خوانده وثواب خواندن را بحساب خود گذاشته ونفهمیده ماند.
باری این عادت که کلمات الهیه فقط برای ثواب باید خوانده
شود و فهم معنی ضرورتی ندارد در خون ومغز وجسم ما
نقش هزار ساله بسته از دست آن کستر خلاصی داریم . همه
بلاشك دیده ایم که کلمات شیرین فارسی الهی را در محافل
بهائی میخوانیم و یا میشنویم و خالصا مخلصا گاهی فقط
بثواب و مواهب خواندن و شنیدن آن توجّهی روحی داریم
و زمانی از خود بیخود میشویم و قیافه حاکی از انجذاب —
وتوجه وچشم ها بسته و سردر نوسان منجذبانه و یا افکندگی
خاضعانه است ولی اگر ناگهان از ما سئوال شود که نکته
دقیقه این بیان یا لوح و یا مناجات چه بود شاید بعضی
نتوانیم درست بیان کنیم و این همه تقصیر رسوخ عادت هزار
ساله در جان وجسم ما است .
اراده مبارك مولای توانا بر این تعلّق گرفته که ما اهل بها
با این عادت و امثال آن که مضّر ومتعلّق باد وار سابقه است
مبارزه کنیم و آنرا از خود دور سازیم و در این جهاد روحانی

را بجناب خال عرض کردم که من لیاقت تدریس این طفل را ندارم جناب خال ایشانرا نصیحت فرمودند که مانند شاگردان عادی رفتار نمایند ولی اثار ذکاء وعلم لدنی ظاهر و باهر بود بدرجه ئی که عاقبت جناب خال ایشانرا از مکتب خارج نموده در تجارت با خود شریك فرمودند . در ایام تجارت در بوشهر قبل از طلوع فجر و هنگام ظهر با اینکه هوا بسی نهایت گرم و افتاب سوزان بود بر بام سرداب ساعات متوالی به عبادت و مناجات میگذراندند وغالبا بسمت شمال یعنی جانب طهران متوجه بودند و حین طلوع شمس بان متوجه شده ، اشراق افتاب را رمزی از اشراق شمس حقیقت میشمردند از حروف حی تنها کسی که بدون تشرف ایمان اورد جناب طاهره بود که سید مرحوم ایشانرا بقرة العین ملقب فرموده بودند باری جناب ملاحسین مامور نشر نفحات در اصفهان و طهران و خراسان گشتند و حضرت باب بایشان فرمودند که اگر خدا بخواهد در طهران بتخت سلطنت حقیقیه نزدیك خواهی شد چه که طهران حافظ رمزی عظیم است که در علو منزلت حجاز و شیراز بان نمیرسد و از خراسان بنجف و کربلا برو و در انجا منتظر بمان . بملا علی نیز فرمودند که علمای عتبات را بدین الهی دعوت نماید و ایشان بشجاعتی بسی نظیر در محضر شیخ محمد حسن مجتهد در عتبات بیان دلائل فرمودند و اثبات امر حق کردند تا انکه بفساد مفسدین گرفتار و در بغداد در بند حکمران درامدند و از انجا تحت الحفظ باسلامبول اعزام شدند و در بین راه شهید و یا بعلت مرض صعود فرمودند و ایشان اولین

شهید فی سبیل الله در امر حضرت باب اند بالجمله سایر حروف حی بامر مبارک برای تبلیغ از شیراز باطراف ایران حرکت نمودند و جناب قدوس و خادم سیاه در رکاب مبارک عازم حجاز گشتند . (بقیه در شماره های بعد)

۵۰ ـ از کتاب دستورات بهائی

دستورات بهائی کتابی است جامع که محفل روحانی ملی بهائیان امریکا و کانادا تهیه و طبع نموده و مندرجات عبارت است از تعلیمات و اوامر حضرت ولی امرالله و مصوبات و قرارهای محفل روحانی ملی طبق الواح مبارکه ایشان و همچنین استخراج از مندرجات اخبار امری و دفاتر و خلاصه مذاکرات محفل ملی و ما سعی خواهیم کرد که گاهگاه بعضی از قسمتهای انرا که اطلاعش برای جامعه مفید و نافع باشد ترجمه و در ذیل عنوان "از کتاب دستورات بهائی" در این نشریه درج نمائیم

دستور مبارک حضرت ولی امرالله مندرجه در کتاب
"دستورات بهائی"
ترجمه از انگلیسی

راجع باظهار عقیده و توضیح و تبیین تعالیم حضرت ولی امرالله معتقدند که ما نباید از آزادی فرد را در ابداء نظر محدود کنیم بشرط انکه صریحا بگوید که اظهارات عبارت از نظر شخصی خود او است این قبیل توضیحات و تبیینات فی الحقیقه غالبا نافع و برای فهمیدن دستورات مفید است . خداوند بانسان قوهٔ

ادراکی داده که باید بکار افتد نه انکه محو و باطل شود .
معهذا مقصود این نیست که سلب حساسیت از ایات الهیه
گردد بلکه باید همگی سعی کنیم که هرچه ممکن شود به
اصول و مبادی نزدیک باشیم و وفا و تمسک خود را بایات
حضرت بهاء الله بوسیله استشهاد از انها در اثبات
مسائل واضح و مبرهن سازیم سرپیچی از حکومت ایات —
الهیه کفر و جلوگیری کامل از تعبیرات افراد نسبت به
کلمات نیز بد است باید سعی کنیم که رویهٔ اعتدال مطلوبی
بین این دو سرحد افراط بدست اوریم .

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

در هر سه ربهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین
(نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه
سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت —
اشتراک سالیانه برای بیست شماره =/۷۵ ریال و قیمت تک
شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شماره یک و دو با
اجازه محفل مقدس روحانی ملی بمراکز قسمتهای امری در —
ولایات ایران فرستاده خواهد شد تا هر یک از افراد اهل
بهاء مایل باشند مشترک گردند و اگر میل داشته باشند ومحفل
مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را
طبق این پروگرام اداره نموده این مقالات در جلسات خوانده
شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبض
حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید .

لجنه ضیافات ۱۹ روزه — (۹۰) — طهـــران

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱۰۱/۱۱/۱ (۱۳۲۳/۷/۵)
شماره پنج

شهرالمسائل سنه ۱۰۱ بدیع (۲۱/۹ — ۹/۱۰/۲۲)

×+×+×+×+×+×

۴۸ — غذای روح

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فدا میفرمایند

بعضی از احبّا در سرّ مذمّت یاران دیگر نمایند و اساس غیبت را در نهایت متانت وضع نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند البته کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح نمائید زیرا هیچ خصلتی مضرتر از این صفت عیب جوئی نه ۰۰۰۰۰۰ ابدا نباید نفسی کلمهٔ و اشارهٔ غیر لایق نسبت باحدی از احبا الله اظهار دارد عجبت ممن اشتغل بعیوب الناس و هو غافل عن عیوب نفسه مسلک روحانیان است ۰ نهایت دقت را در منع از این خصلت بنمائید و ابدا نگذارید احدی جز ستایش از زبانش جاری گردد ۰

۴۹ — شیرینی دروغی غیبت

غیبت عبارت است از ذکر معایب واقعی شخص غایب و تهمت یعنی نسبت دادن گناهان و معایبی بدروغ و خلاف

حقیقت بنفس .

در ایران (مردم) میگویند غیبت شیرین است . در مجامع بعد از صرف غذا اصطلاح شده میگویند بیائید با غیبت دهن شیرین کنیم . باز میگویند " تهمت که نمیزنیم غیبت که نمیکنیم ذکر صفت است در حضور هم میگوئیم " در صورتیکه غالبا اگر شخص مورد حمله بغتة وارد شود فورا همه لسان بمدح و ثنای متملقانه میگشایند — باز (مردم) میگویند دلسوزی است نه عیب جوئی — برای اصلاح معایب است و رفع نواقص و تنبه و تذکر حاضرین — نه پرده دری و هرزه درائی .

اما تمام این اظهارات (مردم) با این منطق سخیف دروغ است . زیرا معایب باینطریق اصلاح نشده بلکه زیادتر شود . بوسیلهٔ غیبت اشتعال و محبت و انس والفت از جامعه رخت بر بندد . نفوس نسبت بیکدیگر بد گمان و از هم رنجیده و مکدر گردند . خلوص و صمیمیت میمیرد و محفل انس نورانی بوادی خفا شان ظلمانی تبدیل یابد .

اما در امر دنیائی بهائی خداوند توانا میفرماید :

قد حرّم علیکم القتل والزنا ثم الغیبة والافتراء اجتنبوا عمّا نهیتم عنه فی الصحائف والالواح (که مفاد آن بفارسی آنکه . حرام گشت بر شما قتل نفس و زنا و بعد غیبت وافترا دوری بجوئید از آنچه که نهی شده اید از آن در صحائف والواح)

و نیز — " یا ابن الوجود : کیف نسیت عیوب نفسک واشتغلت

بعیوب عبادی من کان علی ذلك فعلیه لعنة منّی " (که مضمون آنکه ای پسر وجود . چگونه عیوب خویشرا فراموش نمودی و بعیوب بندگانم مشغول گشتی هر نفسیکه مرتکب این امر است بر او باد لعنت من .)

و همچنین میفرماید : لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالائید و اگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من زیرا که هر کدام از شما بنفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من .

بهائی بهدایت این نصوص موکده مرتکب غیبت نشود تا چه رسد بافترا و تهمت . بهائی خالص بوساوس نفس اماره قیمتی نمیگذارد وعزّت موهوم خویش را در اهانت معین و معلوم یاران و برادران عزیز خود نخواهد و معایب واقعیه اخوان روحانی را بجمیع قوا مستر فرماید و در ساعات تضرع در حق خود و آنان برای غلبه یافتن بر نفس ناریه و معایب و نواقص دعا کند .

ولی باید اقرار کرد که گاهی معایبی بزرگ که بعزت و آبروی امر ضرر است پیدا شود این معایب بر دو نوع است ۱ ــ معایب فردی ۲ ــ معایب اجتماعی .

۱ ــ اما معایب فردی ــ اگر یکی از ما بهائیان در برادر یا خواهر روحانی خود بکمال وضوح عیبی را شخصا دیدیم که ضررش بامرالله و جامعه راجع است چاره منحصر انکه بدون افشای مطلب حتی بنزدیکان خود روزی بمحفل مقدس روحانی یعنی مرکز مطاع منصوص محلی هر جامعه بهائی رویم و مطلب را بکمال خلوص و شجاعت و صداقت و صراحت بعرض برسانیم و دیگر در آن زمینه ابدا اظهار یا اصراری باحدی نکنیم ــ

البته محفل مقدس طبق دستورات الهیه بوظیفهٔ خویش قائم و مقصود حاصل خواهد گردید .

۲ ــ و اما راجع بمعایب اجتماعی یعنی قصور و یا خطا نکرده تقصیریکه بنظر یکی از افراد در تصمیمات و اجراآت یکی از موسسات عظیمهٔ امر و تشکیلات بهائی واقع گشته تنها طریقهٔ علاج انکه نظر خویشرا در جلسه ضیافات نوزده روزه در ساعت شور بکمال متانت و ادب و صراحت بصورت پیشنهاد طرح کنیم تا خلاصهٔ آراء اکثریت هر چه شد بعرض محفل مقدس برسد یقین است که با تاییدات لا ریبیه منظور مطلوب و محبوب بدست خواهد آمد . ولی هرگاه در مواردی استثنائی در جلسهٔ ضیافت نیز توجهی بمطلب نشد و در شور تصویب نگشت ولی هنوز برای غیرت امری که داریم این فکر ما را زحمت میدهد باید بمحفل مقدس رویم و نظر خویشرا بعرض رسانیم و بعد از ان فکر را فراموش کنیم زیرا از راه مجاز تشکیلاتی انرا تعقیب کرده وظیفهٔ روحانیهٔ خویش را انجام داده ایم و البته اگر اقدامات ما تمام خالصانه و متضرعانه بوده مقرون بموفقیت و مشمول لحظات عنایت خواهد گردید .

ما ورای این دو طریقه توسّل بذیل غیبت است و این عمل عندالله مذموم و مردود و در جامعه اهل بهاء ننگین و تحملش برای همه ثقیل و سنگین است و اگر خدا نکرده مرتکبی در جمع ما یافت شود باید او را بکمال محبت و صراحت بمندرجات این مقاله یعنی تبعیت از دو طریقه فوق الذکر دلالت کنیم و بآیات الهیه و دستورات مقدسه متوجه نمائیم تا ترک این عادت خجلت اور خویش ننماید

و تیشه بریشه جامعه نزنند .

×+×+×+×+×+×

۵۰ ـ از کتاب نظم اداری بهائی

کتاب نظم اداری بهائی مجموعه ایست از دستورات مقدسه حضرت ولی امرالله در جمیع مسائل اداری امر بهائی که تدریجا بافتخار محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان امریکا و کانادا گاهی بصرف فضل و گاهی در جواب سئوال آنها نازل شده است این کتاب چندین بار بطبع رسیده و طبع چهارم آن که در دست است در سنه ۱۹۴۱ منتشر گشته و ناشر آن لجنه نشر نفحات و انطباعات بهائیان امریکا است دارای ۱۹۵ صفحه و مصدّر باستخراجاتی از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و مقدّمه بقلم هارس هالی منشی محفل ملی امریکا است ـ و چون اطلاع از مندرجات آن برای افراد احبّا مفید و ضروری است ما گاهی بعضی قسمتهای انرا در ذیل عنوان (از کتاب نظم اداری بهائی) ترجمه و در نشریه منتشر میکنیم .

مقدّمه بقلم هارس هالی

نباید تصوّر نمود که اصول نظم اداری بهائی تنها عبارت از یکعده نظامات و دستورات صوری ظاهری است بلکه باید معتقد بود که این نظم بدیع عبارت است از ثمره و نتیجه روح وحدت و یگانگی در این عصر نورانی . نظم اداری بهائی یعنی یک سلسله از مبادی اخلاقی دنیائی که خاصیت مخصوصه و مشخصات ممتازهٔ آن نقل و تحویل عقاید روحانیه

معنویهٔ افراد است بحیز حس و شهود و تبدیل آن باصل همکاری و معاضدت روحانی افراد در جامعه ــ این نظم اداری بهائی بوسیله ایجاد وحدت و یگانگی روحانی بین افراد بهائی آنان را مانند برادران معنوی بیکدیگر پیوسته و متصل میسازد . پایه و بنیان این نظم عظیم که در غایت اتقان و متین و رزین است اصل مشورت میباشد که طبق بیان حضرت عبدالبهاء عبارت است از ظهور و بروز و تحقق عواطف وجدانیهٔ افراد در این عصر جدید محبت و اتحاد (در این چند سطر معانی عمیقهٔ لطیفه مخفی و مستور است و شایسته آنکه ارباب نظر در آن زیاد تدبّر و تعمق فرمایند)

* * * * *

۱۵ ــ مرقومه منیعه محفل مقدس روحانی طهران

لجنه محترمه ضیافات نوزده روزه

متمنی است مندرجات این نامه را باطلاع یاران عزیز الهی برسانیـــد .

نظر باهمیت کامله جلسات ضیافات نوزده روزه و لزوم حضور عموم یاران ذیرای جامعه بهائی در آن جلسات از احبای الهی و اماء رحمانی متمنی است بدون عـــذر موجه که در نظامنامه ضیافات عبارت از نقاهت و مسافرت است از حضور در جلسات باز نمانند و مخصوصا تجـــار و اهل کسب و صنعت در لیالی انعقاد جلسات امـور کسب و کار خود را نوعی ترتیب دهند که تاخیری در ورودشان بجلسات ضیافات حاصل نگردد .

بدیهی است عموم دوستان الهی اهمیت کامله موضوع را در نظر گرفته این ترتیب را بوجه احسن عملی خواهند فرمود مزید تایید تانرا سائل و آملیم .

منشی محفل علی اکبر فروتن

×+×+×+×+×

۵ ۲ ـ کمک بحافظه

چون کرارا یاران راستان بما تلویحا و تصریحا تاکید مینمایند که راجع بمطالب مهمه گاهی برای کمک بحافظه احبای عزیز مسائلی درج شود که بعضی از ناظمین در مواقع ضرورت و انتضا از اعضاء جلسه خود سئوال نمایند اینست که محض رعایت این تمایل در این نشریه گاهی سئوالاتی بمضامین مختلفه برای منظور فوق الذکر منتشر خواهد گردید وعنوان این بخش (کمک بحافظه) خواهد بود .

۱ ـ تلاوت آیات در هر صبح و شام طبق کدام آیه کتاب مستطاب اقدس برای افراد احبا واجب و ضروری است ؟

۲ ـ رادیوی گیرندهٔ قلب بهائی بچه وسیله مستعد و لایق قبول امواج لطیفهٔ عالم ملکوت گردد ؟

۳ ـ غیبت در جامعه بهائی چرا ننگین و مردود است ؟

٤ ـ برای سوق دادن افراد بهائی بمدارج عالیه ترقی و تعالی و ترغیب و تشویق یاران بخواندن و شنیدن و تعلم علم چه باید کرد ؟

(از لفظ " شنیدن " نباید تعجب کرد زیرا باید اقرار کنیم که حوصله شنیدن کلام حق و خلق هر دو در جامعه ما مانند حوصله خواندن زود تنگ میشود و دستور الهی در

کتاب مستطاب اقدس راجع بخواندن که مشروط بعدم بروز کسالت فرموده اند، حاکی از وجود این سجیه در ما است)

* * * *

۳۵ ــ قطعه منظومه

جناب عزیزالله سلیمانی از فضلای جامعه بهائی و صاحب قلمی شیوا و طبعی مقتدرند قطعه ذیل را در تضمین بعض مطالب این لجنه تنظیم و بوسیله لجنه نشریات نوزده روزه تقدیم جامعه بهائی نموده اند .

ایکه شده داخل قصر نجات — خیمه زده بر لب آب حیات
از قلم عز جمال قدم — شامل الطاف شده دمبدم
میوه ایمان نبرد جز عمل — دین زبانی شده بس مبتذل
هر که در این مرحله کرده مقام — همچو سیاهی بود الماس نام
شاخه عرفان چو شود ریشه دار — لازمه اش اینکه دهد برگ و بار
برگ دیانت بود اخلاق خوب — بار و برش خدمت و جذب قلوب
لایق درگاه خدا بندگیست — بندگیش مایه پایندگیست
انکه بود سالک راه خدا — میشنود هر شب و روز این ندا

طاعت حق موجب اسایش است
هم سبب پاکی از الایش است

× + × + × + × + ×

۵۴ ــ مقالات وارده

احبای عزیز برادران روحانی قلما و لسانا همواره این نشریه جدید الولاده را که هنوز در آسمان رفیع امر الهی فروغ و تابشی ندارد با تقدیرات عظیمه و تشویقات کریمانه

میستایند و حمایت میفرمایند ــ وعده از ارباب فضل نیز مقالاتی نصیح و بلیغ بما اهدا فرموده اند که متین و رزین است و بموقع در نشریه درج خواهد گردید ــ در این زمینه متمنی است با ادامه لطف و محبت خویش مراتب زیر را رعایت فرمایند .

۱ ــ مقاله حتی الامکان موجز و مختصر باشد و از دو صفحه نشریه متجاوز نشود .

۲ ــ مطلب مربوط بمبادی امریه و اصول عظیمه بهائیه ووقایع جاریه باشد .

۳ ــ امضاء و آدرس خوانا و روشن در ذیل مقاله درج شود

٤ ــ تحریر ساده و فهم مطلب آسان باشد .

• ــ اگر درج در نشریه بتاخیر انجامد و یا در بوته تعطیل ماند بدل نگیرند و ترك حمایت و تقویت نفرمایند چه که مندرجات نشریه علاوه بر تصویب لجنه ضیائات باید بتصویب لجنه ملی معارف و تالیفات نیز برسد .

•• ــ مقاله وارده در اطراف واقعه شاهرود ــ بقلم جناب عبدالحسین بشیر الهی

در این اوقات بسیاری اشخاص میپرسند واقعه اخیر شاهرود که منجر بشهادت جمعی و زخمی شدن عده دیگر وغارت ما یملك نفوس بیگناه گردید چه اثراتی بخشید واغلب مقصودشان اینست که این واقعه مولمه در جامعه بهائیان چگونه تلقی شده و چه عکس العملی داشته و بعضی دیگر میگویند با اینکه عده بهائیان کم نیست و تقصیری متوجه

آنان نه چرا معارضه بمثل نکرده یا بمدافعه وانتقام
نپرداخته اند تا از جسارت و خونخوارگی اشرار
جلوگیری شود . اینك برای توضیح این مطلب مختصری
نگاشته میشود .

شکی نیست که این واقعه دارای اثرات گوناگون بوده و باید
از جنبه های مختلف مورد مطالعه قرار گیرد مثلا از جهة
ظاهری و مادی اثران کشتار جمعی بیگناه بدون جهت
وعلت معقول و حمله و تعرض ببعضی دیگر و نهب وغارت
اموال و دارائی آنان از طرف همنوعان متعصب و سفاك
بوده والبته این واقعه جانگداز که نظیران در این کشور
بسیار اتفاق افتاده مورث نهایت تاسف و تالم جامعه
بهائی بلکه هر فرد ایرانی پاك سرشتی است که طالب
بقا و ترقی این آب و خاك است وعموما درغم و ماتم بازماندگان
آن شهیدان راه خدا سهیم و شریکند .

از جهت قضائی بعالمیان معلوم شد که هنوز در
دنیا کشوری توان یافت که در آن مشتی شریر و سرکش به
قوانین و نظامات جاوید و مبادی تمدن و انسانیت پشت
پا زده در وسط روز و در میان شهر و پیش چشم مامورین
انتظامات جمعی بیگناه را بدون جرم و تقصیر در ملاء عام
در کمال سبعیت و دون همتی کشته و چندین خانواده
بی پناه و صدیق و مطیع را از هستی ساقط و سرگردان
و آوارهٔ دیار نمایند و دستگاه قضائی کشور با کمال حیرت
ناظر اوضاع است وعالمیان با کمال تعجب مشاهده کردند
کشوریکه گفته میشد در مراقی تمدن و تربیت مدارجی
پیموده هنوز در تعصبات رذیله قرون وسطی منهمك و در

دوره سیاه همجیت و خونخوارگی بسر میبرد .
اما از جهت معنوی و دیانتی در طی قرن گذشته به شهادت تاریخ دیانت بهائی در حدود بیست هزار تن شهید و قریب یکصد هزار تن متواری و بیخانمان داشته که همه از طرف همنوعان و هموطنان خود بانواع شکنجه و عذاب معذب گردیده اند و این واقعه فقط صفحه دیگری اوراق کتاب فجایع این ملت انزوده و اقلامی دیگر بر فهرست مقتولین و منهوبین بهائی اضافه کرده است ولی باید دانست که شجره امر مبارک را این خونهای پاک آبیاری کرده و جانفشانی این گروه فدائیان نخل باسق امر الهی را بارور نموده و درعین حال بمنتهای آرزوی خود که فداکاری در راه محبوب یکتا و ایثار جان و مال در سبیل رضای جانان که منظور نظر پاکان و مخلصین و مقربین است - رسیده اند باشد که این دماء مطهره ابناء وطن را بیدار نماید و از حالت غفلت و جهالت هوشیار کند . (بقیه در شماره بعد)

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

در هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین (نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره - / ۷۵ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونه از شماره یک رد وبا

اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی بمراکز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده خواهد شد تا هر یک از افراد اهل بهاء مایل باشند مشترک گردند و اگر میل داشته باشند و مجلس مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پروگرام اداره نموده، این مقالات در جلسات خوانده شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبض حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید. اگر مایل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان — طهران — سرای حاجب الدوله ارسال فرمایند هر مقاله که از افراد احبای عزیز برسد در لجنه تصویب شود در این نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید — جمیع مندرجات بامر محفل مقدس ملی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تالیفات امریه میرسد. شماره های این نشریه در طهران و نقاط مجاوره بجلسات ضیافات نوزده روزه مجانا ارسال میشود.

لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱۰۱/۱۱/۱ (۱۲۲۳/۷/۵)
شماره شش

شهر الشرف سنه ۱۰۱ بدیع (۱۰ ـ ۱۸ دیماه ۱۳۲۳)

+×+×+×+×+

۵۷ ـ غذای روح

استخراج از لوح مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه بافتخار احبّای شرق وغرب مورّخ ۱۹۲۴ : (... الیوم اساس اعظم و میزان اکمل واتم و فارق بین حق و باطل اخلاق است نه اقوال . هر حزبی که دارای ان باشد مؤیّد است و من لدی الحق و هر طائفهٔ ازان محروم باطل است و از فضل و تایید الهی ممنوع نام و نشان دلیل و برهان اگر مؤیّد و توام بحسن روش و سلوك و اخلاق طیبه مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان و جهانیان است . حسن اخلاق کمالات و مظاهرش حسن سلوك و رفتار و یگانگی و الفت و اتحاد و اتفاق و حسن معاملات در جزئیات و کلیّات و تعاون و تعاضد مستمر صمیمی و محبّت و خلوص نیّت و صفای قلب و طهارت نفس و صداقت و امانت ما به الامتیاز یاران است ...)

---

۵۸ ــ لزوم شرکت هر فرد بهائی در تشکیلات امری

حضرت ولی امرالله در الواح کثیره این نکته مهمّه را برای عموم یاران تبیین فرموده اند که هرعضو جامعه امر ناچار است که در تشکیلات عظیمه شرکت کند و در جلسه ضیافت نوزده روزه عضویت حاصل کند این امری است اکید و واجب الاطاعه و برای احدی استثنا و معافیت موجود نه از جنبه عقلی نیز این امر غفلت جائز نیست چه که همه میدانیم که ما بهائیان جمعیتی زنده و زنده کننده و نجات یافته و نجات دهنده هستیم و هیکل زنده بدون رابطه مستمر مستقیم اعضا با یکدیگر امرار حیات نتواند . ایا میتوان تعقل نمود که قلبی قوی و فعّال از بدن خارج شود و مدّتها زنده و باقی و مفید و نافع ماند و یا انگشت پائی بدون اتصّال با هیکل زنده دوام یابد و بنشاط و صحت بانجام وظیفه قیام نماید . جمال اقدس ابهی میفرماید : "کونوا کالاصابع فی الید والارکان للبدن" . مفاد بیان آنکه افراد جامعه بهائی باید مانند انگشتان دست و اعضاء و جوارح بدن بهم پیوسته و ممد و مقوی یکدیگر باشند .

ملاحظه فرمائید درجهٔ همکاری، و مؤانست و رفاقت بین اعضاء هیکل واحد تا چه حدّ است . همه از یکجا مرزوق و بیک مرکز متوجّه و مطیع و درعین حال بنشاطی موفور و محویّتی حیرت انگیز از خود پرستی و تفوّق طلبی بیزار و مهجورند . هر زمان که این صفات نقصان یابد و ارتباط در نهایت استحکام نماند و روح همکاری و خدمتگذاری

از بدن رخت بر بندد هیکل سالم علیل شود و امورش دچار خلل و تعطیل گردد مرض در نهایت شدّت بروز کند و اگر معالجه بفوریت انجام نشود و خود خواهی نرود و مؤانست و همکاری ظهور ننماید مرگ و نیستی برای جسم حتمی و قطعی است .

پس هر یک از افراد بهائی که در وجدان خود تصوّر نماید که زندگی او بدون ارتباط با تشکیلات بهائی ممکن و میسور است راه خطا رفته و مانند قلب و یا کبدی است که آرزوی زندگی در محیطی خارج از بدن نماید . و در ظل تشکیلات نیز هر بهائی که واجد روح همکاری و رفاقت نباشد و چون اعضاء و جوارح بدن با دیگران بهم پیوسته و مربوط نگردد یقین است که بمرگ روحی خود و اختلال سایر اعضاء کمک کرده و وجودش مزاحم انتظام هیکل امر الهی است .

در هر شهری محفل روحانی محلّ بمنزلهٔ رأس هیکل جمعیت محلّی است و جمیع افراد جامعه از ارکان و جوارح ضروریهٔ آن ولی نباید فراموش کرد که جمیع جوامع امریه در تمام نقاط دنیا و اقالیم جهان نیز جمعا هیکل واحدی تشکیل داده و روح نبّاض و جان و روان آن هیکل کلی تاییدات و فیوضات جمال اقدس ابهی است که در هیکل مقدّس حضرت ولی امرالله متجلّی است .

پس یک فرد بهائی در هر نقطه در درجهٔ اول عضو جمعیت محلّی و عهده دار وظایف ضروریهٔ این عضویت است و اعمال و وظائف یومیهٔ او اثر مستقیمش در جمعیت محلّی و اثر غیر مستقیم ولی غیر قابل انکارش در جامعهٔ بهائی دنیا محسوس و مشخّص است . وغفلت و قصور از وظیفه در موجودیت

جسمانی و روحانی او تاثیری شدید نماید و در جمعیت محلی نیز که عضوی از اعضاء هیکل جامعهٔ بهائی دنیاست مؤثر گردد و مجموع این قصورها و فتورها و اختلالهای اعضا در ساحت مقدّس هیکل کلّی جامعه و بیت العدل عمومی آینده و قلب عالم یعنی هیکل مبارک حضرت ولی امرالله نمودار و محسوس شود و مزاحم انجام مقصد کلی و نیّات مقدّسه گردد

حال اگر ما عموما این نکته را کاملا نصب العین نمودیم

و با تعقل و تدبّر دقیق باین بهم پیوستگی نزدیک ضروری و واجب بین افراد بهائی در جمعیت محلّی و ملّی و دنیائی ایمان قطعی حاصل کردیم چارهٔ نداریم جز اینکه در مقام اوّل در جلسهٔ ضیافت که رابطهٔ اتصّال ما با هیکل امر است حتما و بدون هیچگونه عذری شرکت جوئیم و در آنجا قیام بوظایف حتمیه نموده برنگرام تلاوت و تزکیه نفس و صیقل قلب و تصفیهٔ روح و شور روحانی را بنهایت دقّت انجام دهیم و در مقام ثانی با سایر اعضا همکاری و رفاقت خالصانه نمائیم و در محویّت و فنا در مقابل منظورات کلی هیکل امر بدرجهٔ بالا ارتقا جوئیم و بحدّ اعلی رسیم و در تضرّع شب و روز خود از خدا بخواهیم که رابطهٔ ما را با هیکل کلی امرالهی روز بروز محکم تر فرماید و رگهای رسیدن رزق روحی و جسمی از هیکل کلّی بما را حفظ و صیانت نماید و ما را در انجام وظایف عضویت خود در این هیکل عظیم تایید و تقویت کند . تا روز بروز بر نشاط و ابتهاج هیکل کلّی بیفزاید و جمیع اعضا و جوارح ان هیکل از نتیجهٔ مجهودات و فعّالیت ما مستفید و بهره مند گردند . این بحثی است بسیار دقیق و نکات و دقایقی

بسیار دقیقت در آن موجود است که اگر فرصت باشد در آینده ما آنها را موضوع گفتگو با یاران عزیز قرار خواهیم داد .

* * * * *

بقیه شماره ۵ ـ از مقالات وارده بقلم جناب بشیر الهی

بقیه از شماره پنج

اما اثریکه در روحیهٔ ملت بهائی بخشیده خارج از حدّ وصف است و در این مقالهٔ وجیزه نگنجد زیرا این باد صرصر تکانی جدید باین شجر بارور داده وغبار و اکدار آنرا زدوده و مستظلین دوحهٔ رحمانیه را بیش از پیش متوجه بار مسئولیت خطیر و وظیفهٔ بی نظیر خود ساخته تا از نو کمر همّت محکم بندند و چشم تیز بین بگشایند و استقامتی زاید الوصف بنمایند و بدیدهٔ حقیقت دریابند که بعد از صد سال قتل و زجر و جرح و نهب و شکنجه و عذاب در این کشور مقدّس هنوز زندگی در خطر است و خون بیگناهان در معرض هدر طبیب حاذق دستور کافی و علاج قطعی بدست ما داده و بنی نوع بشر از کثرت آلام و هجوم امراض با مرگ دست بگریبان است و بحال احتضار گرفتار پس بر ماست که اکسیر شفا بخش بکار بریم و ببیماری بیماران و پرستاری رنجوران بشتابیم اگر بعضی بیماران بد طینتند و دستور و داروی طبیب حاذق نخواهند با ملاطفت و مهربانی با آنان رفتار کنیم و اگر از شدت مرض دچار سرسام و جنونند از معجون الهی در کام انان ریزیم و اگر از کثرت جهل و فساد اخلاق قدر مواهب الهی ندانند با صبر و شکیبائی و بردباری با انها معامله کنیم تا کم کم بهوش ایند و از نعمت یزدانی

نصیب گیرند .

قلم اعلی در لوح اشراقات باین بیان احلی ناطق :

" یا اهل بها شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید ..... آنچه را دارائید بنمائید اگر مقبول افتاد مقصود حاصل والا تعرض باطل ذروه بنفسه مقبلین الی الله المهیمن القیوم .

* * *

٥٩ ـ در وادی تفحص و تحری

معمول محیط ما ست که همه مینشینند و منتظرند که اولیای امور کارها را درست کنند و امراض را معالجه و اشکالات را مرتفع و حتی روابط تربیتی اولیا را با اطفال خویش تنظیم و آب حوضها را نیز بموقع تخلیه و تعویض کنند و هر کاهل کاسدی را تقویت و تعزیز نمایند و آبها را در لوله و کارخانجات را بولوله اندازند و حتی روابط بین زن و شوهر و محاوره مشتری را با بقال سرگذر تمشیت فرمایند و غالبا شروع بناله و شکایت کنند و لسان بانتقاد شدید و حتی تقبیح و توبیخ گشایند و دردها را بفصاحت و متانت تشریح و گله از بی دینی و بیکفایتی صاحبان مسند و حکومت فرمایند و گویند علاج فلان درد این است و چاره فلان شکست چنین . ولی احدی نیست که برای تحقق این معالجات و تهیه این علاجهای برالساعه دست از کوچکترین عادات زائدهٔ حیات یومیه خود بردارد تا چه رسد بجانفشانی عاشقانه در راه خیر و صلاح جمعیت . حاشیه نشستن و بحرف دنیا را گلستان کردن

کار اکثر ما ایرانیان است .

اگر بهائی ایرانی بخواهد از این رویهٔ غیر مطلوبه تبعیت نماید بی انصافی کرده و از صراط مستقیم امر الهی منحرف گشته است . جامعه بهائی یعنی اجتماع افرادی آزاد و مستقل و فعّال در یک وحدت دنیائی در ظل تعالیم و مبادی سامیهٔ الهی . افراد آرام و مسامح و متعلل و متفکر بی فعالیت و حاشیه نشین دستور ده در جمع بهائی مقام و موقعی ندارند. البته محفل مقدس روحانی طبق نصوص الهی عهده دار امور و شئون جامعه است و هر چه بتواند برای صلاح مصایب و ادارهٔ حوائج جامعه اعمال مساعی میفرماید اما انجام و اجرای اوامر محفل و همکاری و معاضدت عموم و تمسک و توجه بمبادی منصوصه و شئون و ضروریات شخصیه و توعیه از فرائض هر فردی از افراد یاران رحمانی است . جدّیت و خلوص نیت و فعّالیت محفل مقدس اگر توام با موافقت و همدردی و معاضدت صمیمانه قلبیهٔ احبّا باشد اثراتش حتمی و قطعی است و شکی نیست که جالب تایید است و موافق با روح تعالیم و نوایای مقدسه مولای توانای بینا و آگاه ما والا کارزار است و مشکل و دشوار بنشینیم تا فقر روحی و مادّی ما را محفل مقدس بدعا و تضرّع و خلوص و فعّالیت خود رفع فرماید فکری است بیهوده و عملی است نکوهیده .

همه میدانیم که حضرت ولی امرالله بشجاعت و صراحت و فعّالیتی الهی برای تمشیت امور و شئون جامعه بهائی لیلا و نهارا در کار و کوشش اند و بنیان محکم و رفیع نظم

بدیع دنیائی و نظم اداری بهائی را با آثار کلك اقتدار برای ما واضح و آشکار فرموده‌اند . دنیا در ظل این سراپرده عظمت بنهایت رفاه و سعادت روحی و مادی وعلمی وعقلی خواهد رسید ولی سعی و مجاهدهٔ ما نیز لازم است و امری منصوص و حتمی الاجرا . کار وقتی درست میشود که هر یك از افراد بهائی خود را در این دنیا فرید و وحید ولی مسئول تحقق این تعالیم وعهده‌دار نجات هر اقلیم بداند و این بیان احلای مولای محبوب خود را سر مشق حیات یومیه قرار دهد : —

"... باید بهر نحویکه ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود والا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد . باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که رائحه منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فورا ادراك نماید باید اوقات مخصوصهٔ تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل وعنایت الهیه موفقیت و ترقی — و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال نمیدانید که محبّت خالصانه وصداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایّام است "....."

×+×+×+×+×+×

۶۰ — کمك بحافظه

۱ — چرا باید بهائی در تشکیلات بدون هیچگونه عذری شرکت کند ؟

۲ — چرا باید بهائی در ضیافات نوزده روزه عضویت داشته

باشـــــــد ؟

۳ ــ چرا شور در امور لازم و مبرور است ؟

٤ ــ چرا مشورت در ضیافت نوزده روزه وسیله حتمیه برای جلب تاییدات غیبیه جهت مجهودات بهائی است ؟

٥ ــ چرا قسمت ضیافت مادی در برگرام ضیافات نوزده روزه مخصوص رفع غبار کدورت از دلها است ؟

---

٦١ ــ اقتباس از کتاب عالم بهائی

بطوریکه همه میدانیم کتاب عالم بهائی کتابیست که هر دو سال یکمرتبه در ظل مراقبت مولای توانا حضرت ولی امرالله و باجازهٔ محفل روحانی ملی بهائیان امریکا و کانادا از طرف لجنه انطباعات و نشریات بهائیان امریکا طبع و نشر میشود و متضمّن مواد ذیل است :

خلاصهٔ از مساعی و مجاهدات جامعه بهائی در اقالیم دنیا در سبیل تشهیر کلمة الله و استقرار نظم بدیع و استحکام مبانی نظم اداری بهائی ــ اطلاعات وسیعه راجع ببعضی از اصول و تعالیم امریه ــ اساسنامه محافل ملیه ونظامنامه محافل محلیه و ثبت آن در کشورهای مختلفه ــ مقـــالات مهمه بقلم ارباب فضل و کمال از افراد جامعهٔ بهائی دنیا ــ اشارات بزرگان و نویسندگان غیر بهائی بامرالهی در تألیف خود ــ عکسهای مهمه از نقاط مختلفه مربوط بعالم بهائی .

جلد نهم این کتاب جامع حال در دست طبع است وجلد هشتم آن که در دسترس ما است دارای ۱۰۳۹ صفحه

میباشد وجای تاسف و تحسر است که در جمیع مجلدات ان بقلم یاران عزیز ایران تحریری یافت نمیشود.

ارادهٔ مولای آگاه و توانا حضرت ولی امرالله بر این تعلق گرفته که عموم اهل بها از مندرجات مجلدات مختلفه این کتاب مطلع شده، حتی الامکان نسخ انرا طلبیده، و صاحبان قلم در جامعه امری ایران مقالات و تحریراتی بمنظور درج دران تهیه فرمایند.

یکی از مقالاتیکه در جلد هشتم این کتاب بطبع رسیده، بقلم خانم بیاتریس ایروین یکی از احبای امریکا در تحت عنوان "روابط فرد و جمعیت در جامعه کنونی دنیا" تحریر یافته که ما در اینجا از منظور نویسنده، اقتباساتی کرده، ذیلا درج میکنیم :—

از بدایت تاریخ بشر الی کنون بین فرد و جماعت مبارزه خونین و کشمکش شدیدی موجود بوده، باین معنی که علی رغم لزومیت حتمی اجتماع برای بشر افراد و آحاد غالبا علاقمند بشخصیت و خصوصیات فردی خویش بوده، حاضر نمیشده اند که شئون فردی و رنگهای خصوصی خود را که عزیز و محترم میشمرده اند فدای مصالح عالیه جمعیت نمایند ولی از یکطرف حاجتمندی فرد بجمعیت وعجز بشر در ادارهٔ حوائج و تحقق آمال خود بدون توسّل بقدرت و سطوت اجتماع و از طرف دیگر روح عصر و شوق سیر تکاملی دنیا که در افاضات و اشراقات انبیاء الهیه بنحو اکمل لائح و لامع است عنان اختیار را تدریجا از دست افراد بطوع یا بکره گرفته و افراد را مجبور و یا داوطلب بقبول فدا در قبال مصالح عمومیه مینمود خطوط برجسته این سیر

تکاملی و داستان خونین پر ماجرا در خلال سطور تاریخ کم و بیش پیدا است موجودیّت فرد تدریجا ندای عائله و بعد قبیله و بعد قریه و بعد قصبه و بعد شهر و بعد مملکت گردید و هر یک از این فتوحات نتیجه صدها سال رنج و مشقت و اهراق دماء و حرقت دلها بوده صدها هزار مبارزات و مباحثات و مناقشات آتشین خونین متوالیا مستمرا در عائلهٔ آدم واقع شده و نتیجه و خلاصه همه این کشمکشهای خونین مدنیتی است روحانی و جسمانی که سرمایه عالم انسانی است و امروز ما بمیراث رسیده است .

حقوق افراد در جمعیت و اقتدار جمعیت بر فرد در ظل تمدن مصریان قدیم از سیزده قرن قبل از میلاد مسیح و تمدن یونان با افکار فلسفی و فنون صنعتی ان و تمدن روما با قانون گذاری و فنون رزم و جهانگیری و جنگهای صلیبی و اصول ملوک الطوایفی قرون وسطی وعصر تجدید صنعت (رُنسانس) و بعد افکار جدیده مولودهٔ از انقلاب فرانسه و استقلال امریکا یعنی اعلان اصول (ازادی برابری — و برادری) تدریجا تکامل یافته تا مناسبات فرد با جمعیت و بالعکس بپایهٔ امروز رسیده است ولی ترقیات عظیم عالم انسانی در این عصر نورانی بمقامی رسیده که حال اصول آزادی و برابری و برادری که مخصوص ملت واحد و تقسیمات کوچک است چون لباس مندرس ایام صباوت باندام انسانیت نا زیبا و نا رسا است نظامی جدید و طرحی نوین لازم است که کافل احتیاجات و دافع آفات و معالج امراض مزمنهٔ مهلکه حالیهٔ عالم انسانی شود . (بقیه در شماره بعد)

---

۶۲ ــ توجّه بفریضه اولیّه

×+×+×+×+×+×+×+×

البته یاران رحمانی در جلسات ضیافات تلاوت ایات و کلمات و لوح منیع مولای توانا حضرت ولی امرالله مورّخ نوروز سنه ۱۰۱ بدیع و ترجمه لوح مبارک (قد ظهر یوم المیعاد) را بر هر امری مقدّم میشمارند و در هر جلسه قسمتی ترتیل و بنهایت دقّت و توجّه در معانی و مفاهیم کلمات تعمّق و تفکّرمیفرمایند .

×+×+×+×+×+×+

نشریه ضیافات

ضمائم

۱ــ/ نشریه که تا کنون عبارت از پرگرام احتفال لیلهٔ مبارکه صعود حضرت عبدالبهاء و همچنین احتفال عیدین و خلاصه نطق ناطقین شماره یك و دو بوده، برای عموم بعده کسانی موجود است . قیمت هر جزوه برای مشترکین چهار ریال و برای سایرین پنج ریال است و خلاصه نطق ناطقین به مشترکین مجانا تقدیم میشود .

البته اعلان اشتراك نشریه که غالبا در آخر شماره درج میشود مورد مطالعه و دقت احبای عزیز الهی واقع گشته است قیمت اشتراك برای بیست شماره عادی نشریه ۷۵ ریال است و ضمائم ایام تسعه وغیره از این عده جدا و خارج و تهیه آن موکول بتصمیم افراد است .

۲ــ از ناظمین و منشیان محترم جلسات متمنی است که شماره های نشریه و پرگرام احتفالات ایام تسعه را پس از

قرائت و رفع احتیاج هرچه زودتر ممکن شود بکمیسیون مربوطه عودت دهند .

×+×+×+×+×+×

۶۳ ـ ناطقین محترم جلسات

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در موضوع نطق در جلسات ضیافات از یاران رحمانی متمنی است :ـ

۱ ـ تقدیر از زحمات ناطقین و استفاده از بیانات مهمه اینانرا وجههٔ همت خویش قرار دهند چه که منظور تقویت قوه نطق در عموم و این امر اهم محتاج بهمکاری و مراقبت دقیق هر فردی از افراد است .

۲ ـ بیانات ناطقین محترم حدّ اکثر بیش از بیست دقیقه بطول نیانجامد . رعایت دقیق این نکته لازم و واجب است .

۳ ـ ناطقین محترم در هر شهر بهائی در جلسهٔ که برای شور در امر نطق و ایجاد وحدت کلمه بین عموم و بیان پیشنهادات و نظرات تشکیل میشود بکمال همت حاضر شوند و اگر خلاصه نطق دیر رسیده یا ادرس کافی نبوده و یا حوائجی دیگر رعایت نشده در آن جلسه مطرح فرمایند تاریخ و ساعت و محل انعقاد این جلسه در ذیل هر شماره خلاصه نطق تعین میشود .

۴ ـ اگر ناطقین محترم تغییر تصمیمی دارند و از ادامه

نطق و انجام این خدمت مهم مبرور معذورند کتبا بلجنه اطلاع دهند تا از داوطلبان دیگر بجای ایشان تعیین شوند و تا چنین نشده متمنی است لطفا در این پرگرام بسیار لانم ایجاد وقفه نفرمایند .

×+×+×+×+×+×+×

٦٤ ـ اطاعت از تمایل احبّـا

چون یاران عزیز رحمانی از ما شعر خواسته انـد و دست ما از دامان رفیع نظم دور است ناچار متوسّـل بشعرای متقدمین میشویم و از شعرای معاصر بهائی دعوت میکنیم که این مسئول جامعه را با طراوتات طبع روشـن خویش مستجاب فرمایند

قطعه ذیل از کلیات شاعر مشهور بهائی حضرت نعیـم اغمسه الله فی محیط فضله العمیم انتخاب گشـته .

آنکه عالم اسیر طلعت اواست طلعت او دلیل حجت اواست
حجت از ما مخواه ای عاقل حجت عاشقان محبت اواست
کس ارادت باختیار نداد دل ما از چه در ارادت اواست
دفع آهن بجذب مغناطیس چه کند چون اسیر قدرت اواست
این یکی جاذب آن دگر مجذوب فعل هر کس گواه فطرت اواست
گر زخدمت فنا شویم چه باک هستی ما برای خدمت اواست
کوشش ما بقدر همت ماست کشش او بقدر طلعت اواست
هر که جان داد روی جانان دید مزد هر کس بقدر زحمت اواست

حسن او را بس است این دو گواه
جان ورقـا و روح روح الله

(- ١٢٨ -)

۶۵ ـ مقالات از جلسات

×+×+×+×+×

در تعقیب نظر کلی جهت تعمیم قوه بیان و تقریر و نوشتن و تحریر در جامعهٔ بهائی لجنه ضیافات پیشنهادی را که از یکی از یاران عزیز الهی رسیده بود تصویب و بوسیله کمیسیونهای ضیافات اعلام نمود که در هر شهر بهائی ارباب قلم در جامعه مقالاتی در مسئلهٔ از مسائل امری به رشتهٔ تحریر درآورند و در بین مقالات یک یا دو مقاله را به انتخاب جلسه ضیافت تصویب و بوسیلهٔ ناظم با امضای خوانای نویسنده و شماره جلسه باین لجنه ارسال فرمایند در لجنه بین جمیع مقالات وارده یک الی دو مقاله برای درج در نشریه انتخاب خواهد گردید و با امضای نویسنده بطبع خواهد رسید . مسئلهٔ که دفعه اول برای موضوع مقالات انتخاب شده (بقای روح و دلائل آن) میباشد امید است که عموم یاران عزیز رحمانی برای تقویت بنیهٔ روحانی و قوه تحریر خویش در مسائل امری زحمت را بر راحت ترجیح دهند و در این سبیل پا فشاری فرمایند دُرّی بیافشانند و افکار ابکاری بجامعه هدیه کنند .

در آینده در هر شهر بهائی مسئلهٔ از مسائل در ذیل عنوان " مقالات از جلسات " پیشنهاد خواهد گردید .

×+×+×+×+×+×+×+×

×+×+×+×+×+×+×

×+×+×+×+×

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

در هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین (نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره ـ / ٧٥ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شماره یک و دو با اجازه محفل مقدس روحانی ملی بمراکز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده خواهد شد تا هر یک از افراد اهل بها مایل باشند مشترک گردند و اگر میل داشته باشند و محفل مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پروگرام اداره نموده و این مقالات در جلسات خوانده شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبض حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید . اگر مایل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان ـ طهران ـ سرای حاجب الدوله ارسال فرمایند . هر مقاله که از افراد احبّای عزیز برسد و در لجنه تصویب شود در این نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید ـ جمیع مندرجات بامر محفل مقدس ملی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تألیفات امریه میرسد . شماره های این نشریه در طهران و نقاط مجاوره بجلسات ضیافات نوزده روزه مجانا ارسال میشود .

لجنه ضیافات نوزده روزه طهران

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهـــران
بدایت انتشار : ۱/۱۱/۱۰۱ (۵/۷/۲۳)
شماره هفت

شهرالسلطان سنه ۱۰۱ بدیع (۲۹/۱۰ — ۱۷/۱۱/۲۳)

×+×+×+×+×

٦٦ــ غذای روح

ای پسر ترابی : اغنیا را از نالهٔ سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدرهٔ دولت بی نصیب مانند الکرم والجود من خصالی *

ای پسر کنیز من : در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نباید هر فقیر را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب ولکن فقر از ما سوی الله نعمتی است بزرگ حقیر مشمارید زیرا که در غایت آن غنای بالله رخ بگشاید و در این مقام انتم الفقرا مستور و کلمهٔ مبارکه والله هوالغنی چون صبح صادق از افق قلب عاشق ظاهر و باهر و هویدا و آشکار شود و بر عرش غنا متمکن گردد و مقر یابد .

×+×+×+×+×

* فهنیا لمن تزین بخصالی .

٦٧ ـ در وادی تفحص و تحری
خدا طرفدار اطبّا است بشرط حذاقت

× + × + × + × + × + ×

قلم اعلی میفرماید :

"اذا مرضتم ارجعوا الی الحذّاق من الاطبّا انّا ما رفعنا الاسباب بل اثبتناها من هذا القلم الذّی جعله الله مطلع امره المشرق المنیر" (مفاد بیان مبارک انکه وقتیکه مریض شدید باطبّای حاذق مراجعه نمائید. ما اسباب و وسائل را از میان برنداشتیم بلکه تثبیت نمودیم آنرا با این قلم که خداوند آنرا مرکز طلوع امر مشرق منیر خود مقرّر فرموده است) :ـ

فهم این امر مبارک البته بسیار آسان ولی عمل بآن بسیار مشکل است . بعضی از برادران و خواهران غربی ما ممکن است پس از اطلاع یافتن از این حکم محکم اندیشه فرمایند که رجوع بطبیب شاید محتاج بامر الهی نباشد ولی ما میدانیم که این حکم محکم بی نهایت لازم و اجرای آن غالبا بی نهایت مشکل است . در محیط خارج بهائی هنوز هم با ترقیات افکار وعلوم در این عصر انوار مریض را زیر دست وساوس دعا نویس و رمّال و شیّاد میگذارند و استخاره را بر نسخه طبیب ترجیح میدهند و موادّ بسیار مضرّ کثیف بدستور پیرزنها و همسایگان مزاحم بمریض میخورانند و سرانجام خاموش چراغ یک نفس بشریرا که قدر و قیمتش در دستگاه الهی بسیار است برعهده قسمت و تقدیر میگذارند .

دستهٔ دیگر رجوع بطبیب را بآنات قبل از احتضار محوّل کنند و تا توانند باجتهاد شخصی و یا تبعیت از نسخه های قدیمی و یا میل طبیعی خود را بوادی خاموشی نزدیک نمایند . البته جان هم مال خدا است و باید با و سپرد - مرگ حتم است و ملك الموت فرشتهٔ مأنوس و مصاحب دائمی هریك از ما .

حضرت بهاالله برای درهم شکستن این اوهام وعادات مضرّه این امر مبرم الهی را از سماء مشیت ربّانی نازل فرمودند و بی ملاحظه باید گفت که بهائی هم اگر این حکم محکم نبود بجمیع این مراتب عامل و در این مراحل بنهایت صفا جان شیرین را نثار این توهمات نا لایقه مینمود با وجود این حکم الهی نیز وساوس عادت گذشته و نفوذ محیط شدید است و دائم و متواصل . اگر اندکی غفلت شود رسوخ یابد و کار را از کار بگذراند و ما را دواسبه بحالم بالا متصاعد نماید . البته جان دادن برای مومن کاری بس سهل و کشف غطا و وصول بحق است و "جعلت لك الموت بشارة" کلام خدا است ولی حضرت عبدالبهاء میفرماید حیات در این عالم ناسوت برای کسب استعدادات جهت سیر در عوالم ملکوت است چنانکه جنین در رحم مادر برای زندگی این دنیا کسب قابلیات نماید هر بهائی که خودکشی کند و یا مرگ خود را جلو اندازد از کسب این استعدادات باز مانده، چون جنین ناقص بدنیای بعد انتقال خواهد یافت .

ما همه افراد برگزیدهٔ حق و مأمور نجات و فلاح عالم

انسانی بدریاق آیات و کلماتیم اوّل فریضهٔ ما توجه کامل بحفظ و تقویت جسم و بقای موجودیت و زندگی خودمان است تا موفق باهداء خدمات لایقه درآستان امرالهی گردیم بی اعتنائی بمبادی حفظ الصّحه و تعلّل در معالجه و مسامحه در حفظ جان و تقویت بنیه ذنبی عظیم است و مخالف رضای حق . بهائی باید جسما و روحا قوی و حاضر و مهیّای کار و فعّالیت باشد وعامل بجمیع احکام و مطیع و منقاد جمیع دستورات تکاهل و تسامح و درویشی و بی اعتنائی بشئون مادی وعدم توجه بلوازم حفظ صحت و زندگی مبنی بر تخیّل و افکار متصوفانه شاعرانه برای بهائی پسندیده نیست بلکه مذموم و مردود است .

× + × + × + × + ×

٦١ــ اقتباس از کتاب عالم بهائی ــ (بقیه از شماره قبل)

زیرا در این عصر انوار و قرن بروز اسرار عقول و افکار ترقّی یافته و اوضاع کرهٔ زمین دگرگون شده حدود و ثغور و ارتفاع کوهها وعمق درّه ها وعرض رودخانه ها و وسعت دریاها و موانع اخری در مقابل عزم آهنین و ارادهٔ قادرهٔ انسان محو و زائل شده از راه زمین و آسمان و زیر و روی دریا نفوذ معنوی انسان بجمیع زوایای تاریک این کره که بمنزلهٔ یک وطن و یک قطعه گشته سرایت نموده است .

حال در این مرحلهٔ عظیم سیر تکاملی بشر که مبنا و شالوده روابط فرد با جمعیت و اصول اساسیهٔ آن متزلزل

و متلاشی گشته است عالم انسانی با اشک خونین در خلال اضطرابات شدیده و انقلابات روحیه و جسمیه در تلاش و کوشش است که نظمی بدیع و نظامی کامل برای تأسیس اساس اجتماع خویش یعنی رابطه فرد با جمعیت و بالعکس بدست آورد که منطبق با حوائج و مناسب با ترقیات عصر باشد .

شکی نیست که چنین نظمی باید با حسن نیت و وسعت نظر و توجه بوحدت عالم انسانی و محبت بنوع و انصراف از خود پرستی و خود خواهی وعشق بدنیا بنیان گردد و مویّد بنفثات روح القدس و مستفیض از افاضات عالم ملکوت باشد . مبانی و مبادی سامیهٔ این نظم بدیع بید قدرت حضرت بهاالله تأسیس و تشریع گشته است . عالم انسانی بوسیلهٔ این تعالیم که در اصول نه گانه ذیل بعضی از آن مندرج است از جمیع آلام و اسقام روحانی و جسمانی نجات یافته شالوده و مبانی برای تأسیس وحدت حقیقیهٔ متینهٔ خویش بدست خواهد آورد . کمال و جامعیت و عمومیت این تعالیم ما ورای قیاس و تصوّر بشر است و کافل احتیاجات و دافع عوارض و امراض سقیمهٔ اجتماعی و رافع مشکلات عالم انسانی تا هزاران سال .

اصول نه گانه مذکور بقرار ذیل است :

۱ ــ قبول و شناسائی وحدت عالم انسانی .

۲ ــ تحرّی حقیقت با کمال بیطرفی و بیغرضی .

۳ ــ دین باید سبب الفت و محبت باشد .

٤ ــ توافق علم و دین .

٥ ــ آزادی و برابری مرد و زن در تربیت و استفاده از سایر مزایا .
٦ ــ الغاء تعصّبات دینی و طبقاتی و نژادی .
٧ ــ انتخاب یك لسان عمومی بکمك زبان مادری .
٨ ــ تأسیس پارلمان بین المللی (بیت‌عدل عمومی)
٩ ــ الغاء جنگ و تأسیس صلح عمومی .

نظم دیرین که بسیر تکاملی در طی قرون و اعصار بپایه فعلی رسیده دیری است که تدریجاً در حال تجزی و تلاشی است وعالم انسانی بواسطه راه نیافتن بنظمی بدیع که قائم مقام نظم متزلزل گذشته باشد در اضطراب و هیجان است و چاره منحصر باطاعت از این دستورات و تبعیت از این قانون اعظم الهی است .

خواهی نخواهی این تعالیم و دستورات در قطب آفاق باشدّ اشراق مستقر خواهد گشت چه که منطبق با روح عصر و سیر تکاملی دنیا و مؤیّد بتأییدات ملکوت است .

× + × + × + × + ×

٦٨ ــ کمك بحافظه

١ ــ هر بهائی علاوه بر انجام وظائف تشکیلاتی چه مسئولیت خطیری بر عهده دارد ؟
٢ ــ راحتی انسان در چیست و افتخار و اتکالش بکه ؟
٣ ــ چرا حاج میرزا حیدرعلی از خدمت حاج کریمخان باصرار باصفهان رفتند ؟ موجبات بیداری ایشان چه بود ؟

٤ تحریر بهائی باید دارای چه خصوصیات و کیفیاتی باشد؟
٥ شرایط نشستن بر خوان مهنّا و بزم مهیّای الهی چیست؟

×+×+×+×+×

٦٩ ـ از کتاب دستورات بهائی ـ دستور مطاع حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه ـ ترجمه از انگلیسی

فریضهٔ کار

نظر با مر حضرت بهاالله راجع باشتغال هریك از احبّا بنوعی از مشاغل در تعالیم الهیه تأکیدات شدیده موجود است مخصوصا در این مورد بیان اعلای نازله در کتاب مستطاب اقدس واضحا تبیین میفرماید که اشخاص بیکاره که میل بکار ندارند در نظم بدیع دنیائی مقام و محلّی نخواهند داشت . دنبال این اصل حضرت بهاالله میفرمایند که سئوال و تکدّی نه تنها در جامعه باید مورد تشویق قرار نگیرد بلکه باید بکلّی از جامعه محو و زائل گردد . وظیفهٔ نفوس که عهده دار تشکیلات جامعه اند آنست که بهر شخص فرصت تحصیل شایستگی جهت کسبی معیّن بدهند و همچنین وسائل بکار انداختن این لیاقت را در دسترس او گذارند تا آن لیاقت هدر نرود و وسائل اعاشهٔ هر نفسی نیز فراهم گردد . هر نفسی در هر درجه از اشکالات و تنگی که باشد موظّف است که بکاری یا کسبی برای اشتغال مشغول شود مخصوصا اگر این کار با روح خدمتگذاری انجام گردد طبق تعالیم حضرت بهاالله نوعی از عبادت است نه تنها این اشتغال منظور

نافعی را تأمین میکند بلکه بنفسه دارای قدر و قیمت است زیرا بشر را بدستگاه قرب الهی نزدیکتر نموده و او را قادر میسازد که بمنظور و ارادهٔ الهیه برای نوع انسان در این دنیا واقف شود بنابراین بدیهی است که ثروتی که باوث رسیده احدی را از اشتغال بکار یومیه معاف نمیسازد.

راجع بمسئلهٔ تقاعد از کار پس از وصول بسن معین این موردی است که بیت العدل اعظم باید راجع بآن اتخاذ تصمیم فرماید زیرا در کتاب اقدس در اینموضوع حکمی نیست.

وظیفهٔ خدمت :

میل دارم احبّا را متذکر گردم که لازم است هر مقام و وظیفه ایرا که نمایندگان منتخبه و محفل ملّی بآنها محوّل میفرمایند بلاشرط قبول نمایند. هر امتناعی از انتصاب مورد مخالفت من است.

هیچ فرد بهائی از ظل حکومت محفل خارج نیست :

راجع بمسئلهٔ مخصوصی که اظهار داشته اید که نظری بین بعضی از احبّا منتشر است مشعر براینکه به بعضی از دوستان "مقامات روحانیهٔ" اعطا شده است که آنها را معاف از هر عمل و اقدامی از طرف یکی از هیئت های اداری امر بهائی مینماید.

حضرت ولی امرالله فرمودند مؤکدا واضحا بنویس که بهیچیک از احبّا چنین مقامی عنایت نشده که او را خارج و یا ما ورای حوزهٔ حاکمیت محفلی قرار دهد. همان طور که صحیحا نگاشته اید چنین رویه ای با روح

و همچنین منظور نظم اداری مخالف و مباین است :

رویهٔ صحیح مشورت :

حضرت ولی امرالله مؤکدا معتقدند که شور بین محفل مقدّس ملّی روحانی و تمام جامعه بهائی باید برقرار باشد و این شور در مدتی که انجمن شور روحانی تشکیل نشده بوسیلهٔ محافل روحانیه محلیه که یکی از وظایف اصلیهٔ آنان وساطت بین قسمتهای محلّی و نمایندگان ملّی آنها است بوجه احسن برقرار خواهد گردید . منظور اصلی صیانت نوزده روزه این است که وسیله برای تقدیم هر پیشنهادی از طرف افراد احبّا بمحفل محلّی فراهم نماید و آن پیشنهاد بموقع خود بمحفل روحانی مسلّی ارسال خواهد گردید . بنا بر این محفل محلّی وسیلهٔ صحیح برای ارتباط قسمتهای بهائی محلّی با هیئت امنای ملّی است .

رابطهٔ فرد با جمعیت :

کاملا با این عقیده موافقم و بتمام قلب و بلا شرط این اصل را که بآن اشاره نموده اید مسلّم میشمارم که نباید اشخاص را مرکز و محور اجتماع قرار داد بلکه در جمیع موارد و هر قدر که لیاقت و صلاحیت آنان وسیع باشد همگی باید در ظل محافلی که بنحو مشخّص تشکیل گشته اند مستظل گردند و مطیع باشند شما و همکاران شما هر قدر در تأکید و تشدید این اصل اساسی نظم اداری بدیع بکوشید کم است .

× + × + × + × + ×

(۱۵۱)

۷۰ ـ نظم اداری بهائی ـ دستور حضرت ولی امرالله ترجمه از انگلیسی

اصول اساسیهٔ نظم اداری بهائی

حال که دستگاه اداری امرالهی بحدّ کافی تکمیل و اتقان یافته و منظور و هدف آن تا درجه بدست آمده و مفهوم گشته و هر یک از احبّا به اسلوب و طرز کار آن آشنا تر شده اند بنظر من وقت آن رسیده است که این نظم اداری بنحوی کامل و با ادراکی روشن برای پیشرفت منظوریکه برای آن بوجود آمده مورد استفاده قرار گیرد. باید بکمال تأکید گفت که مقتضی است که این نظم اداری برای دو منظور توأما بکار رود. از یک طرف باید این نظم اداری بمنظور توسعه تدریجی امرالهی در شئونی که حائز وسعت و متانت و عمومیت است مورد استفاده قرار گیرد و از طرف دیگر باید تحکیم و اتقان داخلی خدمات و اموری که از قبل انجام یافته است تأمین نماید بعبارة اخری باید این نظم اداری موجد و مبدع کیفیّت و خاصیتی باشد که بوسیلهٔ آن قوای مکنونهٔ مکوّنهٔ امرالهی آشکار گردد و نضج و قوّت یابد و رفتار و حیات یومیهٔ نفوس را تمشیت فرماید و وسیله برای تبادل افکار و توحید مساعی بین عناصر مختلفهٔ جامعهٔ بهائی شود.

اعم از اینکه حقایق اصلیهٔ اساسیهٔ این آئین جلیل شجاعانه و با صراحت اعلام و تشهیر شود و یا طریقهٔ غیر

مستقیم و مقرون باحتیاط برای تبلیغ انتخاب گردد . اعم از نشر اوراق و آثار امری و یا تشهیر اخلاق و رفتار خود باید منظور واحد و مقصود منحصر ما این باشد که کمر همّت بر بندیم تا عالم انسانی بالاخره لزومیت و وجوب و مزیت وعلویت این آئین جلیل را بشناسد . هر بهائی حقیقی بهر طریقه ایکه متوسّل شود و هر گونه خط سیر غیر مستقیمی که برای خود انتخاب کند بدست آوردن این اعتراف و و شناسائی را باید هدف اعلای مساعی خویش داند . در عین اینکه هر مؤمن واقعی عالما عامدا برای حصول این نتیجه در سعی و کوشش است باید بوسیلهٔ تقویت هر یک از شعب خدمات اداری محفل محلی و ملی خویش در صدد تحصیل اطلاعات کاملهٔ وسیعه راجع بکیفیت و وسعت پیشرفت دنیائی بهائی باشد و سعی نماید که سهم خویش را در تحکیم روح وحدت و یگانگی بین عناصر مرکّبهٔ دنیای بهائی کاملا برعهده گیرد .

اینها است خطوط برجستهٔ اصول اساسیه‌ئی که باید نفوسی که بمقام ادارهٔ شئون امر الهی منصوب گشته اند در حال حاضر وجههٔ همت خویش قرار دهند و تفهیم نمایند و در نهایت اتقان استقرار دهند . هیچ امری جز روح ایمان ثابت راسخ و مراقبت دائم و سعی و مجاهدهٔ مقرون با بردباری نمیتواند ما را برای تحقق این آرزوی قلب و جنان ما روزنهٔ امیدی بگشاید ..... (امضای مبارک)

×+×+×+×+×+×

نشریهٔ لجنه ضیافات نوزده روزه طهـــران

در هر شهر بهائی یك شماره و برای عیدین سعیدین (نوروز و رضوان) یك شماره جمعا بیست شماره از ایـن نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت اشتراك سالیانه برای بیست شماره ـ/ ۷۰ ریال و قیمت تك شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شمارهٔ (۱ و ۲) با اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی بمراکـز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده شده است تـا هر یك از افراد اهل بها مایل باشند مشترك گـردنـد و اگر میل داشته باشند و محفل مقدس روحانی محلـی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پروگرام اداره نموده این مقالات در جلسات خوانده شود هـر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبـض حق اشتراك و نشریه ارسال خواهد گردید . اگر مایـل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان ـ طهران ـ سرای حاجب الدوله ارسال فرمایند . هر مقاله که از افراد احبای عزیز برسد و در لجنه تصویب شود در این نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید . جمیـع مندرجات بامر محفل مقدس ملی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تألیفات امریه میرسـد . یك شماره از این نشریه برای جلسات ضیافات طهران و نقاط مجاوره مجانا ارسال میشود .

لجنه ضیافات نوزده روزه ـ طهران

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱/ ۱۱/ ۱۰۱ (۵/ ۷/ ۱۳۲۳)
شماره هشت

شهرالملک سنه ۱۰۱ بدیع (۱۸/ ۱۱ — ۶/ ۱۲/ ۲۳)

×+×+×+×+×+×

۷۱ — غذای روح

((ای سلمان : در هر امور اقتدا بحق کن و به قضایای الهی راضی باش ملاحظه کن که این غلام مع انکه از جمیع جهات بر حسب ظاهر امور بر او سخت شده و ابواب ظاهره مسدود گشته و در کلّ حین شیاطین بر اطفاء سراج الله و اخماد نار او مشغول اند چنان منیر و مستضیئی است که به اشرقت السموات والارض و چنان مابین ناس مشهود که گویا ابدا ضرّی بر او وارد نشده ، از علوّ و دنوّ و عزّت و ذلّت دنیا منال در کل احوال بما ناظر باش چه که کل انچه مشهود مفقود خواهد شد . اینکه مشاهده مینمائی که بعضی از ناس بعزّت دنیا مسرورند و بعلوّ آن مغرور این از غفلت ان نفوس است و هر ذی بصر و ذی نظری شهادت میدهد که این قول حق است و این بیان از مشرق تبیان اشراق نمود چه که کل غافلند باینکه جمیع این امورات غیر معتبر و غیر ثابت است و چون رسول موت وارد شود جمیع متغیر لذا معلوم و محقّق است نفوسی که بایستن امور

دل بسته اند غافل اند و از غفلت است که باین اسباب ظاهره مشغول شده اند .))

×+×+×+×+×+×

۷۲ ـ در وادی تفحص و تحری

در این وادی سابقا برما معلوم و مبرهن گردید که ما بهائیان اعضاء یک هیکل و ارکان یک بدنیم و همکاری و مؤانست و بهم پیوستگی و محویّت دقیق شدیدی در بین ما ضروری و لازم است . حال باید بفهمیم که معنی یگانگی و وحدت چیست و اعضاء مختلفهٔ این هیکل دارای چه کیفیّت اند .

شك نیست که با اینکه افاضات و تجلیات خداوند رحمان بر عالم امکان من غیر استحقاق متواصل و فضل الهی عام و تام است معهذا استعدادات و قابلیات نفوس متفاوت است و هریك بقدر ظرفیت خویش از این فیض عظمی بهره و نصیب گیرند . در این صورت منکر تفاوت مراتب نمیتوان شد چنانکه در هیکل هر موجودی نیز تفاوت مراتب از حیث درجه اهمیت هر عضوی محسوس و مشخّص است . در بین افراد بهائی عالم و جاهل و فقیر و غنی و ضعیف و قوی موجود و مشهود است چنانکه در تشکیلات بهائی نیز لجنه های ملیّه و محلیّه و تاسیسات کوچك و بزرگ معین و معلوم است . ولی ابدا میتوان دقیقه انکار نمود که جمیع این افراد و تشکیلات و مؤسسات در جای خود مهم و لازم و در انجام

منصد اصلی هیکل امر ضروری و واجب و در نظر حق یکسان و متساوی میباشند و درجهٔ مقبولیت هر عضوی در درگاه الهی همان میزان حسن انجام وظیفه ان عضو است و بس. و یا میتوان لحظهٔ باین فکر تنوّه کرد که فلان شخص وجودش مفید تر و یا کارش لازم تر و یا شخصیتش عزیزتر است. آیا در جسم انسانی اعضاء غیر رئیسه که بوظائف غیر محسوسه قائم اند در انجام مقاصد و نظام جسم وجودشان بی اهمیت و زائد و غیر لازم است و باین جهت آن عضو در نظر صاحب جسم حذف شدنی است؟ خیر چنین نیست ما همه در نظر حق یکسانیم و شرط عزّت و حرمت و مقبولیت ما در نظر او خلوص نیت و قیام ما بانجام مشتاقانه وظائف ما است ما همه اعضاء مشترک و بهم پیوسته امر عظیم الهی و ارکان جامعهٔ دنیائی جمال اقدس ابهائیم با هم متحدیم و یگانه و از هر تشخص و تمیّز و استقلال و استجلال فارغ و بی نیاز عمومیت و جامعیت این آئین جلیل خارج از حد تصور بشر میباشد و مراتب علم و جهل و فقر و ثروت و عزّت ما در دستگاه امر عظیم الهی تاثیری ندارد

فقط یک نکته است و ان اینکه هریک از ما که بیشتر در ظل سراج نوّار و مصباح دریّ امر الهی موفق باقتباس انوار گشته ایم و اخلاق رحمانی و ملکات بهائی در وجود ما نروزش و معانی بیشتر دارد بهائی تر و نزد خدا مقرّب تریم. آن فقیر بهائی که در عین فقر لباس مناعت خود را از کثافت مبرّی نموده بنظافت میپوشد و اوساخ اخلاقی ندارد بر ثروتمندی بهائی که لباس فاخر ولی کثیف محتقر

ملبّس و جسم و روحش آلوده و مرده است بدرجات مزیت و برتری دارد و قس علی هذا در مراتب دیگر جهل و علم و عضویت در تشکیلات مهمه و غیر مهمه امریه .

پس اگر روح نبّاض امر الهی در عروق و ارکان وجود ما ساری و جاری باشد - چنانکه البته هست - غنی بهائی باید بکمال محبت و وحدت با فقیر بهائی معاشرت نماید و عالم و فاضل بهائی با بی علم و بی سواد بهائی هم نفس و همنشینی کند و جوان بهائی با سالخورده بهائی مؤانست و همکاری فرماید و شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و شهری و دهاتی و رشتی و بوشهری با یکدیگر چون برادر واقعی مجالست و رفاقت نمایند و قید و حدّی در میان نیست جز آنجا که فقیر بهائی بر خلاف دستور الهی مظهر نظافت و لطافت نباشد و بی سواد بهائی مایل بترقی و تعالی و ازدیاد معلومات و تحصیل سواد نشود و غربی از شرقی و رشتی از بوشهری تبری جوید و یا غیبت کند و مذمّت نماید . در ان موارد نیز تذکر بلسان شفقت و اندرز دوستانه و نصائح حکیمانه لازم است و همت شخص فقیر و یا بی سواد بهائی در قیام بانجام وظائف و توجّه و تمسّک بمبادی و تعالیم سامیه .

حال ما از خود میپرسیم ایا حاضریم که از محیط آرام و راحت خود در هر جا هست چشم پوشیده برای مؤانست با بهائیان دیگر جلای وطن و یا شهر اختیار کرده داوطلبانه بزندگی در محیطی دور و غیر مانوس بپردیم و یا در شهر خود بمیل و رغبت در ضیافات محلات

دور شرکت کنیم و اگر افکار ایکاری در ظل امر الهی داریم که منطبق با موازین امریه باشد و برادران و خواهران ما از ان بی خبرند انها را بایشان برسانیم و تفهیم کنیم و سر مشق زندگی طاهر و بی الایش امری را عملا و بدون خود ستائی و خود نمائی به دیگران بنمائیم . منظور الهی از وحدت جامعه بهائی این مراتب است و مراتبی دیگر که بعدا موضوع بحث ما واقع خواهد گشت . حضرت عبدالبهاء روح الوجود لمظلومیته الفـــدا ء میفرماید :

. . . . . بهمچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء وطبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه واحده و نفوذ کلمهٔ وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمـــال ظاهر و اشکار شود الیوم جز قوهٔ کلمة الله که محیط بر حقـایق اشیا است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظل شجرهٔ واحده جمع نتواند او است نافذ در کل اشیاء و او است محرّک نفوس و او است ضابط و رابط در عالم انسانی .

الحمد لله الیوم نورانیت کلمة الله بر جمیع افاق اشراق نموده و از هر فرق و طوائف و ملل و شعوب و قبائل و ادیان و مذاهب در ظل کلمهٔ وحدانیت وارد و در نهایت ائتـلاف مجتمع و متحد و متفقـــند .

٧٣ ـ دستور تربیتی اطفال

از خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء در اشتوتگارت المان در تاریخ ٢٨ آوریل ١٩١٣

رشد و هوش اطفال ـ ترجمه از انگلیسی

اگر اطفال طبق تعلیم بهائی تربیت شوند نفوس مبارکه بسیاری بین انها مبعوث گردند . هر گاه باغبانی بدقت نباتی را پرورش دهد اصلاح یابد و میوهٔ بهتر ببار آرد از بدایت طفولیت باید این اطفال را خوب تربیت نمود باید پرورش منظمی یابند تا استعدادا تشان ازدیاد یابد و قوای معنویه انها نضج گیرد و استعداد و قابلیت روحانی انها توسعه پذیرد . از بدایت صغر سن باید تحت تعلیم قرار گیرند بوسیلهٔ کتاب نباید تربیت شوند بسیاری از علوم ابتدائی را باید در آغوش مادر فرا گیرند باید در موقع بازی و تفریح این علوم را تعلیم نمایند .

بسیاری از افکار را باید بلسان به آنها تعلیم نمود نه با خواندن کتاب . یکی از اطفال باید از طفلی دیگر راجع بمطالب سئوال کند و آن طفل جواب دهد . باین ترتیب ترقی عظیم حاصل کنند مثلا مسائل حساب نیز باید بوسیلهٔ سئوال و جواب تعلیم شود یکی از اطفال سئوال کند و دیگری جواب دهد . بعضا خود اطفال بمیل و اراده شخصی راجع باین مسائل با یکدیگر گفتگو کنند . اطفالیکه از کلاس جلو میافتند باید جائزه گیرند و مورد تشویق واقع شوند و وقتی که یکی خوب ترقی کرد باید تمجید شود و تشویق گردد تا

بیشتر رشد کند و پیشرفت حاصل نماید.

در مسائل الهی نیز همین ترتیب است سئولات شفاهی باید طرح گردد و جوابهای شفاهی بیان شود بدین نحو باید این مسائل را بین خود بحث کنند.

حضرت بهاالله میفرماید اطفال بردو نوعند: بالغ و نا بالغ بعضی بمقامات اعلی نائل شوند زیرا بطوری مستعدند که بدون تهیه و تدارک خلقی ببالاترین مدارج ترقی رسند. چون مشاهده کنیم که فهم طفلی از حد سن او فراتر است این علامت و نشانهٔ چنین استعدادی است و نمیتوان عدالت این مسئله را منکر شد. همه بیک مقام خلق شده اند اگر بعضی بمقام نبوت و بعضی بمقام هدایت نائل شوند این از موهبت الهی است.

باید از هوش و رشد طفل پی ببریم که چه وقت تعلیم و تربیت را باید شروع کرد.

زن در بیست سالگی به رشد کامل نائل شود و باید تعلیم کامل فرا گیرد.

بسیاری از اطفال در سن ده بحد کافی رشد یابند و ترقی پذیرند و میتوانند تعلیم گیرند و بعضی در سن هشت و نه حاضر بقبول تعلیم اند.

اهم امور در تعلیم اطفال انکه با فضائل الهیه مختص شوند و نیکوگردند بمحض اینکه بسنّی رسند که قابل قبول تعلیم شوند باید قلوب وعقول انها اماده برای قبول و انطباع حقیقت شود ولی جائز نیست باطفال مطالب و تفاصیلی که علنا برفقا و مصاحبین خویش نباید

بیـــــان کنند تعلیـــــم داد .
(از نجم باختر مجله هفتم ص ۱۴۲)

---

۷۴ ــ مقاله راجـــع بمهاجرت و سفرهای تشویقی

×+×+×+×+×+×+×

البته عموم یاران عزیز رحمانی باهمیت مسئلهٔ مهمهٔ مهاجرت و انتشار در نقاط بعیده و بسط تعالیم و ارتفاع رایت کلمة الله متوجه و متذکرند و دستورات منیعهٔ موکدهٔ حضرت ولی امـــرالله ارواحنا فداه را در این باره کرارا بچشم تفکّر و تدّبـــر زیارت و تلاوت فرموده انـــد . محفل مقدس ملّی بهائیان ایران و محفل روحانی طهران نیز بالحان مختلف توجه یاران رحمانیرا باین مسئله اهمّ دعوت کرده از بیان دقایق نکات مضایقه نفرموده اند .

در نتیجه جمعی از دوستان و برگزیدگان جمـال رحمن از راحت و رفاه خانه و کاشانه بکمال خلوص و انجذاب چشم پوشیده ، زندگی در نقاط بعیده و دوری از مزایای صوری تجارت و مکاسب عادی و همچنین مهجوری از مراکز اخبار روحانی و معاشرت های دلچسب و جاذب دوستان فهمیدهٔ مانوس را بطوع و رغبت در سبیل رضای محبـوب و تشهیر این آئین نازنین برگزیده اند . البته در مقابل این قدم عاشقانه و اقدام منجذبانه خویش ســـرمایهٔ از کسب رضای محبوب توانا و آگاه و اطمینان و خوشنودی قلب و وجدان بدست آورده اند که در دستگاه بهائی واقعی ــ ذخیرهٔ بی شبه و مانند است و موجب سعادت و عـــزّت

او در عوالم ناسوت و ملکوت .

ولی ما سائر کمین مراکز امری که بتضاوت خویش به عللی چند خود را از اجرای این امر اعز اعلی معاف دانسته وجدانا ورقهٔ معافیت برای خود صادر کرده ایم آیا وظیفهٔ در مقابل این نفوس خدوم منقطع خالص جانفشان نداریم . مقام انصاف حکم میکند که این محرومیت خود را باید با انجام واجرای وظائفی دیگر جبران کنیم و در این میدان گوئی زنیم و جولانی نمائیم والاّ کار دشوار است و بار محرومیت ما سنگین و طاقت فرسا .

امروزه وظیفهٔ هر فردی از افراد یاران قیام و همتی عاشقانه برای مسافرت تشویقی بنقاط قریبه و بعیده است و ابلاغ اشواق احبّا بمهاجرین غیور و فعّال ما . بدقت توجّه فرمائید جمعی مجاهد مهاجر وارستهٔ خدوم در حدود و ثغور دور و نزدیک در جهاد روحانی اند و با دنیای خارج در کشش و کوشش تا علم امر الهی را مرتفع سازند و فتح و نصرتی به چنگ آرند آیا روا است که ما از زیارت و تشویق و تحریص آنان غفلت ورزیم و مضایقه کنیم و مشام جانرا از نفحات قدسیهٔ این اقدام شجاعانهٔ خالصانهٔ آنان بی نصیب گذاریم و دلهای انان را بلقای خود شاد و مستبشر نسازیم در زوایای دور و نزدیک هجرت و تنهائی ملاقات یاران عزیز رحمانی و وصول اخبار روحانی و اوراق و آثار امری برای انها چون جریان قوه برق و یا دوران خون موجب نورانیت است و حرارت و نشاط و فعالیت و همت والای بهائی مستلزم اعطای این حق بمن له الحق است .

این است که برعموم افراد ما فرض روحانی است که بکمال همّت اقدام بمسافرتهای تشویقی بنقاط نزدیک و دور نمائیم و با لقای خویش و ابلاغ اشواق احبای دیگر و اخبار و اوراق امری تازه روحی جدید بیاران و برادران روحانی خود که در مهاجرت اند دهیم و خود و آنانرا مستفیض و بهره مند سازیم . البته با توجه باینکه در امر مهاجرت چنانکه باید و شاید امور بر وفق ارزو انجام نشده و مساعی خلقی بکمال مبادی و منظورات الهی نرسیده لجنه مجلله مسافرت منتظر است که این داو طلبان خود را معرفی و طبق حوائج لجنه بنقاط مختلفه حرکت فرمایند . الیوم این خدمت یکی از خدمات برجستهٔ دستگاه امر است و هر قدمی در این راه یقینا جالب رضایت و خوشنودی خاطر مولای عزیز و محبوب ما است . باقی منوط بهمّت یاران غیور است و قیام عاشقانهٔ منجذبانهٔ برگزیدگان خدا و متوجهین باین رتبهٔ ملکوتی عالم بالا قوله الاحلی :

((اول واعظم و اشرف فریضه جمهور مومنین و مومنات تایید و نصرت موسسات روحانیه جدیده است که مروجین امر حضرت رب الایات البینات در آن صفحات با وجود تتابع بلیات و استمرار انقلابات تاسیس نموده و مینمایند قوموا یا احباء الله کنفس واحده علی نصرة هذا الامر الارفع الاعز الاقدس البدیع ان ابذلوا جهدکم و اصرفوا اوقاتکم و افدوا راحتکم و رخائکم و انفقوا اموالکم و اهجروا اوطانکم و انصرفوا عن کل ما لدیکم خدمة لامره و ابتغاء لمرضاته و اعزازا

نموّ مساته و اثباتا لنفوذ کلمته و احقاقا لدینه الغالب الواضح المهیمن المتعالی الفرید تالله الحق هذا ما یلیق لکم و لشأنکم و مقامکم و لکل من سمع و اجاب ندائکم فی ذلك الصقع الذی اختصه الله بفضله و رفع شانه و جعله موطن نفسه و مهد امره و مکمن اسراره و کرسیّ اقتداره و حصن دینه و مهبط انواره و مطلع فرح العالمین العهد منکم یا اولیاء الله والوفاء من ربکم الکریم و مولاکم الشاهد الحافظ الناصر العظیم))

(قسمتی از لوح مقدس منیع مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفدا مورخ ۲۳ جولای ۱۹۳۸)

---

۷۵ ــ کمك بحافظه

---

۱ ــ هیئت تحریریهٔ لجنه ضیافات درچه مسائلی تراوشات فکری و اثار قلمی خود را بجامعه هدیه خواهند فرمود؟

۲ ــ حضرت اعلی نزد کدامیك از منتسبین پرورش یافتند ؟

۳ ــ نام مبارك و نام پدر و حکایت شیخ عابد در مکتب چه بوده است ؟

٤ ــ در بوشهر اوقات مبارك بغیر از تجارت بچه مصروف میشد ؟

٥ ــ از حروف حی کدامیك بلقای مبارك فائز نشد ؟

٦ ــ عاقبت کار جناب ملا علی بسطامی و دعوت علمای عتبات بکجا انجامید ؟

×+×+×+×+×+×

+×+×+×+

۷۶ ـ مقالات از جلسات

موضوع قلم فرسائی جلسات در شهرالملک سنه ۱۰۱ بدیع

چرا تعیین مقام منیع ولایت بکیفیتی که در الواح وصایای مبارکه مذکور است از مزایای برجستهٔ این آئین جلیل و از مواهب و الطاف عظیمهٔ الهیه نسبت بجامعهٔ بهائی است؟

---

۷۷ ـ افتتاح کلاس عالی تبلیغ

لجنه ضیافات که تشویق علم و ادب و تقویت اقدامات مفیده جهت عمیق شدن عرفان یاران را در این سنه نصب العین خود ساخته است فریضهٔ ذمهٔ خود میداند اشعار نغز زیر را که اثر طبع پر ذکاء و قریحهٔ بیضاء جناب نعمت الله ذکائی بیضائی است و در روز افتتاح پر میمنت کلاس عالی تبلیغ موجب سرور حاضرین گردید زینت نشریهٔ خویش نماید. امیدواریم مشروع عظیم درس تبلیغ چنانکه منظور اولیای کلاس است باثرات و نتائج مطلوبه منتهی و این اقدام نافع مقدمهٔ تاسیس دانشگاه دینی بهائی شود.

رسید مژده که از علم و فضل و دانش و فر دیگر
بوجه اهل بها باز شد دری

ز بوستان حقائق شکفت تازه گلی
که رنگ و رائحه آن فضیلت است و هنر

یکی گلستان برپای شد که لاله اوست
کمال و دانش و تهذیب و عقل و هوش و فکر

در اسمان معانی پدید شد ابری
کز او ببارد فضل و هنر بجای مطر

باتکای عطایای حضرت شوقی
که با ارادهٔ او توام است امر قدر

نمود محفل ملی مرکزی تاسیس
بدست لجنهٔ تبلیغ خوشترین محضر

کلاس عالی تبلیغ یعنی ان مجمع
که زو بخیزد صدها بلیغ دانشور

کلاس عالی تبلیغ میدهد تعلیم
حقایقی که جهان راست روح در پیکر

بلی هرانچه زاثار حق بود حاکی
بجز حیات بدیعش نه حاصل دیگر

جهان خلق مریض است وغیر امر خدای
بهیچ داروی دیگر نمیشود بهتر

هم این دوای موثر بدست اهل بهاست
که بذل بایستشان کرد بر جهان یکسر

کلاس عالی تبلیغ ان شفا خانه است
که بر علاج بشر تنگ بسته است کمر

طبیب حاذق و دارو نماید اماده
که تا نجات دهد این مریض را زخطر

بغیر امر بها نیست چاره گیتی را
بگو بهر که بود دوستدار نوع بشر

کنون وظیفهٔ ازخود گذشتگان بهاست
که بر هدایت امکان کنند حصر نظر

دهند بیخبران را بحق شناسائی
کنند اهل جهان را زامر مستحضر

زگنج فضل و تعالیم جانفزای بها
نثار خلق نمایند درّ ولعل وگهر

بخلق راه حقیقت نشان بباید داد
بعقل ونقل وحدیث وکلام وقول وخبر

ولی ز جمله فراتر توجه است کزا و
هزار عقده شود حل بر سخن پرور

شد از توجه اهن چو موم بر داود
هم از وی آذر گلزار شد ببین آذر

دگر قرین علوم و فنون عمل باشد
که شاخ علم بدون عمل نداده ثمر

اگر عمل نبود علم نقش دیوار است
ز نقش زیبا روحش نبود اگر چه اثر

بود ز بخت همین آرزو ذکائی را
که با عمل بفزاید بعلم زینت و فر

---

٧٨ ــ مقاله بقلم جناب علی فیروز ــ راجع بصلح عمومی

یکی از تعلیمات مبارکه در این کور بدیع صلح اکبر و یا صلح عمومی است که در شرایع قبل ذکری از ان نشده و در الواح عدیده از قلم جمال قدم جل کبریائه تاکیدات اکیده راجع بان نازل از جمله قوله عز بیانه : (بشارت ششم صلح اکبر است که شرح ان از قبل از قلم اعلی نازل نعیما لمن تمسک به و عمل بما امر به من لدی الله العلیم الحکیم) و همچنین در لوح دنیا میفرماید (باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اس زحمت و مشقت است) بتازگی اهل بصیرت و انصاف در جرائد امریکا و اروپا در خصوص این تعالیم مبارک قلم فرسائی میکنند ولی در ایران وقتی با اشخاص تحصیل کرده در این زمینه مذاکره بعمل میاید در کمال استعجاب لبخندی زده اظهار

میدارند : "خیلی خوش باور نباشید امری (یعنی جنگ) که از اول تاریخ بین نوع بشر شائع بوده چگونه ممکن است ترک شود ؟ جنگ لازمه هیئت اجتماعیه است و باید همیشه باشد و ترک آن غیر ممکن و مستحیل است" ولی هرگاه بدیده انصاف ملاحظه شود مبرهن میگردد که این مطالب عاری از منطق و حقیقت است چه در امور اجتماعی مردم غالبا عادت را حقیقت فرض نموده و بهیچ قیمت میل ندارند از آن منصرف شوند.

مثلا هرگاه صد سال قبل که ادمخواری در اواسط افریقا و بعض از جزائر اقیانوسیه متداول بود کسی بانها تذکر میداد که باید این عمل زشت را ترک نمائید در کمال جرئت پاسخ میدادند که از اول تاریخ اجداد ما بادمخواری مشغول اند چطور ممکن است این عمل ترک شود ؟ و هرگاه دویست سال قبل شخصی ببعضی از طوائف هندوستان اعتراض میکرد که سوزانیدن زن زنده با شوهر مرده کار قبیح و خارج از مروت است در کمال استعجاب اظهار مینمودند : زنده ماندن یك زن بعد از فوت شوهر خارج از حمیت است وانگهی این رسمی است که هزاران سال بین ما هندوها مرسوم بوده چطور ترك آن میسر است؟

هرگاه بخواهیم در این زمینه شواهد تاریخی ذکر نمائیم بیم تطویل میرود لذا باختصار کوشیده و میگوئیم عملی که بطور عادت ارث بین نوع بشر شایع بوده دلیل مستحسن بودن آن نیست و یکی از حکمتهای ارسال رسل و انزال ایات در هر زمان رهائی دادن ناس از قید عادات سخیفه و شیم غیر مرضیه شایعه بین هیئت جامعه است که بقبح آن پی نبرده اند و در این ظهور اعظم که فخر قرون و اعصار است اهل عالم باید بتمام عادات مذمومه و اعمال قبیحه پشت پا زده وعلم یگانگی را در جمیع اقطار به اهتزاز آورند . (بقیه در شماره بعد)

نشـــــریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طـــهران

در هر شهر بهائی یک شماره و برای عید یـــن سعیدین (نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقـاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره ۷۵ /ـ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شمـاره یک و دو با اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی بمـــراکـــز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده شده است تا هر یک از افراد اهل بها مایل باشند مشترک گردند و اگر میـل داشته باشند و محفل مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پرگرام اداره نموده ایـن مقالات در جلسات خوانده شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برســـد قبض حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید . اگر مایل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان ـ طهران ـ سرای حاجب الدوله ارسال فرمایند . هر مقاله که از افراد احبای عزیز برسد و در لجنه تصویب شود در آن نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید جمیع مندرجات تابع امر محفل مقدس ملی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تالیفات امریه میرسد . شماره های این نشریه در طهران و نقاط مجاوره بجلسات ضیافات نوزده روزه مجانا ارسال میشود .

لجنه ضیافات نوزده روزه طهران ـ

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱/۱۱/۱۰۱ (۱۳۲۳/۷/۵)
شماره نه

شهرالعلا سنه ۱۰۱ بدیع (۱۱ - ۲۹ اسفندماه ۲۳/)

+×+×+×+×+

۷۹ - غذای روح

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لمظلومیته الفدا میفرماید :
. . . ملاحظه نمائید چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چقدر امور سهل و اسان گردد و چقدر ترقی وعلویت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و اسایش میسر شود خاندان محفوظ ماند مقام محفوظ شود سبب غبطه عموم گردد و روز بروز بر علویت وعزت ابدیه بیفزاید و چون این دائره اندکی اتساع یابد یعنی اهل قریه‌ئی بمحبت و اتحاد پردازند و الفت و یگانگی خواهند و موانست و مهربانی کنند چقدر ترقی نمایند و چگونه محفوظ و مصون گردند پس این دائره را اندکی واسع تر نمائیم یعنی اهل مدینه ئی بتمامها اگر روابط اتحاد و اتفاق را محکم سازند در اندك زمانی چقدر ترقی نمایند و بچه قدرت و قوتی تجلی نمایند و چون دائره اتحاد بیشتر اتساع یابد یعنی اهل اقلیمی قلب سلیم یابند و بصمیم دل و جان اتحاد و اتفاق جویند و با یکدیگر مهربان گردند ان اقلیم

سعادت ابدیه یابد و عزت سرمدیه جوید و بثروت کلیه رسد
و راحت و نعمت موفوره یابد حال ملاحظه نمائید اگر جمهور
طوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جمیع اقالیم
عالم در ظل خیمه یکرنگ وحدت عالم انسانی و باشراقات
شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند جمیع ملل و مذاهب
دست در اغوش یکدیگر کنند و انجمن عمومی تاسیس نمایند
و افراد بشر را با یکدیگر نهایت ارتباط بخشند انوقت
چگونه خواهد شد شبهه نیست که دلبر رحمانی با جنود
مواهب عالم انسانی و تاییدات ربانی در نهایت صباحت
و ملاحت در انجمن عالم جلوه نماید . پس ای یاران الهی
تا توانید براتحاد و اتفاق با یکدیگر کوشید زیرا کل
قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر و لئالی یک صدف و گل
و ریاحین یک ریاض پس ازان در تالیف قلوب سائر ادیان
بیکدیگر جانفشانی نمائید و با هر فردی از افراد انسانی
نهایت مهربانی کنید نفسیرا بیگانه نخوانید و شخصیرا
بد خواه مشمرید چنان رفتار نمائید که جمیع خلق خویش
و پیوند و آشنا و ارجمند چنان سلوک نمائید که این
جهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن
رحمانی شود این است وصیت عبدالبهاء این است
نصیحت این عبد ببنوا وعلیکم البهاء الابهی ع ع

۸۰ ـ در وادی تفحص و تحری ـ (ما بهائیان میگوئیم : "چرا")
همت جوان ـ حکمت سالمندان

× + × + × + × + × + × + × + ×

بارها گفته ایم که در عالم انسان دو قوه وعامل مهم موجود و تعادل این دو عامل برای نشاط و اعتدال مزاج جامعهٔ بشر لازم و ضروری است :

یکی شور و هیجان و حرارت و فوران جوان است و دیگری تجربه و تامل و تدبیر و حکمت سالمندان .

جوان آینده جذاب پرغوغای نا معلومی در پیش دارد و از اینرو در طلب آن در جست و خیز است و با هر مانع و رادعی در جنگ و ستیز . پیر سالخورده ذخیرهٔ از تجارب تلخ و شیرین زیر پا دارد و زانوی تفکر و تدبّر را در اغوش ندامت و تحسر گرفته بر آن اندوخته نشسته با هر حرکت و جنبشی بنظر تشویش و اضطراب ناظر است و هر تسریع و تعجیلی را حرام و جاهلانه میشمارد .

در هر جامعه پر نشاط متقدمی این دو عامل متعادلند و در کشش و کوشش متساوی از این رو ثمره مطلوبه این تعادل شامل حال عموم است و فوائد و مزایای هر دو قوه نصیب همه. مع الاسف چه بسیار که پیر با قوت اندوخته را هما را بسته و رشته ها گسسته جوان را بقدرت سابقه دچار یأس و پریشانی میکند چنانکه جوان هر دری را بکوبد ندائی و صدائی نشنود و هر راهی را پیش گیرد هزاران مانع و رادع سنگین در جلو پای خود بیند .

جامعهٔ بهائی بحمدالله با دستورات اکیدهٔ الهیه
از این افراط و تفریط مصون و آزاد است . جوانان
باید حرمت پیران را نگاه دارند و پیران وسائل ترقی
و نشاط و هدایت و تقویت جوانان را در دسترسشان
گذارند . این تعادل ذی قیمت با توجه بمبادی سامیه
و اصول اساسیه آئین بهائی در نهایت سهولت حاصل
شود و هر دو عامل مشغول انجام وظیفهٔ مهمه خود
گردند چه که میدانیم که روی رافت وعنایت مولا و مقتدای
اهل بهاء متوجه جوانان است و اینده فخیم و جلیل
امر الهی در دسترس انهاء جوانان نسل حاضر اند
که در عالم بهائی علم فتح و فیروزی را بر قبه امم نصب
خواهند نمود و درهای کاخ رفیع نظم بدیع بهائی را
برعالم انسان خواهند گشود . صحراهای ویران
و دریاهای پر طغیان گیتی پس از زلازل جنگ بهمت
جوانان بهائی ارامش و ابادانی خواهد پذیرفت ـ
صلح اکبر بجدیت انان در قطب افاق اشراق خواهد
فرمود و مبادی دری نورانی امر الهی با حمیت ممدوحه
آنان در عصر هٔ ملل متجلی و متحقق خواهد گشت .

باری این سخن محتاج بحث در صحائف و رسائل
بیشمار است عجالة داستان (ثمانون الف رجلا) را برای
شما میگوئیم و از این قصه میگذریم .

مدعی متعصبی بمبلغ بهائی میگفت همه جا سیل
برهان و استدلالت مرا ذلیل کرده حال ریشت را
بدست اورده از دست نمیدهم تا جواب مقنع بشنوم

ویا ترا از ســـــــراین دعوی منصرف نمایم ۰

جمال اقدس ابهی در کتاب متقن ایقان که مفتاح رموز واسرار ایمان است در صفحه ۱۹۱ سطر هفـــتم چاپ مصـــر میفرماید (وفی روضة الکافی عن معاویة بن وهب عن ابی عبدالله قال اتعرف الزوراء قلت جعلت فداك یقولون انها بغداد قال لاثم قال دخلت الری قلت نعم قال اتیت سوق الدواب قلت نعم قال رایت جبل الاسود عـــن یمین الطریق تلك الزوراء یقتل فیها ثمانون رجلا من ولـــد فلان کلهم یصلح الخلافه قلت من یقتلهم قال یقتلهم اولاد العجـــم) در کتاب تفسیر کافی ذکر است (یقتل فیها ثمانون الف رجلا من ولد فلان) ۰ مدعی مزاحم میگفـــت هشتاد نفر گفتهٔ امام نیست بلکه بگفته امام باید عـــدهٔ شهداء هشتاد هزار نفر باشد این هشتاد هزار نفس مقدس کی در ری جام شهادت نوشیدند تا ما اذعان بظهور قائم موعود نمائیم ۰ از آن گذشته از مظهر الهی تحریف و تفسیر عبارات حدیث مقبول نیست ۰

این همه با همت جوانی از جوانان ما که بحمداله چون اکثریت این طبقه صاحب غیرت است و مملو از حمیت بهـــائی موافق نبود جوان ما با دلی پر شور و خاطری ازرده از این مشکل بهر دری متوسل شد و از هر کتابخانه استمداد جست تا بالاخره دریافت که روضهٔ کافی کتابی است موجود و معین وغیر از اصول کافی است دیری در تکاپوی کتاب بود و در این حسرت در کوشش وجدیت ۰ از کتابخانه های بهائـــی وعمومی و مجلس و ملی طرفی نبست ولی دست از طلب بـــر

نداشت و همت را بکاوش زوایای تاریک حجره های بازار حلبی سازها و تصفح کتابهای متروک و گرد فراموشی دیدهٔ آن تماشاخانهٔ کتاب گماشت و پس از یاس از همه جا با خاطری حزین از عدم موفقیت در مراجعت بود که دست قدرت الهی از جیب عنایت بیرون امد و خیبت جوان با همت ما را نپسندید . رهگذری کتابی نفیس خطی تحریر پنجشنبه ۱۸ شوال ۱۰۸۱ هجری قمری بثمنی بسیار نازل باو فروخت که روضهٔ کافی بود و دلیلی وافی بر ردّ مدعی و اثبات کلام الهی در آن کتاب نفیس که بر حسب اطلاع ما عنقریب بکتابخانه ملی بهائی هدیه خواهد شد عین حدیث مندرج و با تصحیح حاشیه مطلب معلوم و صحت حدیث منقوله در ایقان ثابت و ردّ مو هوم معارض متعصب گردید .

ما همواره در این راه جانفشانیم و پافشاری داریم که سجایای ممدوحه بهائی را از هر طبقه مخصوصا جوانان تعزیز و تجلیل کنیم و نورانیت الهیه این ائین جلیل را باین وسائل تشهیر نمائیم و منتظر این اخبار و مترصد این بشاراتیم و از استماع ان متشکر میشویم و خبر خوش را به وسیله نشریه بسمع یاران عزیز رحمانی میرسانیم — .

× + × + × + × + ×

۸۱ — مرقومهٔ منیفه محفل مقدس روحانی طهران

لجنه محترمه ضیافات نوزده روزه

چون در ارض اقدس بر حسب میل و اراده مقدسه مولای توانا ارواحنا لعظمته الفدا برای عیدین اعظمین

ولادت دو جلسه علیحده و مستقل تشکیل میگردد متمنی است بجلسات ضیافات نوزده روزه در موقع خود صریحا ابلاغ فرمایند که در طهران نیز برای تاسی بارض اقدس درعیدین مبارکین دو جلسه جداگانه تشکیل فرمایند .

مزید تایید تانرا سائل وآملیم

منشی محفل /علی اکبر فروتن/

×+×+×+×+×

۸۲ ـ بخواهش یاران عزیز از جلسات ضیافات

شعار افراد یاران رحمانی ـ اشعار شاعر نکته سنج بهائی

گر کسی امت بها بیند . یک بیک را جدا جدا بیند

با همه فرقه با همه ملت در همه عالم اشنا بیند

از خدا گوید از خدا شنود از خدا خواهد از خدا بیند

بی طمع دوست بی سبب غمخوار بی ریا یار بی دغا بیند

در وفا کوشد ار ستم بیند هم دعا گوید ار جفا بیند

خدمتش مفت و دعوتش بی مزد طاعتش جمله بی ریا بیند

بندگان خدای را بخلوص بره راست رهنما بیند

اگر این دین حق نباشد حق کس صفات حق از کجا بیند

بخدا دین حق نمایان است

بهر بینا چو شمع تابان است

×+×+×+×

۸۳ ـ بمناسبت شهر العلا

جمال اقدس ابهی مخاطبا لاهل البهاء میفرماید :

ان اعملوا حدودی حبا لجمالی (احکام مرا بجا آرید برای حب جمال من)

و نیز میفرماید : اعلموا ان اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی (بدانید که اوامر من سراجهای عنایت من اند بین عباد من و کلید های رحمت من اند برای خلق من)

ما همه بهائی محقق و صاحب ایمانی راسخ وعقیده ای مبتنی بر تحری و مجاهده ایم و بیقین مبین میدانیم که جمال قدم جل ذکره الاعظم موعود کل کتب و صحف انبیاء سلف هستند و هر یك از آن هیاکل مجرده ارزومند وصول باین یوم مبارك بوده اند . تعالیم مقدسه و احکام متقنه این ظهور اعظم تریاق جمیع اسقام و سموم وعلاج تمام امراض مزمنهٔ فردی و جمعی عالم انسانی است و بسط و ترویج مبادی سامیه هدف آمال و خلاصه اعمال یومیه ما است چه که تا عالم در ظل این قباب عظمت در نیاید و نسخه این داروی الهی را بکار نبندد روی راحت و رفاهی نخواهد دید لذا تبلیغ سیّد اعمال و سر لوحهٔ مجهودات ما است . میخواهیم بهمه ملل و نحل عالم بفهمانیم که باید صراط مستقیم الهی را بر راههای منحرف بشری ترجیح دهند و بحر متلاطم

و پر موج و هوج اعظم الهی را برغدیرهای راکده و برکه های عفنهٔ افکار سخیفه بگزینند .

حال اگر با این امال و نوایای مقدسه وعقاید راسخه و معتقدات متقنهٔ وجدانیه خدا نکرده ما خود از مراهب روحانی احکام محکم الهی محتجب شویم وغفلت مادی ما را از شئون اساسی روحانی ممنوع سازد و تعظیم شعائر وآداب بهائی را پشت گوش اندازیم وعمل باحکام را بآینده محول سازیم ظلمی بامر فخیم وجلیل حضرت رب البریه کرده خود را نیز از کنز مکنون الهی محروم ساخته ایم .

پر واضح است که ذات نا یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش عقلای گیتی واعظ غیر متعظ را با لبخند سخره مقابله نمایند و بهائی بی عمل را مطلعین ببیانات مبارکه دائر باهمیت اعمال وعدم ارزش اقوال حواله دهند

عمل باحکام محکمهٔ الهیه از اقامه صلوة یومیه در سحر وقت و گرفتن روزه با شرائط معینه و رعایت اصول امریه از کف نفس از مشتهیات نفسانیه و ترجیح دادن رضای دوست بر رضای شخصی وغیره وغیره فریضه ذمه و وظیفه وجدانیه ما داعیان محبت و منادیان وحدت است و با توجه بمقدمات فوق برای بهائی چاره نیست جز اینکه به جمیع اصول و فروع در نهایت دقت عامل باشد .

از همه این دلائل متقنه گذشته قدری توجه لازم است تا منافع مادی و اخلاقی اطاعت و تبعیت از احکام و سنن بر ما واضح و مبرهن شود . انتظام وانقیاد و قبول امر و اجرای آن برای پرورش شخصیت اخلاقی و تقویت متانت

مادی وعقلانی بشر از الزم لوازم است مانند ورزش موجب نشاط است واعتدال مزاج و تربیت اراده سرکش بشری و تذلیل اهواء نفسانی بشهادت تاریخ درعالم انسانی ملل و اقوامی بکسب کمالات صوری و ترقی در مدارج روحی وجسمی توفیق حاصل نموده اند که بوسیلهٔ توجه بدین و تعظیم شعائران تدریجا در خود شخصیت متین اخلاقی ایجاد نموده اند .

تمسک شدید هر قوم و ملتی بمبادی و سنن اخلاقی روحانی موجب حتمی برای سوق ان ملت بسمت ترقیات مادی و معنوی شناخته شده و قوام و دوام وعزت واحترام آن ملت قائم بوجود وکیفیت این تمسک شدید بوده است .

ما بهائیان بهر طرف که متوجه شویم و بهر سو که نظر اندازیم زمین و اسمان و جمیع عوامل ظاهر و باطن بزبانی گویا و نطقی روشن بما میگوید که (اعملوا اوامری حبا لجمالی)

نوزده روز روزه گرفتن در مقدمهٔ فصل پرغوغای بهار حائز منافع و فوائد بیشمار است ـ خاصه پس از انعام واطعام ایام هاء که خود رمزی پر معنی از رموز کثیرهٔ این کور اعظم است وعمل بشرائط و لوازم ان هر شخصی را مستوجب برکات و مواهب بی انتهای ملکوت ابهی مینماید . چند روز خود و ذوی القربی و درماندگانرا میخورانیم و بعد با روزهٔ بهائی بخود مشق کف نفس و تمرین متانت و رزانت اخلاقی میدهیم . بهائی خالص صریح اللهجهٔ شجاع

متمسک پر شور و ولهی میشویم که رزانت و متانت ما در مقابل مشکلات و مصائب ضرب المثل دوست و دشمن شود تا الفضل ما شهد به الاعداء تحقق پذیرد و برعالمیان نمایان گردد که مائیم علمداران صلح اعظم و ناجیان امم و خدمتگذاران صمیمی اسم اعظم و بندگان خالص جمالقدم

چه موهبتی از این بالاتر و چه منقبتی از این اعز و اجل است که چون شیء ببالین راحت و یا تمام عمر به بستر مرگ در آئیم احساس کنیم که چشم اندازی جذاب و پر نشاء از رضای مولای توانا از ما و برای استقبال ما در عالم بالا حاضر و مهیا است .

× + × + × + × + ×

٨٤ ـ کمک بحافظه

---

١ ـ کتاب عالم بهائی چه کتابی است در کجا طبع و نشر میشود حاوی چه مطالبی است و جلد چندم آن بطبع رسیده چند سال یکدفعه منتشر میشود ؟

٢ ـ مبارزه در عالم انسانی بین فرد و جمعیت از بدایت تاریخ بچه نحو طی شده و نتیجهٔ این مبارزه چه بوده است؟

٣ ـ فارق بین حق و باطل طبق نص مبارک حضرت ولی امرالله چیست ؟

٤ ـ مظاهر و کمالات حسن اخلاق چیست ؟

٥ ـ رابطهٔ فرد بهائی با تشکیلات از چه راه شروع میشود ؟

مفتاح جواب سئوالات در اینده در شماره بعد نشریه داده میشود .

۸ ـ مقالات از جلسات

موضوع مقاله برای یاران راستان الهی در این شهر (فوائد و مزایای تمسک باصول و احکام و اطاعت از حکم صوم و ادای صلوة یومیه سه مرتبه) تعیین گردیده است .

برای تشویق نویسندگان در جامعه لجنه ضیافات نوزده روزه در نظر گرفته است که هر مقاله که در بین مقالات مورد پسند ارباب نظر گشت در نشریه با امضای نویسنده درج شود و برای بهترین مقاله یک جلد کتاب امری بتصویب لجنه به نویسنده جائزه داده شود با این ترتیب لجنه انتظار دارد افراد یاران عزیز رحمانی باین مسئله مهمه توجه فرموده صرف وقت و همت فرمایند تا با جمع اوری اطلاعات و معلومات و مطالعه کتب و تلاوت ایات حاضر و مهیای تحریرات شایسته برای جامعه گردند .

×+×+×+×+×+×

۸۶ ـ لحظهٔ در اسمان ـ ساعتی در ساحت حظیرة القدس ملی ایران

در هفته گذشته سلیقهٔ پر دامنهٔ اعضاء لجنه مجلله لجنه حظیرة القدس ملی ما در جمع اوری اعانات و تبرعات برای اتمام این بنای فخیم وسیع با همت خستگی ناپذیر و ابتکار پر نشاءه جوانان غیور و با حرارت بهائی طهران همکاری نموده ساعتی شیرین و فراموش نشدنی در سالون احتفال حظیرة القدس بجمعی متجاوز از چهارصد نفر از

یاران عزیز این مدینهٔ منوره تقدیم نمود .

نمایشی مهیج و خلاصهٔ پر کیفیت از وقایع جانگداز قلعه طبرسی که هر گوشه اش حاوی رمزی از فداکاری عاشقانه و جانبازی والهانه جناب قدوس و جناب باب الباب و اصحاب قلعه بود در زیر زمین حظیرة القدس بوسیله جوانان (که اسامی انها را باید هر کس در انجا بشنود و مردان صاحب غیرت اینده جامعه را بشناسد) تنظیم و بواسطه بلند گو و دستگاه فرستنده کوچکی بسالون احتفال منتقل میگشت .

این وسیله مختصر صنعتی با ذوق لطیف و فکر پر کیفیت روحانی جوانان عزیز ما توأم شده لحظاتی دلپذیر برای حاضرین فراهم نمود که شرحش موجب اطناب است و هر کس باید برأی العین مشاهده نماید . و بهمراهی گویندهٔ جوان در اسمان پرواز کند و از حد زمان گذشته آینده را بچشم خویش مشاهده نماید و بعد جسم و جان خود را بزیارت سینمای مبارک حضرت عبدالبهاء در امریکا و استماع صوت جانفزای مولای حنون حضرت من طاف حوله الاسماء و ملاحظه سینمای جشن قرن در مشرق الاذکار شیکاغو مستفیض نماید .

نکتهٔ که ما را بر تحریر این جمله تشویق نمود این است که بحمدالله قوه قاهره کلمة الهیه در هوج و موج است و بتأییدات ان قوه لجنه مجلله حظیرة القدس در عین انجام وظائف محوله و جدیت در راه جمع اوری اعانه به کمک همت و ابتکار جوانان قدمی موثر برای بسط معارف الهیه و توسعهٔ محلومات امریه جامعه طهران بر داشته و نیت

خصوصی خود را با نوایای عمومی این لجنه توام فرموده است . ایمان قطعی این لجنه است که الیوم هر قدم واقدامی که مثمر این ثمر شود یعنی برعمق عرفان و توسعه معلومات و ازدیاد رفاقت و صمیمیت و یگانگی و وحدت در جامعهٔ بهائی بیفزاید موید است و شایسته توجه وعنایت از جانب ارباب همت و صاحبان غیرت و حمیت .

ما بهائیان قبل از اتمام بنای حظیرة القدس وحتی تبلیغ نیازمند به تزیین خانهٔ روح و طراحی سالون مرکزی دل و فواد خود هستیم تا این بنای فخیم الهی را که انامل اقتدار رحمانی بابدع طرازات مزین و مکمل فرموده ساخته و پرداخته سازیم و اوساخ عارضه و خرابیهای وارده را مرمت کنیم . با تلاوت ایات و ترتیل مناجات و توجه و تذکر و تضرع و جمع اوری معلومات و ذخیره کردن معارف امریه وغیر امریه چراغهای این خانه الهی را روشن و منیر کنیم و مصباح موقده رحمانیه را در شبستان این دل افسرده شعله ور سازیم .

پس اگر بیک تیر چند نشانه بزنیم چه عیبی دارد هم حظ جسمی و روحی وچشم و گوش بریم و هم بر معلومات خود بیافزائیم ــ هم شاهد جدیت و حرارت و ابتکار جوانان خود باشیم و هم باتمام بنای حظیرة القدس کمک کنیم ــ هم ایات وعلامات روح نباض امرالهی را در خدمت خالصانهٔ اعضاء لجنه مجلله خود ببینیم و هم وسیله برای اشنائی و نزدیک شدن با یاران و برادران

۸۷ــ تربیت امری

در الواح و بیانات مبارکه دستورات کثیره راجع بتربیت اطفال بهائی و رویهٔ تربیت امری موجود است . آنچه که بلسان فارسی بوده انشاءالله لجنه تربیت امری محلی و ملی جمع آوری فرموده و میفرمایند . ما برای کمک به آنان و هدیه بمعارف جامعهٔ بهائیان ایران تعالیم مبارکه را در این موضوع از آثار انگلیسی ترجمه نموده در ذیل عنوان "تربیت امری" در این نشریه تدریجا درج خواهیم نمود . امیدواریم مورد توجه وعمل و اقدام لجنه‌های محلله ملی و محلی گردد .

حضرت عبدالبهاء در جواب سئوال راجع بعائله فرمودند :

طبق تعالیم حضرت بهاءالله عائله که یکی از واحدهای عالم انسانی است باید بر حسب قواعد تنزیه و تقدیس تربیت یابد جمیع فضائل اخلاقی باید بعائله تعلیم گردد . صیانت و تمامیت رابطه عائله باید دائما در نظر باشد ونسبت بحقوق اعضاء عائله تخطی نشود حقوق اولاد حقوق آباء حقوق امهات از هیچیک نباید عدول شود هیچیک نباید مبتنی بر خود سری و استبداد باشد . همانطور که پسر وظایفی را نسبت بپدر مدیون است پدر نیز حقوق ووظایفی نسبت بطفل خود دارد . مادر ــ خواهر و اعضاء دیگر خانواده هر یک مزایا و حقوق مخصوصه را حائزاند جمیع این حقوق و مزایا باید محفوظ ماند ولی وحدت عائله نیز باید صیانت شود باید لطمه بفرد لطمه بجمع شناخته شود و راحت فرد جمعیت و عزت یکی عزت همگی باشد : ــ

راحت (از نجم باختر مجلد سوم ص ۲۸)

نشـــریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهـران

در هر شهر بهائی یک شماره و برای عیـــد ین سعیدین (نوروز و رضوان) یک شماره جمعا بیست شماره از این نشریه سالیانه تکثیر و منتشر میشود . در تمام نقاط ایران قیمت اشتراک سالیانه برای بیست شماره ـ/ ۷۵ ریال و قیمت تک شماره پنج ریال خواهد بود نمونهٔ از شماره یک و دو با اجازهٔ محفل مقدس روحانی ملی بمراکز قسمتهای امری در ولایات ایران فرستاده شده است تا هر یک از افراد اهل بها مایل باشند مشترک گردند و اگر میـــل داشته باشند و محفل مقدس روحانی محلی تصویب فرمایند جلسات ضیافات خود را طبق این پرگرام اداره نموده این مقالات در جلسات خوانده شود هر وقت وجوه بلجنه ضیافات نوزده روزه طهران برسد قبض حق اشتراک و نشریه ارسال خواهد گردید . اگر مایل باشند ممکن است وجوه را توسط شرکت نونهالان ـ طهران ـ سرای حاجب الدولـه ارسال فرمایند . هر مقاله که از افراد احبای عزیز برسـد و در لجنه تصویب شود در این نشریه بنام نویسنده درج خواهد گردید جمیع مندرجات بامر محفل مقدس ملـــی قبل از تکثیر بتصویب لجنه مرکزی معارف و تالیفات امـریه میرسد . شماره های این نشریه در طهران و نقاط مجاوره بجلسات ضیافات نوزده روزه مجانا ارسال میشود .

لجنه ضیافات نوزده روزه ـ طهـــران

(= ۱۸۹ =)

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱۰۱/۱۱/۱ (۲۳/۷/۵)
شماره دهم - شهرالبها سنه ۱۰۲ بدیع
(۱ - ۱۹ فروردین ماه ۱۳۲۴)

×+×+×+×+×

ناشر : لجنه ضیافات نوزده روزه - طهران
مندرجات : عموما بتصویب لجنه ملی معارف و تالیفات امریه میرسد . از مقالات وارده انچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود .
شرائط اشتراک : سالیانه بیست شماره (برای هر شهر بهائی یک شماره وبرای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره) از این نشریه منتشر میشود و حق اشتراک برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۰ ریال است ضمائم نشریه هر یک برای مشترکین چهار ریال و برای غیر مشترکین پنج ریال و قیمت تک شماره نشریه پنج ریال است . وجوه تحویل صندوق ملی میشود .
برای جلسات ضیافات طهران و نقاط تابعه یک شماره مجانا ارسال میشود ولی پس ازخواندن باید شماره ها را جلسات طهران بکمیسیون و جلسات نقاط تابعه بمحفل مقدس محلی تسلیم فرمایند .
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان آزاد و وسیله ارسال وجه از خارج مرکز شرکت نونهالان طهران و در طهران ناظم جلسه ضیافات و کمیسیون ناحیه است .

(- ۱۹۰ -)

۸۸ ــ غـــذای روح

یا ابن المنظر الاعلی : اودعت فیك روحا منّی لتکون حبیبا لی لم ترکتنی و طلبت محبوبا سوائی (مضمون بیان آنکه : ای ابن منظر اعلی : ودیعه گذاشتم در تو روحی از خودم برای اینکه حبیب من باشی چرا مرا ترك کردی و طلب محبوبی غیر من نمودی ؟)

یا ابن العماء : ادعوك الی البقاء و انت تبتغی ــ الفناء بم اعرضت عمّا نحبّ و اقبلت الی ما تحبّ .

(مفاد آنکه : ای پسر عماء : دعوت میکنم تورا بسوی بقا و تو ارزوی فنا میکنی . بچه چیز اعراض کردی ازانچه که ما دوست داریم و اقبال کردی بسوی انچه که خودت دوست داری ؟)

×+×+×+×+×+×+×

۸۹ ــ مرقومهٔ منیعه محفل مقدس روحانی طهران

لجنه محترمه ضیافات نوزده روزه

متمنی است مندرجات این نامه را باطلاع یاران عـــزیز مدینه منوره طهران برسانند .

لبیبه خانم ابریشمیان چندی قبل با شخص غیر بهائی بدون اجرای مقررات عقد امری ازدواج نموده و با وجود تذکرات عدیده موفق بتلافی مافات نگردیده اند لهذا حسب ــ الوظیفه بدین وسیله انفصال اداری ایشان ازجامعـــه بهائی بعموم یاران مدینه منوره طهران اعلان میگـــــردد بدیهی است هر وقت موفق بجبران گشتند رجوع و قبولشان

درجامعه باطلاع احباء الهی خواهد رسید .

مزید تایید تانرا سائل و املیم

منشی محفل / علی اکبر فروتن /

×+×+×+×+×+×

۹۰ — عرض تهنیت

زبان شکر و سپاس لجنه ضیافات بلکه هر فردی از افراد بهائی از بیان مواهب وعنایات الهیه در این دور اعظم قاصر است چه که فیض کامل است و فضل شامل — ابواب رحمت باز است و جنود تایید با هر خادم صادق مانوس و دمساز . حضرت عبدالبهاء میفرماید :

((فیض ابدی سراب را بارد و شراب کند ذرّهٔ مفقود راجوهر وجود کند و نملهٔ معدوم را ادیب دبستان علوم فرماید از خار گل برویاند و ازخاك سیاه ریاحین معطر پر بها انبات نماید . سنگ را لعل بدخشان کند و صدف دریا را مملو از گوهر تابان فرماید . طفل نوآموز را ادیب دبستان کند و جنین مهین را فتبارك الله احسن الخالقین فرماید))

امروز هر فرد یا هیئتی که در ظل امرالهی موفق به قیام خالصانه درراه خدمت گشت هر قدم و اقدامش بفیض ابدی مویّد و مشدّد شود وجلوه و جلال ملکوت گیرد و رنگ و روی عالم لاهوت پذیرد بضاعت حقیر و لیاقت محدود مفقود شود و رونق و سطوت وغلبه و سلطنت الهیه شامل گردد .

چند ماهی بیش نیست که این لجنه قدم در میدان خدمت

بجامعه از راه تعمیم شایستگی نطق و تحریر و تقویت حوصله خواندن و شنیدن گذاشته این نشریه را بتصویب محفل مقدس ملی و محفل محلی نمایندهٔ افکار جوان و پر هیجان و ملجاء و مجمع آراء صائبه صاحبان نظر و ارباب بصیرت در جامعه یاران عزیز قرار داده و خلاصه نطق را در هر شهر بهائی بناطقین و افراد یاران عزیز هدیه نموده است .

توجه و اقبال عموم طبقات جامعه باین نشریه که هنوز کاملا شایسته نسبت باین مقاصد ارجمند نیست حاکی از شمول تایید است و حصول مقبولیت در درگاه الهی . خیل مشترکین از هر سو بلجنه و کمیسیونها در هجوم و جمعیت خوانندگان در نشاط و سرور و رو بازدیادند . بذر اشتعال و انجذاب کشته و ریاحین و ازهار هیجان و فوران و حرکت و جنبش رسته از هر سو نغمهٔ بلند است و از هر زاویه پیشنهاد و فکر بکری بلجنه میرسد . جلسهٔ شور ناطقین اخرین جمعه هر شهر بهائی و جلسهٔ شور ناظمین اولین جمعه هر شهر بهائی با حرارت و شور و شعفی روح بخش منعقد میشود و آراء صائبه و افکار بدیعه ثمینه برای بهبودی اوضاع جلسات و روشن شدن افکار و تقویت بنیه تقریر و تحریر و شنیدن و خواندن بلجنه اهداء میشود . صلای حرکت و ندای نهضت مرتفع است و رماد غفلت و ظلام خمودت زائل و متلاشی . هر یک از یاران عزیز الهی بطریقی در صدد تکمیل معلومات و تحصیل علوم مادی و الهی برامده کلاسهای اکابر برای رفع بیسوادی در بعض نواحی بهمت کمیسیونها بر قرار گشته و بسیاری از جلسات داو طلبانه احتفالات فوق العاده برای تحصیل

معارف الهیه وتجمع فضائل مادی و روحانی منعقد فرموده و میفرمایند این هنوز اول اثار جهان افروز است اینها مضرابهای مقدماتی این اهنگ الهی است روز فیروز جشن و سرور ونغمه پر شور هنوز فرا نرسیده عنقریب در نتیجه همین نهضت و حرکت جامعه اهنگ بدیع بگوش شریف و وضیح خواهد رسید و روح نباض امر الهی در افراد یاران عزیز رحمانی بیشتر از پیش لائح و لامع خواهد گردید . مگر فراموش کرده ایم که نفوسی در ظاهر مثل ما در سنین قلیل تاریخ دری این امر نازنین چه غوغا و ولوله در جهان ایجاد فرمودند مقدمین ما در میدان فدا سر از پا نشناختند و مال و جان و مسند و جلال را زیر پا گذاشتند وبسرعتی برق آسا بذروهٔ موفقیت و سعادت رسیدند . همان قوهٔ قاهره ونورانیت الهیه که ارکان وجود انها را تسخیر نموده بود حال موجود و در این فضای جانفزای الهی در هوج و موج است و مترصد فرصت و منتظر قیام و اقدام خالصانهٔ افراد و جماعات بهائی است بمحض حصول شرائط و وجود لوازم مانند نیسان رحمت نزول فرماید و هر تشنه را سیراب و هر کشت پژمرده ای را زنده نماید .

این لجنه در راه ایجاد و ادامهٔ این نشریه و ابداع خلاصه نطق و اعزام ناطقین بجلسات و تولید این نهضت مرارت ها دیده با نبودن وسائل و نقصان عوامل از ماشین فرسوده تکثیر تا کمی و گرانی کاغذ و مرکب بعنایات معنویه مولای توانا و آگاه اهل بها تا این روز پیروز که روز اول از سال دوم قرن ثانی بهائی است بخدمتگذاری

صادقانه بجامعه بهائی طهران مشغول است و از بخت بلند و طالع ارجمند خویش راضی و شاکر و از نتائج مسلمه حرکت و اقدام خود ممنون و مطمئن است و آثار مسلم و مشهود این بذل جهد مستمر خود را در جمیع اطراف و اکناف این مدینهٔ منوره با نظر تقدیر و تشکر ناظر است و باستان الهی ساجد و متضرع که در این سنه بیش از پیش بر مشکلات فائق اید و در رفع موانع و محذورات بقدرت و جبروت ملأ اعلی نصرت یابد و نشاط و انبساط و شور و ولهش با همکاری و وحدت نظر و یگانگی و یک رنگی افراد جامعه روز بروز بیشتر تقویت شود و تشویق گردد و با این افکار و امال سال دوم از قرن ثانی را شروع میکند و بعموم یاران عزیز الهی در این کشور مقدس این عید سعید نوروز ظاهر و باطن را تبریک و تهنیت صمیمانه عرض مینماید و از استان قدس ملکوت ادامه خدمتگذاری صادقانه خود را نسبت بجامعه یاران عزیز و ارجمند الهی سائل و آرزومند است

× + × + × + × + ×

سلمانی

۹۱ ـ اشعار پر شور شاعر عشق انگیز بهائی استاد محمدعلی نتیجهٔ همت کمیسیون محترم ضیافات شماره ۱۰

گر بسوزند دو صد بار زپا تا بسرم
بتو مشغول چنانم که ز خود بیخبرم
دیده بر داشتن از روی توام ممکن نیست
بی جمالت چکم نور ندارد بصرم
نائی عشق ندانم چه نوائی در نی
مینوازد که من از پرده هستی بدرم

نیش هر خار که میروید ازاین وادی عشق
بگل روی تو چون نوش بود درجگرم
در همه عمر شدم هم نفس باد صبا
شاید افتد بسر کوی تو باری گذرم
گوئیا در دل و در دیدهٔ من جا داری
که بهر سوی کم روی توئی در نظرم
ای مسیحای دل مردهٔ مجروح دلان
زنده فرما تو بانفاس نسیم سحرم
همچو پروانه زشوق رخت ای شمع مراد
آتش عشق همی میجهد از بال وپرم
چشم پر ناز تو از هر مژه ای مونس دل
میزند دمبدم اندر رگ جان نیشترم
سر و جان لائق خاك قدمت نیست ولی
از سر کوی تو من سر زخجالت نبرم
همه ذرات اگر شمس معانی گردند
نظر از روی بها نیست بجای دگرم

×+×+×+×+×+×+×

۹۲ ـ جامعه جوان ـ جمعیت نسوان

کسی نیست که منکر این نکته باشد که این دو طبقه یعنی جوانان و نسوان در هر جامعه از قسمتهای موثر و مهم جمعیتاند و حرارت و فعالیت آنان در راه خیر و صلاح عمومی در جمیع مراحل زندگی اجتماعی نفوذی عمیق دارد. در جامعهٔ بهائی خوشبختانه این نکته معلوم و واضح

و نصوص کثیره بر اثبات ان موجود است .

اگر انطور که باید و شاید جمیع طبقات جامعه بهائی بوظائف ضروریه خود قیام نماید و معاضدت و همکاری عمومی در جمیع مراحل فعالیت های امری عادت و سجیهٔ افراد جمعیت شود یقین است که دستورات مقدسه مولای توانا زودتر بحیزعمل درخواهد امد و موفقیت ما بهائیان در هر قسمتی از خدمات و مجهودات بهائی ما فوق تصور خواهد بود .

جمال اقدس ابهی برای جامعهٔ بهائی که علمداران وحدت عالم انسانی هستند اتحاد کلمه و وحدت نظر و معاضدت و یگانگی صمیمانه اراده فرموده اند .

دنیای منقلب و پر هیجانرا بمرهم محبت و وحدت آرام نمودن و نظم بدیع را در قطب آفاق مرتفع کردن کاری سهل و اسان نیست . همت جوان و حرکت و استقامت و لطافت فکر و ظرافت نظر طبقه امهٔ الرحمن را لازم دارد . جوان است که علم نظم بدیع رادر قطب افاق باهتزاز خواهد اورد و امهٔ الرحمن اند که جناحی قوی و لازم برای طیران عالم انسان در اسمان ترقی و تعالی هستند و برای ترقی خود وجامعه طبق نصوص الهیه بذل همت خواهند فرمود و قوای مکنونه قویه خود را که در هر کاری ضامن موفقیت است بکار خواهند انداخت .

حق باید داد که اگر این دو طبقه در جامعهٔ ما قیامی عاشقانه فرمایند و همتی صمیمانه بظهور رسانند حال و روز ما دگرگون خواهد شد و نشاط و انبساط و حرارت و اشتعال در مظاهر دیگر حیات اجتماعی ما نمودار خواهد گردید .

انتظارات مولای یگانه و توقعات جامعه از این دو طبقه زیاد و راهی که در پیش دارند طولانی و پر صعوبت است ولی همت و جدیت و هیجان و نوران جوان بی انتها و دقت نظر و ظرافت طبع و رزانت رای و استقامت و متانت نسوان نیز به تصدیق تجربه و شهادت نصوص فراوان و نمایان است .

جوانان بحمدالله بکمال همت بسمت مقصد ارجمند خویش رهسپارند و تشکیلات منظم و زحمات خستگی ناپذیرانان را جامعهٔ بهائی با نظر تقدیر و تعظیم ناظر است . در ترویج معارف الهیه و تعمیم شایستگی نطق و بیان و تعلیم السنه و ازدیاد رفاقت و صمیمیت بین افراد خود بجان میکوشند

جمعیت امناء الرحمن نیز جوانان مهذب و مربای تعالیم امریه بجامعه هدیه نموده و میفرمایند . خرد سالان را با نفوذ لطیف معنوی خود بعلم و اخلاق و سجایای مرضیه الهی پرورش میدهند و هدایت باطنی طبیعی خود را بکمال قدرت بکار میبندند و در ترقی و تعالی خود و افراد عقب مانده جامعهٔ خود از بذل هر همتی مضایقه نمیفرمایند .

اخیرا تشکیل لجنه ملی ترقی نسوان نیز موجب خرسندی وعلاقه مندی ارباب نظر در جامعهٔ بهائی است و یقین است که این تاسیس عظیم با فعالیت و همکاری عمومی جامعه نسوان اثرات مطلوبه پسندیده خواهد داشت و لجنه با موفقیت از عهدهٔ انجام وظائف خطیرهٔ خود که ترقی سطح فکر امناء الرحمن و بهبودی اوضاع تربیت و پرورش کودکان و تعلیم اداب معاشرت و سلوک زن و شوهر و خانه داری و نظافت و اقتصاد وغیره وغیره میباشد برخواهد آمد

ولی موقعیت هر دو طبقه مهم و بهمین جهت توقعات جامعه از انها وسیع و بی انتها است و از اینرو هرچه این دو طبقه بدوند و بخروشند و بکوشند بجا و بموقع است و بحد افراط نمیرسد .

رجا و تمنای ما از درگاه الهی ظهور جنبش و حرکتی است عمومی در جمیع طبقات جامعه بهائی برای انجام و اجرای ارزوهای ولی محبوب آگاه امر الهی و از خدا میخواهیم که این جنبش عمومی از جامعهٔ جوان و جمعیت امناء الرحمن شروع شود و هر لحظه مترصد این ندا و منتظر این بشارتیم و برای مژدگانی ان از بذل هر همت و اهداء هر خدمت مضایقه نداریم .

× + × + × + × + × +

۹۳ ــ مقاله بقلم جناب علی نیروز ــ راجع به صلح عمومی بقیه از شماره هشت

از جمله اعمال قبیحه جنگ و جدال و محاربات هائله است که تیشه بر ریشه اولاد ادم زده و جمعی از فلاسفه و متفکرین انرا از ضروریات عالم اجتماع فرض کرده و دلائل خود را مبتنی بر متداول بودن ان از اول تاریخ الی یومنا هذا تصور کرده اند در صورتیکه بموجب قوانین جزائی تمام ممالک در ماده افراد بزرگترین جنایت قتل نفس است و برای قاتل شدیدترین مجازات ها مقرر شده ولی قتل نفس دسته جمعی بر سبیل عادت حمیت و شجاعت تعبیر شده است .

اهل بها را عقیدت چنان است که دیری نخواهد گذشت که نوع انسان بفباحت این عمل پی برده و در ظل تعالیم مبارکه از خواب غفلت بیدار شده و بموجب فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء "جنگ را ننگ" تلقی خواهد نمود . راجع بتشکیل مجمع بین المللی برای اجرای صلح عمومی بین نوع بشر صرف نظر از اینکه این تعلیم مبارک چون حکم محکم الهی است بزودی بموقع اجرا گذارده خواهد شد از نقطه نظر اجتماعی نیز امری لازم و ضروری تشخیص داده میشود .

چون بدیدهٔ بصیرت نظر نمائیم ملاحظه میشود که افراد اهل عالم در تمام ممالک و بلدان در ظل قوانین و نظاماتی زندگانی میکنند و هرگاه کسی بحقوق انان دست تطاول دراز نماید برای احقاق حق و رفع تعدی از خود به مراجعی باسم دادگاه یا عدلیه مراجعه مینمایند ولی این مرجع برای اقوام و ملل که در این زمان لازم و واجبست مفقود الاثر است .

و اگر هم مرجعی وجود داشته باشد چون فاقد قوه تنفیذ بوده مورد اعتنا واقع نشده و ملل مختلفه که بواسطه اختراعات عجیبه و محیرالعقول با یکدیگر روابط تام حاصل نموده و حکم یک ملت پیدا کرده در موقع بروز یک مناقشه با یکدیگر مرجع و دادخواهی نیست که احقاق حق نموده و رفع اختلاف نماید ناچار مثل عهد بربریت اصلاح را از راه سلاح جسته و روی زمین را از خون جوانان رنگین مینمایند .

خلاصه امروز هر صاحب عقل سلیم اذعان مینماید که برای

جامعهٔ بشر یک محکمهٔ کبرای بین المللی برای رفع منافشات بین دول و ایجاد صلح و صلاح لازم است و آن محکمه باید بموجب اوامر جمالقدم جل ذکره الاعظم بطوریکه شرح آن از قلم اعلی نازل شده تشکیل گردد و نوع بشر را از این کشتارهای فجیع رهائی داده ابواب فلاح و نجاح را بروجه خلق خدا باز نماید تا کل در ظل خیمه یکرنگی وارد شده از محاربه که بفرموده جمال اقدس ابهی "اس زحمت و مشقت است" رهائی یابند . ولیس ذلك علی الله بعزیز".

×+×+×+×+×

۹۴ ــ تصحیح

با کمال تاسف باید اعتراف کنیم که با وجود توجه دقیق ما در شمارهٔ نه اشتباهاتی حاصل شده که از خوانندگان گرامی رجای عفو و تصحیح آنرا داریم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦	۱۲	درایقان	درایقان ثابت
=	۱٤	اگرهرطبقه	ازهرطبقه
۹	۱٤	یومیه درسروقت	یومیه درسموقت
۱۲	۱۷	لجنه حظیرتالقدس	حظیرةالقدس
۱٤	۲۱	حضیرة القدس	حظیرة القدس
۱٤	۲٤	از اخر این سطر جمله ذیل افتاده	

با یاران و برادران و خواهران روحانی خود بدست اریم .
ما بتمام قلب با هرعمل و اقدامی که این همه مقاصد

را در یک مجلس بر میاورد همراهیم و از هر کوششی برای توسعهٔ دامنهٔ این قیام و اقدام فروگذار نیستیم و همواره منتظر و مترصد فرصتیم تا از مشاهده این آیات روح پر تلاطم خود را تسکین دهیم و خبر مسرت اثر را بعزیزان و یاران راستان الهی برسانیم ۰

×+×+×+×+×

۹۵ ــ تربیت امری ــ ترجمه از انگلیسی
از نجم باختر مجلد نهم صفحه ۹۱

وظائف اطفال نسبت باولیاء :

و نیز اطفال وظائف مقدسه بسیاری نسبت باولیا دارند این وظائف در کتاب الهی ثبت و متعلق بخد است سعادت اطفال در اینعالم و در عالم ملکوت بسته بمیل اولیا است بدون آن اطفال در خسران مبین اند ۰

پدر و مادر شایستهٔ احترام اند و لازم است رضایت انها تحصیل شود ولی بشرط انکه اولیا اطفال را از تقرب باستان الهی مانع نشوند وآنها را از سلوک در صراط الهی رادع نگردند ۰ برعکس اولیا باید اطفال را تشویق و تحریص بسیر در صراط رحمانی فرمایند ۰

دستور جهت پدر و مادر و ولی اطفال :

و اما راجع بسئوالیکه راجع بتربیت اطفال نمودی بر تو لازم و واجب است که اطفال را از ثدی محبت الله پرورش دهی و به مسائل روحانی تحریص نمائی تا بخدا متوجه گردند و در عالم

انسانی اداب حسنه تحصیل کنند وعادات و ملکات ممدوحه وصفات پسندیده پذیرند درنهایت فطانت تحصیل علوم کنند تا روحانی شوند وآسمانی گردندواز طفولیت منجذب بنفحات قدس شوند وبتعلیم دینی روحانی و الهی تربیت گردند . یقین است که از خدا میخواهم که انانرا دراین امور تایید فرماید .

(قسمت اخیر اقتباس از الواح حضرت عبدالبهاء جلد اول صفحه ٨٧)

×+×+×+×+×+×

٩٦ ــ کمک بحافظه

١ ــ اغنیا برای اینکه از غفلت بهلاکت نیافتند چه باید بکنند ؟

٢ ــ در فقر وغنا وظیفهٔ بهائی چیست و چه فقری نعمت است ؟

٣ ــ چرا درایران اجرای امر (مراجعه باطبا حین مرض) چندان اسان نیست ؟

٤ ــ اصول نه گانه آئین الهی که درکتاب عالم بهائی ذکر است چیست ؟

٥ ــ رویهٔ صحیح مشورت چیست ؟

٦ ــ مقصود اصلی ضیافات چیست ؟

×+×+×+×+×+×

مفتاح کمک بحافظه ــ جواب سئوالات "کمک بحافظه" درنشریه شماره نه

---

١ ــ صفحهٔ ٩ نشریه شماره ٦ .

(= ٢٠٣ =)

۲ ــ صفحه ۱۰ نشریه شماره ٦ و بقیه مقاله در شماره ۷

۳ ــ صفحه ۱ نشریه شماره ٦ (قسمت غذای روح)

٤ ــ در همان صفحه ۰

٥ ــ صفحه دوم همان نشریه ۰

×+×+×+×+×+×

۹۷ ــ مقالات از جلسات

موضوع تحریر در این شهر ((چرا عالم بهائی بمنزله هیکل واحد است و وسیلهٔ ارتباط قسمتها و ارکان مختلفه این هیکل با یکدیگر چیست))

×+×+×+×+×+×+×+×+×+×

۹۸ ــ بیاد روز افتتاح کلاس عالی تبلیغ

ترقی و تعالی جامعه و تشویق ارباب ادب و صاحبان قریحه شعار این لجنه است وانگهی جناب صدّیق عطائی که در تربیت امری صاحب مقامی جلیل و در دستگاه شعر دارای موقعیتی جمیل اند اثری از روح لطیف خود در قطعه زیر که بافتخار روز افتتاح کلاس عالی تبلیغ سروده گذاشته اند که با ضیق صفحات ما قسمتی از آنرا برای استفاده یاران عزیز الهی در اینجا درج میکنیم ۰

در این دوری که تاریکی هائل — جهانرا کرده پابند مشاکل
امم آواره در بیدای ظلمت — چو خورشید عدالت گشته آفل
صفا بربسته رخت از ملک دلها — جفا سرتاسر دل کرده منزل
در این عصریکه از طوفان اوهام — بشر در راه کج گم کرده ساحل

تهی از مغز فرق فائد قـــوم — بری از عقل هر گمراه غافل
زعلم کار مردان خرد منـــد — فتاده در کف جهال ذاهل
دراین عهد یکه هست آشوب برپا — رسوم مردمی گردیده زائل
نه اسمی از محبت مانده برجا — نه رسمی از اخوت مانده در دل
عیان از مشرق عز مبینش — جمال الله شد بی ستروحائل
برای دردهای اجتماعی است — تعالیم بهادرمان عـــاجل
فیا بشری که مقصود احبـا — پس از رنج فراوان گشت حاصل
چوتشکیل کلاس درس تبلیغ — شد از یمن عنایات افاضل
سپاهی تازه با نیروی تـازه — شود تشکیل با افراد قابل
توای پروردهٔ دست بزرگان — توای جویای دانشهای محصل
صفای باطن وعلم است وتقوی — سلاحت در میادین غـــوائل
مطرز شو بزیب عشق وعرفان — مجهز با براهین و دلائل
فرازی پرچم وحدت بعالـم — فروزی اتش سوزنده غـــل
تو هستی کاشف سر صحائف — تو هستی بین علم و جهل فاصل
زیکسو تابش انوار عـرفان — دگر سو تیرگیّ جهل جاهل
تو در ظل ولی امر حقـــی — زهی ظل ظلیل این مظلل
ثنا خوان وبند اینجمع ازجان — نگوید ترک نحت گل عنادل
یکی زانجمله صدّیق است وکلرا — در این منظور توفیق است آمل

×+×+×+×+×+×

۹۹ ـ اخطـار مهم ـ طریقه ارسال وجـــوه اشتراک

چون مشترکین محترم وجوه را بوسائل مختلفه میفرستند و این مسئله موجب اختلال حساب و دیر رسیدن نشریه بانها میشود متمنی است برای فرستادن پول باعلان صفحه اول هر نشریه توجه نموده طبق تقاضای این لجنه رفتار فرمایند .

لجنه نشریات نوزده روزه ـ طهـران

(۲۰۵)

نشـــریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهـــران

بدایت انتشار: ۱/۱۱/۱۰۱/ (۵/۷/ ۱۲۲۲)
شماره یازدهم • مخصوص عیدین سعیـــدیـــن
شهرالجلال سنه ۱۰۲ بدیع
(۲۰ فروردین — ۷ اردیبهشت ماه ۲۴)

×+×+×+×+×+×+×+×

ناشـــر: لجنه ضیافات نوزده روزه — طهران
مندرجات: عموما بتصویب لجنه ملی معارف و تالیفات امریه میرسد • از مقالات وارده انچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود •
شرائط اشتراک: سالیانه بیست شماره (برای هـــر شـــهر بهائی یک شماره وبرای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره) ازاین نشریه منتشر میشود و حق اشتراک برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۵ ریال است ضمائم نشریه هر یک برای مشترکین چهار ریال و برای غیر مشترکین پنج ریال و قیمت تک شماره نشریه پنج ریال است • وجوه تحویل صندوق ملی میشود • برای جلسات ضیافات طهران و نقاط تابعه یـک شماره مجانا ارسال میشود ولی پس از خواندن باید شماره ها را جلسات طهران بکمیسیون و جلسات نقاط تابعه بمحفـــل مقدس محلی تسلیم فرمایند •
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان آزاد و وسیله ارسال وجه از خارج مرکز شرکت نونهالان طهران و در طهران ناظم جلسه ضیافات و کمیسیون ناحیه است •

۱۰۰ ـ غـــذای روح ۰

حضرت عبدالبهاء میفـــرماید

(۰۰۰۰۰۰ حال وقت خدمت است و هنگام عبودیت حضرت احدیت از افکار مختلفه فراغت یابید و بلسان فصیح بـلاغت بثنائید و بحمد و ستایش حضرت مقصود مجامع و محافـــل بیارائید. تا این فیض مانند سیل منحدر گردد و جهانـرا بگل وریاحین بیاراید ۰ ان سیل نصایح و وصایاســت و تعالیم و تکالیف حضرت کبریاء ۰ ای یاران جهانرا ظلام عناد فرا گرفته و گرد باد بغضاء احاطه نموده ۰ نـــار عداوتست که شعله بعنان اسمان زند سیل خونریز است که از دشت و کهسار جاری و ساری و جمیع نفوس در نهایت بیقراری ۰ پس احبای الهی باید سبب محبت اسمانـــی گردند و الفت روحانی بخشند و بموجب وصایا و نصـــایح رحمانی با جمیع خلق بنهایت صدق و مهربانی رفتار کنند و با عموم بخیر خواهی معامله نمایند ۰ دوستانرا جانفشانی کنند و دشمنان را کامرانی خواهند بدخوی را دلجوئـــی کنند و ستمگر را مهرپرور باشند تشنگانرا آب گوارا گردنـــد و مریضانرا شفای عاجل ۰ دردمندانرا درمان گردنـــد و مصیبت زدگانرا تسلی وجدان گمراهان را نور هدایت گردند و سرگشتگانرا رهبر پرعنایت ۰ کورانرا دیـــدهٔ بینا شوند و کران را گوش شنوا ۰ مردگانرا حیات ابـدیه باشند و افسردگانرا مسرت سرمدیه ملوک عادل را مملوک باشند و امیر باذل را رعیت خوش سلوک اطاعت حکومت نمایند و در امور سیاسیه مداخله ننمایند ۰ توجه بنیـــر

آفاق کنند و بتحسین اخلاق پردازند . وعلیکم التحیة والثنـــاء ع ع

×+×+×+×+×+×

۱۰۱ ـ کتاب "نظم بدیع" الهی ـ مجموعهٔ الواح حضرت ولی امرالله بافتخار بهائیـــان امـــریک ـ اقتباس از مقدمهٔ کتاب بقلم هارس هالی

دستورات مبارکهٔ حضرت ولی امرالله که حال باسم "نظم بدیع" منتشر میشود رابطهٔ بین جامعهٔ بهائی و سیر تکاملـــی اجتماعی را که در پرتو تعالیم حضرت بهاء الله حاصـــل شده روشن و واضح میسازد . در این کتاب معلوم و مسلم میشود که "اصول نظم اداری بهائی" هستهٔ مرکزی و نمونه و سرمشق تمدن ایندهٔ دنیا است و ایـــن اصول نظـــم اداری بهائی بالهام و تاییدالهی در این دوره کـــه ذروهٔ علیا از ادوار تاریخی بشر میباشد استقرار خواهد یافت . با این ترتیب در عین اینکه این کتاب حاوی تعلیمات و هدایت مستمرهٔ حضرت ولی امرالله برای بهائیان در ایـــن سیر سریع نمو و پیشرفت امر الهی است تا حد اعلی ارتباط مبادی مقدسهٔ آئین بهائی را نه تنها با بهائیان بلکـــه با جامعهٔ انسانی علی العموم روشن و مبرهن میسازد حضرت بهاء الله در این دور اعظم معنی و مفهوم جـــدید وسیعی بشریعة الله داده اند که در این مجموعه ایـــن مفهوم کاملا تشریح شده است و تفوق و احاطهٔ آئین الهی بر تمدن عمومی عالم انسانی یعنی همان تفوق و احـــاطهٔ

شرایع الهیه در ظهورات قبل نسبت بارواح و قلوب افراد حائز بوده واضح و نمودار میگردد .

حضرت ولی امرالله با بیان تعالیم و تبیین اعلائی که از منظور غائی و مقصود نهائی امر جمال اقدس ابهی میفرمایند شرحی عادی و تبیینی معمولی از کلمات مقدسه نفرموده اند بلکه در ساعات اخیر درماندگی بشر خلاصه و جوهر نظام اجتماعی آینده عالم انسانی را در دسترس او گذاشته اند .

برای بهائیان دیگر حاجتی بالواح وصایای حضرت عبدالبهاء نیست تا بمقام ولایت و لزوم آن متوجه گردند بلکه الواح متوالیهٔ حضرت ولی امرالله مخصوصا آنها که حاوی اصول نظم بدیع جهان آرای است بخودی خود بنحوی اکمل حاکی و مثبت این معنی است که روح مقدس حضرت بهاالله در امر الهی در کار است و نصرت و قهاریت این آئین نازنین را در اصلاح امم و وحدت عالم در ظل دین واحد و نظام واحد تامین خواهد نمود .

برای نفوسیکه خیال میکردند که رجعت مسیح فقط تجدیدی در روحانیت و رحمانیت انفرادی انسانها ایجاد خواهد نمود حال مشکل است تصور کنند که دین شامل قانونی برای ملل و اقوام عالم است . (زیرا بدیهی است که باید اعتراف نمود که حضرت بهاء الله نه تنها روحی جدید و جانبخش بدنیا عطا کرده اند و مبادی اساسیه عمومیه اعلان وعقایدی بدیع تبیین فرموده اند که در نهایت اتقان و جامعیت و عمومیت است بلکه این نفس

مقدس و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء بعکس ظهورات سابقه قوانینی وضع و موسسات و مشروعاتی تاسیس و اصول اساسیهٔ نظامی اجتماعی را تشریع فرمودند که در اینده نمونهٔ نظام اجتماعی عالم انسانی و وسیلهٔ اعلی برای تاسیس صلح اعظم و یگانه عامل برای وحدت عالم انسانی و استقرار حکومت حق و عدالت بر روی ارض خواهد بود ...
آیا با وجود قوای متحده در عالم و جریان و نفوذ آن قوا در این عصر اتم اکرم واجب و ضروری نیست که مظهر کلی الهی در این یوم مبارک در دعوت خود خطاب بدول و ملل دنیا علاوه بر تصدیق موازین عالیهٔ اخلاق فردی که در شرایع قبل بوده اصول و مبادی ساسیهٔ اساسیهٔ آن نظم اجتماعی الهی را بیان و اعلان فرماید که بنا است مجهودات جمعی عالم انسانی را برای استقرار وحدت عمومی کلی دول و ملل یعنی مقدمهٔ مجیئی ملکوت الهی بر روی ارض تمشیت نماید)

این بیانات چون توام با نفوذ کلمة الله و دارای قوهٔ مقلبه و قدرت ظاهره بر جمیع عالم است نه تنها برای بهائیان بلکه برای عموم طالبان حقیقت ذیقیمت میسازد. در این حین که اضطرابات بین المللی اوج گرفته مهم ترین حقیقت در افق عالم انسانی در این مجموعه لائح و لامع است و آن اینکه مفهوم سابق دیانت که روحانیت را از شئون و اعمال اساسی تمدن جدا مینمود و نفوس را وادار میکرد که در ظل عقاید و اصول متناقضه و سیاسیات و اقتصادیات و نظامات اجتماعی متخالفه مستظل گردند برای ابد محو و باطل گردید

و حکم (مال خدا مال خدا و مال قیصر از آن او است)
در ظل علم وحدت عالم انسانی که حضرت بهاء الله مرتفع
فرموده اند ملغی شده است .
(چه نیکو است که رؤسا ء ادیان و موسسین و مروجین عقاید
سیاسیه و اولیاء و فرمانروایان مشروعات و موسسات عالم انسانی
که در حال حاضر با اضطراب و انزجار خاطر شکست افکار
وعقاید و محور زوال ثمرهٔ اعمال خود میباشند نظری
بآئین حضرت بهاء الله اندازند و راجع بنظم بدیعی که
در تعالیم حضرتش مکنون است تعقل و تدبر نمایند ومشاهده
کنند که چگونه بنحوی غیر محسوس از میان تحولات وانقلابات
تمدن یوم حاضر این نظم بدیع جهان آرا ء در اشراق و تجلی
است)

×+×+×+×+×+×

۱۰۲ ــ تبریک رضوان ــ تهنیت بیاران

از شماره ده تا یازدهٔ این نشریه یک شهر بهائی فاصله
بیشتر نیست معهذا عطیهٔ الهیه در این فاصلهٔ قلیل ما اهل
بهاء را قادر بعرض تهنیت ثانوی بمحضر یاران وعزیزان
الهی نموده است . دو عید بزرگ در این دوراعظم در اول
هر سال جامعهٔ بهائیان را بنشاط وانبساطی ملکوتی و سرور
وحبوری فارغ از شئون محدود مادی دعوت مینماید .
اگر سمع و بصری آزاد از اوساخ وعلائق غیر ممدوحه
باشد چنانکه انشاء الله در این جامعه چنین سمع و بصری
فراوان است احساس خواهیم نمود که ما میتوانیم از این وفور

ذخیرهٔ
سرور روحانی/برای مجاهدات یکساله خود بیاندوزیم خستگی
سال گذشته را یکباره بر زمین بگذاریم و فعالیتی رحمانی
و همتی بهائی بدست آوریم تا پی پاکان گیریم و سر مشق
عالی متقدمین را نصب العین نمائیم- روز فدا البته کم و بیش
گذشته ساعت جدیت و خدمت و استقامت و همت فرا رسیده
است این هم کمتر از آن بساط نیست باید شقاوت اعداء
و سطوت علماء وعناد بلها و طغیان امراء و ضرب و حرق
و شکنجه وزرا را در جهاد داخل بنحو اشد و اکمل یافت
باید خود را بمیرانیم یعنی میراث نظم پارینه را از خود
دور کنیم باید بدانیم که در این عصر مشعشع الهی و در
این دور اتم و کور اعظم دیانت تنها عبارت از یک سلسله
عقاید وجدانیه برای تامین سعادت روح و راحت وجدان
افراد بشر نیست بلکه در این عصر دیانت عبارت است از
نظام دنیائی عالم انسانی برای تمشیت شئون مادی
و معنوی افراد و جماعات . شریعة الله برای نظم
دادن بخانه از هم گسیخته و اساس متلاشی خاندان بشر
جمیع عوامل و وسائل لازمه را بقدرتی الهی حاضر و مهیا
نموده و معماران این بنا وعمال این بنیان ما برگزیدگان
خدا یعنی مستضعفین عبادیم که بضاعتی در بساط
نداریم جز اقتباس از انوار بی حد و حصر شمس حقیقت
یعنی آیات و کلمات دریات حضرت رب اعلی وجمال اقدس
ابهی و تبیینات حضرت عبدالبهاء و دستورات حضرت
ولی امرالله ارواحنا فداه .

پیامهای مبارک که بوسیلهٔ زائر ارض اقدس جناب حاج

ندیم باشی رسیده طائف حول نظم بدیع بوده و توجه خاطر مبارک معطوف بوده است به اینکه یاران عزیز رحمانی از مبادی و معانی این نظم بدیع جهان آراء مستحضر شوند و پس از استحضار در ظل آن روحا و جسما مستظل گردند . این است که در این شهور اولیه سال لجنه ضیافات نوزده روزه با جامعهٔ طهران بنام هدیهٔ عید عهد میکند که مرتبا وعلی رغم هر مشکلی در هر شمارهٔ نشریه قسمتی از نظم بدیع را ترجمه کرده در دسترس یاران و برادران و خواهران روحانی خود بگذارد و در اجرای این نیت بحمایت و تقویت مخصوص محفل مقدس مستظهر است .

این جمله ما را از این وظیفه مستغنی نمیسازد که صمیمانه از جمال اقدس ابهی مسئلت نمائیم که عید سعید رضوان را بنحوی که خود اراده فرموده بر ما مبارک فرماید و ما را بکسب رضای خود بگمارد و راه تحصیل این رضا را بما بنمایاند و مشکلات عظیمه موجوده در راه تحصیل رضا را از میان بردارد . وحدت و یگانگی عام تام بهائی را در جمع اهل بهاء مشرق و متجلی فرماید و ما را در این سال به ازدیاد اشنائی و رفاقت در بین خود موفق نماید . نوشتن و خواندن و گفتن و شنیدن را در بین ما رواجی بسزا دهد و ما را بحقایق مکنونه و دقایق ملکوتی مشروع بدیع وعظیم ضیافت نوزده روزه واقف و آگاه سازد و اجرای حکم تلاوت ایات در هر صباح و مساء را بر ما آسان فرماید . افکار و اغراض نفسانیه و خود بینی و خود خواهی را اگر در بین ما باشد از ما سلب فرماید و همه "من" ها را که

بفرمودهٔ حضرت عبدالبهاء چون حاکی از تفرد و تمیز و انانیت است شیطانی است در دیگ های بزرگ "ما" که رحمانی است بجوشاند و خیمهٔ وحدت را منزل و ماوای ما قرار دهد .
تا گویندهٔ "ما" و نویسندهٔ "ما" را قائم مقام گویندهٔ "من" و نویسندهٔ "من" فرماید یعنی جامعه گوینده و نویسنده شود نه افرادی معدود و نفوسی محدود ـ بالجمله مناقب و مواهب بیحد و حصر اشراق وتجلی انوار ملکوت در جمع ما بهائیان ظاهر وعیان شود . تا رضای خاطر مولای محبوب و آگاه که اصل کل خیر است حاصل گردد و ما در عالم بهائی سربلند وارجمند شویم . این است نیات و تمنیات لجنهٔ ضیافات در سنهٔ ۱۰۲ بدیع و با این افکار پایدار سال را شروع میکنیم و یک یک یاران وعزیزان الهی را برای تحقق این آمال بهمکاری و تشریک مساعی دعوت مینمائیم .

+×+×+×+×+×+×+

۱۰۳ ـ کمک بحافظه

۱ ـ بشر در هر امری باید بکه اقتدا کند ؟
۲ ـ مشغول شدن انسان به اسباب ظاهره وغرور او از کجا ناشی است ؟
۳ ـ شرط عزت و حرمت و مقبولیت ما در نظر حق چیست ؟
٤ ـ طریقه ترقی و تعالی اطفال چیست ؟
٥ ـ اطفال در اغوش ما در چه باید فرا گیرند ، طریقه تعلیم اطفال بوسیله سئوال و جواب چه اثری دارد ؟
٦ ـ در امر هجرت امروز چه عملی محتاج الیه است ؟

مفتاح کمک بحافظه در شماره ده

۱ ــ صفحه ۱۴۳ شماره هفت

۲ ــ بهمچنین

۳ ــ صفحه ۱۴۳ شماره هفت

۴ ــ صفحه ۱۴۷ شماره هفت

۵ ــ صفحه ۱۵۱ شماره هفت

۶ ــ در اغلب شماره ها بیان شده است ــ

+×+×+×+×+×+

۱۰۴ ــ خلاصه اقدامات و تصمیمات لجنه ضیافات نوزده روزه طهـــــران

از تاریخ ۱۳ شهر الکلمات سنه ۱۰۱ بدیع (۲۳/۵/۳)
تا ۱۵ شهر العلا سنه ۱۰۱ بدیع (۲۳/۱۲/۲۵)
ضمیمهٔ معروضهٔ لجنه بمحفل مقدس روحانی طهران شماره ۹۵۳

۱ ــ هیئت اعضاء جدید این لجنه در سنهٔ حالیه از تاریخ ۱۳ شهر الکلمات سنه ۱۰۱ بدیع (۲۳/۵/۳) بر حسب دعوت و اعتبار نامه واصله از محفل مقدس روحانی طهـــران بتشکیل جلسات اقدام نموده تا این تاریخ که ۱۰۱/۱۹/۱۵ (۲۳/۱۲/۲۵) است بشرح ذیل اقدام باجرای وظـائف کرده است .

۲ ــ در سال جاری برای تسهیل کار و رعایت وقت ناظمین ــ لجنه موافقت نمود که ناظمین بتوانند در موارد استثنائی عضوی دیگر را از جلسه ضیافت بجای خود برای حضـور در کمیسیون اعزام دارند ولی در طی عمل بر این مسئله وقوف کامل حاصـل

شد که این تصمیم به منفعت جامعه نبوده بسیاری از ناظمین نیز بواسطه عدم حضور در کمیسیون از روح همکاری وموانست با نیات لجنه و حرارت واشتعال لازم برای انجام وظائف محروم ماندند لذا لجنه ناگزیر گردید که در تصمیم قبلی خود تجدید نظر نموده ناظمین را بحضور در جلسات کمیسیونها موظف کند .

۳ ـ جناب اساسی بنمایندگی از طرف محفل مقدس در یکی از جلسات اولیه لجنه حاضر شده بیان نمودند که رکود و خمود ضیافات وعدم رغبت یاران عزیز رحمانی بحضور در جلسات ناشی از قیود وحدودی است که تدریجا در پرگرام ایجاد شده است لجنه باید فکری در این باره نموده سعی در اختلاط وامتزاج و تعدیل اعضاء و رعایت تناسب افراد بهائی نماید تا حتی الامکان از غیبت نفوس از جلسات و سردی و خمودی احباء کاسته شود . در این موضوع لجنه در سنهٔ جاریه اقداماتی وسیعه نموده کمیسیونها را تدریجا با پنکار تشویق نموده است و تا ممکن بوده دست بکار تعدیل و تغییر اعضاء جلسات گشته موفقیتهائی بدست اورده است . و در نتیجه با تصویب لجنه در شهر السلطان کمیسیون شش بتغییر و تعدیل کلیه اعضاء جلسات ۲۵ گانه ناحیه خود موفق شد و بترتیبی خاص بشرح ذیل جلسات جدیدی تشکیل داد :

اعضاء هر جلسه بوسیلهٔ ناظمین بچهار دسته الف ـ ب ـ ج ـ د تقسیم شدند این تقسیم با موافقت ورضایت اعضاء جلسات بعمل امد و سعی شد در هر دسته نفوسیکه صاحب منزل

بزرگ و دارای شایستگی نطق وتلاوت ایات و خواندن اوراق و سایر خصوصیات باشند ضمیمه شوند وازیک عائله بیش از چهار الی پنج نفر در هر دسته نباشند واحبای محل بدون ملاحظه سوابق دیانتی در هر دسته تعیین شوند سپس در کمیسیون با ملاحظه بعضی خصوصیات که نتیجهٔ تجربه متعادیه بوده هر دسته را با سه دسته از جلسه دیگر منضم کرده از چهار دسته یک جلسه جدید تشکیل دادند . نتیجهٔ این عمل عموما خوب ومطلوب بوده احبّاء محل اکثرا اظهار خرسندی و رضایت میفرمایند و لجنه در نظر گرفته است این نقشه را در نواحی دیگر نیز مجری دارد .

٤ ــ جلسات تذکر عدیده در جمیع نقاط شهر بدستور محفل مقدس روحانی و این لجنه از طرف کمیسیونهای یازده گانه بیاد شهدای عزیز شاهرود تشکیل شده در بعضی از جلسات ناطقین محترمی حضور یافته در تعظیم و تجلیل فداکاری عاشقانهٔ این مستشهدین فی سبیل الله بیانات موثری ایراد فرمودند .

٥ ــ در نتیجهٔ مطالعات بسیار لجنه در سال جاری ازادی های زیادی بکمیسیونهای نواحی برای ادارهٔ جلسات داده حتی الامکان طبق نوایای مقدسه مولای بی همتای اهل بهاء انها را در مسائل مهمه مربوطه بجلسات ضیافات و توسعهٔ اطلاعات وعمیق نمودن عرفان یاران طرف مشورت قرار داده از فکر و نظر انها استفاده نموده است .

٦ ــ بدعوت لجنهٔ مجلله تبلیغ طهران نمایندگان این لجنه در جلسات کمیسیون مختلطی از لجنه های مختلفه شرکت

بقیه در شماره ۱۲ (= ۲۱۷ =) تکثیر میشود

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران

بدایت انتشار : ۱/ ۱۱/ ۱۰۱ (۵/ ۷/ ۱۳۲۳)
شماره دوازدهم ـ شهر الجلال سنه ۱۰۲
(۲۰ فروردین ماه ۲۴ / تا ۷ اردیبهشت ماه ۲۴)

×+×+×+×+×+×+×+×

ناشر : لجنه ضیافات نوزده روزه طهران
مندرجات : عموما بتصویب لجنه ملی معارف و تالیفات امریه میرسد ۰ از مقالات وارده انچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود ۰
شرایط اشتراک : سالیانه بیست شماره (برای هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره) ازاین نشریه منتشر میشود وحق اشتراک برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۵ ریال است ضمائم نشریه هر یک برای مشترکین چهار ریال وبرای غیر مشترکین پنج ریال وقیمت تک شماره نشریه پنج ریال است ۰ وجوه تحویل صندوق ملی میشود ۰ برای جلسات ضیافات طهران و نقاط تابعه یک شماره مجانا ارسال میشود ولی پس از خواندن باید شماره ها را جلسات طهران بکمیسیون و جلسات نقاط تابعه بمحفل مقدس محلی تسلیم نمایند ۰
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان آزاد و وسیله ارسال وجه از خارج مرکز شرکت نونهالان طهران و در طهران ناظم جلسه ضیافات و کمیسیون ناحیه است ۰

۱۰۵ ـ غذای روح

جمال اقدس ابهی میفرماید :

ای بندهٔ یزدان : روزگردار امد وقت گفتار نیست • پیك پروردگار اشکار هنگام انتظار نه چشم جان بگشا تا روی دوست ببینی • گوش هوش فرا دار تا زمزمهٔ سروش ایزدی بشنوی •

ای بندهٔ یزدان : شبنمی از دریاهای بخشش یزدان فرستادیم اگر بنوشند و زمزمه از اوازهای خوش جانان اوردیم اگر بگوش جان بشنوند • پیرهای شادمانی در هوای محبت یزدانی پرواز کن • مردمان را مرده انگار زندگان بیامیز • هریك از مردمان جهان که بوی خوش جانان را در این بامداد نیافت از مردگان محسوب • بی نیاز به اواز بلند میفرماید • جهان خوشی امده غمگین مباشید • راز نهان پدیدار شده اندوهگین مشوید • اگر به پیروزی این روز پی بری از جهان و انچه در او است بگذری و بکوی یزدان شتابی •

×+×+×+×+×+×+×+×

۱۰۶ ـ صیقل قلب ـ رادیوی گیرندهٔ بهائی

قلم اعلی میفرماید :

یا ابن البشر : قدرت لك من الشجر الا بهی الفواکه الاصفی کیف اعرضت عنه ورضیت بالذی هو ادنی • فارجع الی ما هو خیر لك فی الافق الاعلی • (مضمون بیان انکه ای پسر بشر برای تو از شجرهٔ ابهی صافی ترین اثمار را مقدر

ازان
فرمودم چگونه اعراض نمودی و به انچه پست تر است راضی گشتی ؟ پس راجع شو به انچه که بهتر است برای تو در افق اعلی)

شکی نیست که این عمل یعنی ترک مقصد اعلی و رجوع به شئون ارذل و ادنی از جمله عادات و سجایای انسان است والا حق سبحانه و تعالی در این بیان احلی و الواح شتی این نکته را موکدا گوشزد نمیفرمود .

خواندن این ایهٔ مبارکه قبح و مذمومیت این عادت و سجیه را برای ما روشن و واضح میسازد . ولی در حیات یومیه انجام و اجرای این امر مبرم بسیار مشکل و دشوار است . امیدواریم با توجه وتنبه مستمر متمادی بتوانیم خود را از نفوذ ملائم ولی دائمی این سجیه نجات دهیم .

شناختن خیر و شر کاری آسان نیست در قران خداوند میفرماید (عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم وعسی ان تحبّوا شیئا و هو شر لکم) مفاد بیان انکه چه بسیار که از امری کراهت دارید وآن برای شما خیر است وچه بسیار که امری را دوست میدارید و همان برای شما شر است تنها با اطلاع از تعالیم الهیه در هر عصری افراد بشر بخیر و شر خود واقف میشوند . راه پیدا کردن فواکه اصفی از شجرهٔ ابهی که در بیان احلای بالا ذکر شد مطالعهٔ ایات و تلاوت کلمات است و تذکر وتنبه و تضرع وتوجه و نماز و نیاز بجمال اقدس ابهی دست ما درماندگان را بصرف فضل وعنایت بگیرد و ما را بطریق اصلح وانسب در این دور اعظم هدایت فرماید بخوانیم و بفهمیم وعمل کنیم

حضرت ولی امرالله هم جزاین از ما نمیخواهند .

×+×+×+×+×+×

۷ ـ جلال و جبروت عالم افلاك ـ دورنمای نزدیك عالم خاك

اثر یراعهٔ اقتدار حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه
از مجلهٔ بهائی "نظم عالم" شماره ۲ مجله ۷ مورخ می ۱۹۴۲
(استخراج ازکتاب "ظهور مدنیت عمومی دنیائی)
ترجمه ازانگلیسی

"وحدت نوع بشر که منظور نظر حضرت بهاء الله است متضمن تشکیل ممالك متحده ایست که در آن جمیع ملل و احزاب و فرق و طبقات با یکدیگر در نهایت نزدیکی والفت بهاتحاد واتفاق دائم فائز شوند و استقلال دول و ملل اعضاء آن و همچنین آزادی شخصی و حق ابتکار فردی در بین اعضاء کاملا وصریحا تضمین گردد .... این وحدت عمومی ملل تا حد یکه امکان ممکن است برای خود مجسم کنیم شامل یك قوهٔ مقننهٔ دنیائی خواهد بود که اعضاء آن امناء جمیع عالم انسانی بوده و بالمآل عهده دار اداره شئون عموم ملل اعضاء آن خواهد گردید . و آن قوه مقننه دنیائی عمومی قوانینی را که برای تنظیم حیات وتکفل احتیاجات واداره روابط ومرابطات جمیع ملل واقوام لازم است تشریع و تصویب خواهد فرمود یك قوه مجریه دنیائی نیز که مستظهر بقوای بین المللی باشد تصمیمات و قوانین صادره از هیئت مقننه دنیائی را تنفیذ خواهد نمود و بهم پیوستگی و نظم اجتماعی جمیع اعضاء این

وحدت ملل دنیائی را تامین خواهد کرد . یك محکمه عمومی دنیائی نیز در جمیع منازعات واختلافات حاصله بین اعضاء مختلفه این نظم دنیائی قضاوت نموده رای نهائی — لازم الاطاعه خود را صادر خواهد فرمود .... ترتیبات وتاسیسات منظمهٔ بدیعه برای ادارهٔ روابط و مراودات بین ملل و دول دنیا بوجود خواهد آمد ... ویك عاصمهٔ دنیائی که به منزله مرکز اعصاب هیکل مدنیت عالم بشری خواهد بود بکار خواهد افتاد ... لسانی عمومی اختراع و یا از السنه موجوده انتخاب شده در مدارس جمیع ملل متحدهٔ اعضاء وحدت دنیائی برای کمك لسان مادری تدریس خواهد گردید خط عمومی تحریرات و تالیفات عمومی نقود و وجوه رائجه و اوزان ومقادیر متحد الشکل بین المللی موجب تسهیل و روشن کردن ... روابط حسن تفاهم بین ملل .... خواهد گردید ... در این وحدت ملل متحده عالم علم و دین که دو قوه از قوای عظیمه موثره در حیات بشری است بسلازش و هم اهنگی با یکدیگر دمساز شده با همکاری و معاضدت یکدیگر در طریق ترقی و تعالی طی مراحل خواهد نمود ... این است مقصد اعلائیکه عالم انسانی بهدایت قوای حیویهٔ موحّده بسمت ان در سیر و حرکت است ...))

× + × + × + × + × + × + ×

خلاصه اقدامات و تصمیمات لجنه ضیافات نوزده روزه — طهران

بقیه از شماره قبل

۶ — بدعوت لجنه مجلله تبلیغ طهران نمایندگان این لجنه

در جلسات کمیسیون مختلطی از لجنه های مختلفه شرکت نموده بمنظور توسعهٔ دائره تبلیغ و تشویق نفوس به این اقدام مهم عظیم تعاطی افکار کرده اند . نتیجه مطالعات کمیسیون این بود که هر نقشهٔ که در نظر گرفته شود باید بوسیله لجنه ضیافات انجام شود و از اینجهت بهتر است که لجنه ضیافات پرگرام وسیعی برای انجام این منظور در نظر گیرد .

۷ ــ نظر بنصوص کثیره از حضرت عبدالبهاء ارواح العالمین لمظلومیته الفداء و همچنین از مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه در این سنه لجنه به تجدید نظر در طرز ادارهٔ جلسات تصمیم گرفته پرگرامی جدید و مفصل و جامع برای جلسات تنظیم نمود که منطبق است با دستورات مقدسه مولای توانا و حاوی سه قسمت است . تلاوت و تبیین ایات ــ شور در مسائل ــ ضیافت مادی ــ و در مدت دو ساعت و نیم بطرزی منظم مجری میشود . این پرگرام بتصویب محفل مقدس روحانی ملی رسیده محفل مقدس با پیشنهاد لجنه موافقت نمود که از ابتدای شهر المشیة نشریهٔ باسم نشریهٔ لجنه ضیافات نوزده روزه بمنظور توسعهٔ اطلاعات و معلومات افراد یاران عزیز رحمانی و عمیق نمودن عرفان انها تکثیر و منتشر شود و این نشریه برای جلسات ضیافات مجانا و برای سایرین پس از وصول حق اشتراک (از قرار ۷۵ ریال برای ۲۰ شماره در سال ــ یک شماره برای هر شهر بهائی و یک شماره برای عیدین سعیدین نوروز و رضوان) ارسال گردد . تا اول ــ شهر البهاء ده شماره از این نشریه بوسیلهٔ مدیر نشریه این لجنه تحریر و منتشر گردیده هر شماره بدوا در لجنه

ضیافات تصویب و بعد حسب الامر محفل مقدس روحانی در لجنه ملی معارف و تالیفات بتصویب رسیده است ــ مشترکین کثیری با حسن استقبال زیاد نشریه را مشترک شده وجوه اشتراک را به لجنه فرستاده اند که جمیعا تحویل صندوق ملی گردیده است تا این تاریخ عدهٔ مشترکین طهران به ۴۸۵ رسیده است . نظر لجنه ازانتشار این نشریه بذل مساعی در راه تحقق امال سی و سه سالهٔ حضرت عبدالبهاء بشرح نطق مبارک در جلسه ضیافت نوزده روزه احبای لندن مورخ ۲۹ دسمبر ۱۹۱۲ (بشطره سه نشریه رجوع شود) یعنی عمیق نمودن عرفان یاران عزیز رحمانی و توسعهٔ اطلاعات و معلومات افراد بهائی است و نیز تشویق خواندن و نوشتن و گفتن و شنیدن در بین افراد احبای الهی و در راه تحقق این منظور در این مدت قلیل موفقیت عظیمه حاصل نموده نفوس کثیره چه در جلسات و چه در منازل موفق بمطالعه منذرجات شده تقدیرات شفاهی و کتبی ازاین اقدام لجنه نموده اند و نهضت متین عمیقی برای کسب سواد ومعلومات وتوجه به موضوع خواندن و نوشتن و گفتن و شنیدن در جامعه ایجاد شده کلاسهای اکابر در بعضی ازنواحی داو طلبانه برای کسب سواد تاسیس گشته بسیاری بمیل ورضا بفکر تکرار واستمرار جلسات فوق العاده برای خواندن کتب امری وتحصیل معلومات افتاده اند .

۸ ــ در تعقیب وتکمیل همین نظر ها است که لجنه در نظر گرفت که ناطقینی بجلسات اعزام داشته مطالب مختلفه امریه را تبیین و تشریح نماید و روی همین نظر پس ازتحصیل موافقت

و تصویب محفل مقدس عده یکصد و ده نفری از وجوه احبا[۱] را که ممکن بود دارای استعداد نطق وبیان باشند انتخاب و اسامی را بدستور محفل مقدس برای تشخیص صلاحیت نطق انان بمحفل فرستاده وعدهٔ ازانها باین سمت مورد قبول و موافقت محفل واقع شده دعوت شدند واکثر این نفوس ازاین مسئله حسن استقبال نموده ازابتدای شهر الاسماء به جلسات ضیافات رفته و تا این تاریخ به این خدمت جلیل قائم بوده اند ونتائج بسیار نیکو از این اقدام بدست امده جلسات ضیافات و بعضی ازافراد اهل بهاء کتبا و شفاها برای این اقدام مهم از لجنه اظهار تشکر نموده اند و حتی بعضی از جلسات و کمیسیونها گزارا شکایت از کمی عده ناطقین نموده تقاضای اعزام عدهٔ زیادتری دارند . چون محفل مقدس روحانی طهران لازم دانستند که موضوع نطق ناطقین در هر جلسه معلوم ومصوب باشد در هر شهر بهائی یک خلاصه نطق به عنوان ضمیمه نشریه بوسیله مدیر نشریه تهیه و پس از تصویب در این لجنه و همچنین در لجنه معارف و تالیفات تکثیر و یک شهر قبل ازادای نطق بین ناطقین توزیع میشود تا در طی مدت با مطالعات مختلفه وسیعه خود را حاضر برای بیان مطالب مهمه مفیده نمایند و این اقدام بی اندازه برای تشویق ناطقین بتکمیل خویش مفید و نافع بوده است .

۹ - برای پیشرفت مسئلهٔ نطق و تشویق بیان در جامعه لجنه جلسهٔ شور ناطقین نیز ترتیب داده جمعهٔ اخر هر شهر بهائی احتفالی در نهایت روحانیت و جلال ازافراد

ناطقین تشکیل داده مسائل مربوطه بتشویق خواندن و نوشتن و گفتن و شنیدن واشکالات ناطقین را مورد بحث و مطالعه قرار داده است و نتیجهٔ این مشورت ومطالعه مرتبا بلجنه پیشنهاد شده است نطق نمونه نیز در این جلسات بوسیلهٔ یکنفر از ناطقین بانتخاب قرعه ادا میشود و در اینده قرار است که یک نفر از فضلای امر در مسئلهٔ از مسائل در جلسهٔ شور کنفرانس مفید و جامع برای استفاده حاضرین بدهد .

۱۰ ـ بپیشنهاد جلسه شور ناطقین جلسه شور ناظمین نیز تشکیل گردید که حال یوم جمعه اول هر شهر بهائی منعقد میشود و در این جلسه ناظمین جمیع جلسات برای ازدیاد همکاری خود و جامعه با لجنه ضیافات در انجام واجرای نوایای فوق الذکر مشورت و تعاطی افکار مینمایند . نتائج بسیار مهمه از این جلسه تا بحال عاید شده و لجنه نتائج عظیمهٔ زیادی را در اینده انتظار دارد .

۱۱ ـ بپیشنهاد جلسه شور ناطقین این لجنه جلسات مختلط مهم دیگری منعقد نموده است بدین معنی که در ایام پنجشنبه در تمام سال یک نماینده از هر جلسه ضیافت در حظیرة القدس حاضر شده واحتفالی از این نمایندگان جلسات برای ازدیاد اشنائی و شناسائی ووحدت و یگانگی بین افراد جامعهٔ بهائی طهران تشکیل میگردد . تا بحال از این احتفالات دو جلسه منعقد گشته بی نهایت مورد حسن استقبال یاران عزیز واقع شده در کمال روحانیت و جلال الواح وایات تلاوت و مطالب بوسیله ناطقین بیان شده است

این جلسات برای ازدیاد رفاقت و اشنائی و وحدت ویگانگی در جامعه بهائی که یکی از نوایای مقدسه مولای توانا و تحقق ان بوسیله جلسات ضیافات منظور نظر مقتدای مقتدر و اگاه اهل بها است بی اندازه مفید و نافع شناخته شده است

۱۲ ــ مسئله شور در جلسات که یکی دیگر از مواد اصلیهٔ پرنگرام جلسات ضیافات است نیز مورد اقدام و عمل بوده بوسیله نشریه و نطق ناطقین وتذکرات در جلسات مختلط کم کم جزو پرگرام و مورد توجه یاران عزیز واقع گردیده .

پیشنهادات عدیده (بخواهش لجنه در دو نسخه) درطی چند ماههٔ دورهٔ عمل لجنه از جلسات رسیده که مرتبا عاجلا بمحفل مقدس ارسال گردیده و محفل مقدس نیز در سنه جاریه جواب پیشنهادات را مرتبا مرقوم وارسال فرموده اند

۱۳ ــ راجع بماشین تکثیر نیز این لجنه در بدایت امر سعی نمود که ماشینی را که با وجوه تقبلی اختصاصی جهت نشریات لجنه ضیافات واصله از یاران عزیز در جلسات از سنین قبل خریداری شده است تحت اختیار در اورد ولی پس از مکاتبه چون معلوم شد که ماشین مزبور برای محفل مقدس عجالة مورد لزوم است برای نشریه ماشین فرسودهٔ بیکارهٔ را که در دفتر محفل مقدس متروک بود با اجازهٔ محفل تعمیر نموده عجالة مورد استفاده قرار داده است ولی نظر به خرابی ماشین نتیجه تکثیر چندان رضایت بخش نیست و خیلی بجا است که لجنه در صدد جمع اوری وجوه برای خریداری ماشین تازه برایند . قیمت اشتراک با مخارجی که لجنه برای نسخ مجانی ضیافات و کتابخانه های امری ونفوس سایره متحمل

میشود خیلی نازل است وعایدی اضافه ندارد . البته در
اینده در این موضوع اقدام اساسی موثری باید بعمل اید .
۱۴ ـ این لجنه سعی نمود که هیئتی مرکب ازنفوس مفصلهٔ ـ
الاسامی ذیل از فضلای جامعه به‌عنوان هیئت تحریریه
لجنه‌ضمیمات تشکیل دهد که تحریرات‌عام المنفعه متنوعی
برای درج در نشریه تهیه نمایند .
جناب فاضل طهرانی . جناب نصرالله رستگار . جناب ـ
عبدالحسین بشیرالهی . جناب احمد صمیمی . جناب حسام ـ
الدین نبیلی . جناب هدایت‌الله نیر . جناب‌عزیزالله
سلیمانی . جناب‌احمد یزدانی . جناب مهدی امین امین
جناب دکتر مسیح ارجمند . جناب محمد پرتوی . جناب
عباس‌شهید زاده . جناب سروان شاهقلی . جناب نصرالله
مودت . جناب کاظم کاظم زاده . جناب دکترامانت‌الله روشن
جناب روحی ارباب .
با اینکه کرارا این نفوس‌دعوت شدند واصرار و تشویق
وابرام و تاکید بمنتهی رسید معهذا لجنه باستثناء یکی دو
مقاله ازجناب‌بشیرالهی نتیجه ازاین اقدام نگرفت وازکمک
فضلای جامعه‌عجالة مایوس است .
۱۵ ـ بخواهش‌لجنه دارالتربیه این لجنه اقدام موثری
برای جمع‌اوری اعانات جهت‌ان موسسه‌عام المنفعه بعمل
اورد ونتائج مطلوبه نیزبدست‌امد .
۱۶ ـ برحسب دستور محفل مقدس‌روحانی نمایندگان این
لجنه با نمایندگان لجنه های تربیت امری ـ احصائیه ـ
حفظ‌الصحه و تبلیغ کمیسیونی ترتیب داده در موضوع تعیین

حدود متحد الشکل نواحی این مدینه منوره تعاطی افکار کرده است در نتیجه حدود جدیدی برای نواحی تعیین و تصویب قطعی و پیشنهاد آن بمحفل مقدس موکول به این لجنه گردید . لجنه در سال جاری در جمیع مسائل مهمه به دستور اکید حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه با کمیسیونهای تابعه خود شور و نظرات انها را کسب نموده تصمیم لازم گرفته است در این مورد نیز نظرات کمیسیونها بوسیله نمایندگان انها بدست امده موضوع عجالةً مورد مطالعه و مداقه است .

۱۷ ـ این لجنه پرگرام جدیدی امسال برای احتفالات لیلهٔ صعود حضرت عبدالبهاء ارواح الوجود لرمسه الاطهر فدا و همچنین عیدین سعیدین اول و دوم محرم تهیه و جمیع قسمتهای پرگرام را ازمناجات شروع تا مناجات ختم در یک جزوه تکثیر نموده در دسترس یاران رحمانی گذاشت واین دو پرگرام بصورت ضمیمه نشریه شماره ۳ و ضمیمه نشریه شماره ٤ توزیع گردید .

۱۸ ـ یکی دیگر از اقدامات این لجنه در سنه جاریه همکاری و معاضدتی است که با لجنه مجلله مرکزی مسافرت بر حسب دستور محفل مقدس بعمل اورده است . پس از یک جلسه شور جمعی بین دو لجنه وتقدیم پیشنهادات جداگانه از طرف بعضی از اعضاء بخواهش لجنهٔ مجلله مسافرت مقالهٔ در نشریه برای دعوت یاران عزیز به اقدام بسفرهای تشویقی منتشر نمود و نیز خلاصه نطقی بخواهش ان لجنه تهیه نموده در دسترس ناطقین گذاشت که در اول ـ

شهر الجلال بیان مطلب فرمایند .

۱۹ ــ یک نسخه از نشریه تا آخر شماره شش با خلاصه نطق و ضمائم پروگرام ها بدستور محفل مقدس ملی تهیه و با عریضه عاجزانه از طرف لجنه بوسیله جناب هانسن بساحت اقدس تقدیم گردید در اینده نیز مرتبا نشریه با ضمائم تقدیم میشود .

۲۰ ــ بخواهش این لجنه برای کمک بترجمه های مدیر نشریه طبق دستور موکد حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه که باید ترجمهٔ امری بنظر هیئت مترجمین برسد کمیسیونی در لجنه ملی معارف وتالیفات بعضویت امة الله میس شارپ ــ جناب اشراق خاوری ــ جناب مودت و نعیمی تشکیل گردید .

۲۱ ــ این لجنه در سال جاری در مورد ضیافاتی که بواسطهٔ قلت عدهٔ اعضاء در زحمت بوده اند بتدابیر مختلفه متوسل شده مانع از انحلال انها گشته است ودر نتیجه همین تدابیر چند جلسهٔ جدید در این سال برعده جلسات سابقه افزوده شده است .

۲۲ ــ در موضوع تلاوت لوح منیع مورخ نوروز سنه ۱۰۱ بدیع در جلسات این لجنه از تاکیدات پیاپی دست برنداشته اخیرا بصورت معین و نوبت کتبی لوح مبارک در هر جلسه تسلیم یک یک خانوده های بهائی شده است که در طی هفته در مواقع مناسب از ان استفاده نمایند .

۲۳ ــ متحدالمالهای مختلفه محفل مقدس و لجنه های امریه و همچنین اخیرا اوراق رای برای انتخاب نمایندگان شور در انجمن شور روحانی واوراق مربوطه بنمایندگان شوزده ــ گانه جامعه جهت تعیین اعضاء محفل مقدس روحانی طهران

مرتبا در طی سنه جاریه توزیع گردیده است .
٢٤ ـ این لجنه تا تاریخ ٢٥ اسفند ماه جاری ٤٣ جلسه تشکیل داده و بانجام وظائف قائم و در طریق وصول به منظور اعلای خود صرف همت و بذل مساعی نموده است .

×+×+×+×+×+×+×

١٠٨ ـ بهائی نوزاد سفریحهٔ روشن

جناب علی سلحپوش جوانی پر جوش و خروش اند که چندی است به رضوان ایمان در آمده اشعار نغز دلکش خود را بمسائل امری تخصیص داده اند . از طرفی میدان این نشریه برای حمایت از اهل فضل و ادب بسی کوچک و از طرف دیگر مقام وکیفیت وعدد آنان رو بع اوج است ـ ناچار ما تنها برای بعض از ابیات یک چکامه ایشان در این نشریه جا تهیه کردیم و استفاده از بقیه را به جدیت و طلب خوانندگان وا گذاشتیم تا خود بیابند واز عشق و شور جوان و اشعار والهانهٔ ایشان لذت برند .

پرده بر داشت ذوالجلال از رخ
سر بسر ممکنات شد فرخ

گشت خفاش همدم اوخ
کردم از وی سئوال و در پاسخ
گفت دور خدائی است این دور موقع اشنائی است ایندور

ذات موعـــود حضرت اعلـــی
روشنـــی بخش عالم بـــالا
پرده برداشت از رخ ابهـــی
شد ز رویش منیر ارض و سما
خوش شناساند خویشرا بجهان وازمستور گشت فاش وعیان
ان بشارت ده جالقـــدم
در جهان زد به اقتدار علم
کرد اظهار امر ـ جور و ستم
خوش فراری شدند هر دو بهم
گیتی از عدل پرشود بیقین چونکه ظاهر شد ان امام مبین
زو جهانی باهتزاز آمـــد
جان رفته بجسم باز آمـــد
عاشقان یار دلنواز آمـــد
در پیش روح در نماز آمد
انبیا زو تمام مفتخرند وای بران کسان که بی خبـــرند
دوستان پنجم جمادی شـــد
مبعث است وزمان شادی شد
این سخنها همه زیادی شـــد
ظاهر از حق بس ایادی شـــد
روشن این شمع و خویش و بیگانه همه اوراشدند پـــروانه
از ظهور خدا خبـــرها داد
این درخت جوان ثمرها داد
این موثر چه خوش اثرها داد
به بشر وه چه بال و پرها داد
بال عرفان بمرغ جان بخشید در تن مرده روح تازه دمید

باب احسان بروی خلق گشود
گفت وصف جمال رب ودود
در بیان حل مشکلات نمود
امد از عرش جبرئیل فرود
گشت روز خدا تمام امروز وعده ها یافت اختتام امروز
صبح ان شب که مهر تابان شد
عالم جان و دل فروزان شد
وجه عبدالبهاء نمایان شد
انکارا جمال جانان شد
عید اعظم نخوانیش زچه رو که جهان در نشاط رفته فرو
چون مبشر نمود روی چو ماه
پس مبیّن پدید شد ناگاه
بنگر بخشش وعطای خدا
که بیک روز این دو کنز خفا
انکارا شدند در عالم این چنین روز شد نظیرش کم
جان در امد بجسم باب الباب
گشت بیدار ناگهان از خواب
ای سلحپوش وقت را دریاب
که زحق میرسد بخلق خطاب
نقطهٔ اولیه گشت پدید پس نماند از برای کس تردید

× + × + × + × + × + × + × + ×

× + × + × + × + × + × + ×

× + × + × + × + ×

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار : ۱۰۱/۱۰/۱ (۱۳۲۲/۷/۵)
شماره سیزدهم ـ شهرالعظمة سنه ۱۰۲ بدیع
(۲۷ اردیبهشت ماه ـ ۱۴ خرداد ماه ۲۴ /)
×+×+×+×+×+×+×
ناشر : لجنه ضیافات نوزده روزه طهران
مندرجات : عموما بتصویب لجنهٔ ملی معارف و تالیفات امریه میرسد ۰ از مقالات وارده آنچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود ۰
شرایط اشتراک : سالیانه بیست شماره (برای هر شهر بهائی یک شماره و برای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره) ازاین نشریه منتشر میشود و حق اشتراک ـ برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۵ ریال است ضمائم نشریه طریق برای مشترکین چهار ریال وبرای غیر مشترکین پنج ریال و قیمت تک شماره نشریه پنج ریال است ۰ وجوه تحویل صندوق محلی میشود ۰
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان آزاد و وسیله ارسال وجه از خارج مرکز شرکت تونهالان* طهران و در طهران ناظم جلسهٔ ضیافات و کمیسیون ناحیه است ۰
×+×+×+×+×+×+×
* سرای حاجی رحیم ×+×+×+×+×
خان ۰

۱۰۹ ـ غذای روح

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لمظلومیته الفدا میفرماید
..... ای یاران الهی و امهٔ رحمانی تعلیم و تعلم
بنص قاطع جمال مبارک فرض است هر کس قصور نماید از
موهبت کبری محروم ماند زنهار زنهار اگر فتور نمائید
البته بجان بکوشید که اطفال خویش علی الخصوص دختران
را تعلیم و تربیت نمائید و هیچ عذری در این مقام مقبول
نه تا عزت ابدیه و علویت سرمدیه در انجمن اهل بهاء
مانند شمس ضحی جلوه و طلوع نماید و قلب عبدالبهاء مسرور
و ممنون شود . وعلیکم البهاء الابهی ع ع

× + × + × + × + × + × + ×

۱۱۰ ـ یگانه راه علاج

ما اهل بها در دنیا حاملین ندای صلح و سلام
و فلاح و نجاحیم . ما باید روح حیات و حرکت و ترقی
مادی و معنوی در هیکل عالم بدمیم . ولی در قدم اول
باید بدانیم که این اصل کلی وحدت عالم انسانی که
مربوط بجمیع قطعات این کره خاک و محتاج الیه کلیه
اقوام و ملل است در این آخرین ساعات درماندگی بشر
بچه وسائلی تحقق خواهد یافت .

درست است که هر جمعیتی به فکری مشغول است و
هر فکری را جمعی وسیله پیشرفت مصالح مخصوصهٔ بخود
قرار داده اند . درست است که این افکار چون مربوط به

مصالح ومنافع جمعیتی معین است و با منافع و مصالح عالم انسانی مباینت دارد. در این روز بزرگ که روز ارتفاع کلمهٔ وحدت عالم انسانی است باید از میان برخیزد و رشتهٔ امور بدست اهل صلح و سلام و جانبداران اصلاح عالم ووحدت امم درآید. درست است که تایید الهی در هر دور وعصری موید و مسدد سالکان صراط مستقیم مظاهر مقدسه بوده بقایای حیات و حرکت بصرف ظهور از تاسیسات سامیهٔ انسانی بید اقتدار اخذ شده است با جمیع این مراتب ما اهل بهاء که مبادیان وحدت در دنیای پرازکثرتیم ما که درجهان منقلب و ازهم گسیخته امروز درجهانیکه فریاد نفسانیت و انانیت هر دسته گرشته جامعه انسانی را از کار انداخته به ارادهٔ الهیه عوامل گستردن بساط وفاق ویکرنگی درخاندان آدم هستیم در درجهٔ اولی باید بچه وسائلی متشبث شویم ؟

بنظر ما بهائی در اجرای وظایف سنگین خود وقتی روی موفقیت خواهد دید که از مبادی سامیهٔ دریهٔ الهیه که در نظم بدیع تبیین و توضیح شده کاملا واقف و آگاه شود و بروح عظیم و جامعیت وسمو و کمال و جلال این امر اعظم بقدر وسع روحی خود پی برد و بعزمی جزم و ارادهٔ آزاد از هرتزلزل و تردید قیام عاشقانه و حرکتی والهانه برای اجرا وتنفیذ این اصول ومبادی در حیات فردی وزندگی جمعی عائلهٔ خود فرماید . حضرت ولی امرالله میفرمایند (۰۰۰۰ الیوم اساس اعظم وسیزان اکمل و اتم و فارق بین حق و باطل اخلاق است نه اقوال . هر حزبی که دارای آن

باشد موید است و من لدی الحق و هر طائفه از آن محروم باطل است و از فضل و تایید الهی ممنوع . نام و نشان دلیل و برهان اگر موید و توام بحسن روش و سلوک و اخلاق طیبهٔ مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان و جهانیان است .... انتهی)

اگر در نزد هر فرد بهائی این مصدر اعلی مورد عمل و اجرا واقع گشت شک نیست که از افراد بعائله و از عائله ها بجامعه سرایت خواهد نمود و شئون ما منطبق با رضای الهی خواهد گشت. اولادی نو رسیده و افرادی پاک و مبرّی از علائق و مواریث مذموم گذشته خواهیم شد و تولدی تازه خواهیم یافت . شک نیست که فتح و نصرت آئین الهی در چنین حالی تحقق خواهد یافت و علم وحدت بر شانهٔ چنین مردانی در قطب آفاق باهتزاز خواهد امد و الا قلبیکه نیمی مشحون بشئون گذشته و نیمی مفتون شئون فاسدهٔ حالیه است در بارگاه ملکوت مردود است و مطرود و نتیجهٔ حرکتش در تمام مراحل حیات جسمانی و روحانی خیبت است و خسران و ندامت است و عصیان .....

پس یگانه راه علاج وارد شدن در ظل نظم بدیع و رهائی از نظم های گذشته و مواریث سابقه و مبادی اشراق دریه الهیه در حیات روحی و جسمی فرد و جمعیت است و تخلق باخلاق رحمانیه و تمسک بحبل اعمال مرضیه روحانیه

x+x+x+x+x+x+x+x

+x+x++x+x+x

x+x+x+x

۱۱۰ ـ سپاسگذاری بموقع

در ظل توجهات وعنایات مولای توانا وآگاه اهل بها وحمایت و تقویت محفل مقدس روحانی طهران بحمدالله لجنه ضیافات نوزده روزه یوم اول و دوم عید سعید رضوان در امور انتخابات محفل طهران موفقیتی شایان شکرگذاری بدست آورد . از ساعت ۷ ½ صبح روز شنبه جمعیت ناظمین جلسات ضیافات طهران و هیئت سه نفری مستخرجین هر جلسه و دو نفر معاونین ناظمین بنهایت نشاط و خلوص و انبساط بمحلهای پنجگانه که جهت اخذ آراء تعیین شده بود روا وردند . شور و نشور ساعات اولیه که ناشی از احساس مسئولیت وشروع فعالیت است با آرامش و توجه و هوش و فطانت متصدیان در ساعات متوالی روز که در بعضی موارد تا قریب به نصف شب امتداد یافت برای هر ذی بصری منظره های شیرین و فراموش نشدنی تشکیل میداد . جمعیت احساس میکرد که عضوی مؤثر از هیکل عظیم امرالهی است . و کاری نافع و مفید و منطبق با ارادهٔ مولای عزیز انجام میدهد دلسوزی و راهنمائی هادیان طریق هم که خود حاکی از انجذاب وعلاقه است بی صدا نیست امیدواریم همین همت ارباب هدایت تا سنهٔ آینده پس از مشکلات را حل وتسویه نماید و طریقی اسهل و احسن بما بنمایاند نتیجه و خلاصهٔ سعی وهمت و صحت عمل و حرارت عدهٔ متجاوز از صد نفر از ناظمین و همین عده معاونین و سیصد نفر و پنجاه نفر از مستخرجین این بود که :

۱ ـ جمیع آراء ازنفوس شناخته شدهٔ مسجل وارد صندوق رای گردید .

۲ ـ هر رای دهنده بمعرفی اصلح وانسب نفوس یعنی ناظم جلسهٔ ضیافت خود حق دادن رای بصندوق را اجراء نمود .

۳ ـ سر ورقه ها که برای هدایت محفل مقدس ولجنهٔ احصائیه اسنادی مفید است بدست آمده .

۴ ـ اگر عدهٔ قلیل از بهائیان موفق بدادن رای نشده اند اسامی آنها در لجنه معلوم است و در این سنه به انها تذکرات مخصوص داده خواهد شد ولی در سنوات بعد اسامی آنها اعلان میشود .

۵ ـ بعضی از نفوس غیرعضو با ادرس صحیح معرفی شده ولجنه ضیافات انها را بجلسات دعوت خواهد نمود .

۶ ـ اسامی نفوسی که حق رای داشته اند در استخراج بدست آمده وبرای اینده ایام این صورتها که در دست محفل مقدس است برای هدایت جامعه و استفاده تشکیلات بسیار نافع است .

۷ ـ عدهٔ آراء از ۲۶۰۰ (سنه قبل) به ۴۲۵۲ رای رسیده است در صورتیکه آراء غیر مسجلین و نفوس شناخته نشده باطل گردید وعده کثیری از بهائی زادگان که تازه بسن ۲۱ رسیده بودند و باطمینان متعدالمال لجنه احصائیه برای تسجیل و دادن رای مراجعه مینمودند بواسطهٔ عدم حضور نمایندهٔ لجنه احصائیه در محل انتخاب موفق به تسجیل و دادن رای خود نشدند وآراء انها نیز جزو این جمع نیامده است .

اگر لجنه احصائیه طبق متعدالمال خود نمایندگان بهر پنج محل میفرستادند نتائج عظیمه در راه تسجیل نفوس جدید گرفته میشد . این لجنه کرارا این نکته را گوشزد عموم یاران ارجمند این مدینه منوره نموده که همکاری و معاضدت جمعی دوستان در هر امری ضامن شمول تایید و حصول موفقیت است. نتائج عظیمه و فتوحات باهره جامعه طهران در این انتخاب در سایه بکار بستن همین نکته بدست آمده است . چه که اگر چنین نبود استخراج آرا کثیره که هر یک دارای نوزده بوده و در این سال که مقدمات آشنائی و شناسائی احبا فراهم گردیده آرا بدرجه اعلی متشتت و ثبت نفوس منتخبه حائز اشکالات زیاد بوده باین نظم و آرامش و سهولت حاصل نمیگشت .

لجنه ضیافات از عرض شکر و سپاس باستان مولای عزیز بیهمتای اهل بها جهت حصول این موفقیت عاجز است ولی در عین حال بنام جامعه بهائی طهران زحمات عموم متصدیان این امر را صمیمانه تقدیر نموده از درگاه مولای یگانه شمول الطاف و مواهب لا نهایه برای مزید موفقیت آنان رجا مینماید .

×+×+×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۱ ـ جناب عباس طاهری عضو محترم انجمن شور روحانی (نماینده آباده) که دو سال پیاپی بعضویت محفل مقدس روحانی ملی منتخب و در افق این مدینه باشراقی تازه موجب سرور و مایه استفاضه جامعه یاران غیور اند در صنعت شعر و عالم ادب صاحب فکری روشن و ابتکاری مبرهن اند

ازافکار ایشان
ما عجالةً ره آوردی بدست آورده تقدیم خوانندگان عزیز میکنیم . امیدواریم دوستداران سخن از ایشان استفادهٔ بیشتری فرمایند و ما را نیز بی نصیب نگذارند .

چیست دانی طریق اهل بها — بندهٔ بندهٔ بها بودن
خیر خواه جهانیان گشتن — خادم خلق بی ریا بودن
دست هر اوفتاده بگرفتن — یار بد بخت بی نوا بودن
خویش را وقف دوستی کردن — از غم دشمنی جدا بودن
قانع رزق خویشتن گشتن — از قیود طمع رها بودن
دیدهٔ عیب بین فرو بستن — پردهٔ ساتر خطا بودن
از مخالف هزار تیر جفا — خوردن و بر سر وفا بودن
پیش شمس جمال غصن بها — کمتر از ذره در هوا بودن
غصن ممتاز اگر کند تایید — بتوان بندهٔ بها بودن

×+×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۲ ــ مرقومهٔ محفل مقدس روحانی طهران

۱۰۲
نمره ۱۶۳ — بتاریخ ۱۴ شهرالجمال
ضمیمه — مطابق ۲۱/ ۴/ ۲۴

لجنهٔ مجللهٔ ضیافات نوزده روزه طهران

متمنی است بعموم جلسات ضیافات ابلاغ فرمائید که احباء الهی باید راجع باستعمال چادر و چادر نماز رعایت مقتضیات وقت و محل را نمایند البته در این امر اعظم حجاب مقرر نیست و هر جا مانعی نباشد اماء الرحمن باید بدون حجاب و با لباسی در نهایت عفت و عصمت و متانت بیرون ایند .

موفقیت کل را در کسب رضای مولای توانا رجا دارم
منشی محفل :

×+×+×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۳ ـ مرقومهٔ لجنهٔ ملی مسافرت

نمره ۳۹۰ بتاریخ ۱۰/۲/۲۴

لجنهٔ ضیافات نوزده روزه طهران

متمنی است بوسائل مقتضی باطلاع یاران عزیز مدینهٔ منوره طهران برسانید که هر موقع قصد مسافرت بسایر نقاط دارند برای اخذ صورت نقاط مهاجرنشین مسیر حرکت خود و ملاقات و تشویق احباء مهاجر و رساندن اخبار و بشارات امری بانها بلجنهٔ مسافرت ملی که روزهای شنبه و دو شنبه از ساعت ۶ بعد از ظهر در حظیرة القدس منعقد میشود تشریف اورده و بدین وسیله کمکی در پیشرفت امر خطیر هجرت نمایند . لجنه مسافرت

×+×+×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۴ ـ مرقومهٔ کمیسیون تذکر سال قبل

نمره ۱۵ بتاریخ ۱۱/۱۱/۲۳

بطوریکه خاطران یاران مستحضر است یکی از وظایف اهل بها که عندالله مقبول و محمود است اجتماع احباب و مشایعت جنازه متصاعدین الی الله است که خود باعث اعزاز امرالله و تذکر و تنبه احباء الله است ولی بطوریکه تا حال مشاهده شده انطوریکه شایسته و بایسته است اینعمل بنحو احسن واکمل انجام نشده لذا از آن لجنه محترمه خواهشمند است

طی نامه ئی از محفل مقدس روحانی درخواست فرمایند دستوری بلجنه محترمه ضیافات نوزده روزه مبنی بر تهیه و تکثیر متحد المالی بجلسات ضیافات در این باره برآیند مزید تایید وتوفیق آن ذوات نورانی را از درگاه قدس الهی خواستاریم .

×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۵ ـ بشارت تازه

از امثال سائره است (من جدّ وجد) کسیکه جستجو کرد به مقصود رسید . ودر این باره هر قسومی گفتنیهای زیاد دارند . در ظل این امر اعظم در این باب تصریح وتاکید زیاده از حد احصا است منطق بشر هم باین نکته مذعن ومعترف است که در گفتن اثری عمیق است و در تکرار و استمرار و ادامه واستقامت اثری عمیق تر .

گفته ایم و از تکرار عار نداریم که چند گوینده چند نویسنده وچند خواننده وچند شنونده گوی سبقت را برای جامعهٔ بهائی نخواهند ربود تا روزی درست میشود که همه گوینده وهمه نویسنده وهمه خواننده و همه شنونده باشیم واین اعمال حیاتی را همه بموقع انجام دهیم .

بر این گفتن ها آثاری بزرگ وعمیق مترتب بوده که بعضی مشهود ومحسوس گشته وبسیاری در شرف ظهور و بروزاست یکی از آثار باهره همین نکته است که بالاخره در سنه ماضیه از طرف محفل مقدس روحانی طهران اجازه تشکیل جلسات فوق العاده در لیالی جمعه بلجنهٔ ضیافات نوزده

روزه داایجاد شده است و به پیشنهاد این لجنه محفل مقدس بجمیع لجنه های ملی و محلی دستور داده است که لیالی جمعه را بکاری جز همین کار بزرگ اختصاص ندهند و این تمام مطلب نیست بلکه قسمت مهم تر آن این است که در نفوس نیز رغبت باین جلسات پیدا شده داوطلبان فرارا نند و طالبین از توقع ما افزون .

با این مواهب و استعدادات اگر لجنهٔ ضیافات از فرصت استفاده بنماید و خدمتی عاشقانه و جدیتی صمیمانه بخرج ندهد ظلمی عظیم مرتکب گشته است . بیست نفر از فضلا و ارباب همت انتخاب گشته وقبول کرده اند که لیالی جمعه خود را صرف این خدمت جلیل فرمایند از هر جلسهٔ ضیافت هشت الی ده نفر داوطلب که هریک از یک عائله و حتی الامکان با سواد و شائق بتکمیل اطلاعات و ترقی در مدارج ارتقاء معنوی و ظاهری باشند انتخاب میشوند . چهل الی پنجاه نفر از این نفوس در محلیکه تعیین خواهد شد هر شب جمعه جمع میشوند وبساط افاضه و استفاضه منبسط و تکمیل اطلاعات و ازدیاد معلومات یاران عزیز که ارزوی این لجنه و بحمدالله مورد علاقهٔ جامعه است اغاز خواهد گشت ما از این اقدام انتظارات فراوانی داریم که موکول بهمت داوطلبان و جدیت این لجنه است هریک تصور کردیم یکدیگر را مستحضر کنیم

×+×+×+×+×+×+×+×+×

۱۱۶ ـ لجنه ضیافات متاسف است که نظر بمسافرت ممتد متصدی تکثیر طبع و نشر شماره ۱۳ و خلاصه نطق های شماره ده و شماره یازده بتاخیر افتاد . ماشین این لجنه فرسوده

واز کار افتاده است تنها جناب ذکر الله عدل متصدی تکثیر بهنشی مشکور ومهارتی موفور قادر به اعجاز اند واین ماشین متقاعد را بدادن محصولی بموغوبی تکثیرهای جزوات اخیر تا شماره ۱۲ متقاعد توانند نمود .

نتیجهٔ مسافرت ایشان ومحرومیت ما وماشین از وجود ایشان همان پرگرامی است که برای لیلهٔ صعود مبارک حضرت بهاء الله جلت عظمته تهیه شد و موجب خجلت این لجنه و محرومیت جامعه گردید . امیدواریم موانع عظیمه راه تکثیر دراین جامعه بفضل و موهبت الهیه مرتفع شود و لجنه و جامعه ازاین مر بفراغ بال واسایش خیال نایل آیند بمنه وجوده .

چون جوابی به سئوالات ما که در تحت عنوان (کمک بحافظه) دراین نشریه درج میگشت تا کنون از جلسات نرسیده وطبق تصمیم لجنه نشریه تنها برای مشترکین ارسال میشود و به جلسات ضیافات نظر بکثرت اوراق دیگر نشریه فرستاده نخواهد شد ازادامهٔ قسمت (کمک بحافظه) و همچنین (مفتاح کمک بحافظه) خود داری گردید .

لجنهٔ ضیافات طبق تعهد خود قسمتی از کتاب نظم بدیع را نیز ترجمه نموده حاضر است ولی چون باید در لجنه ملی ترجمه تصویب شود واین لجنه نظر ببدایت تشکیلات هنوز بشروع کار موفق نشده است درج ان بشماره بعد موکول گردید

لجنه ضیافات نوزده روزه ـ طهران

نشریهٔ لجنهٔ ضیافات نوزده روزه
طهران

بدایت انتشار: ۱/ ۱۱/ ۱۰۱ (۵/ ۷/ ۱۳۲۳)
شماره چهاردهم — شهر النور سنه ۱۰۲ بدیع
(۱۵ خرداد — ۲ تیر ماه ۱۳۲۴)

×+×+×+×+×

ناشر: لجنهٔ ضیافات نوزده روزه طهران
مندرجات: عموما بتصویب لجنهٔ ملی معارف و تالیفات امریه میرسد. از مقالات وارده انچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود.
شرایط اشتراک: سالیانه بیست شماره (برای هرشهر بهائی یک شماره وبرای عیدین سعیدین نوروز و رضوان یک شماره) از این نشریه منتشر میشود و حق اشتراک برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۵ ریال است ضمائم نشریه هر یک برای مشترکین چهار ریال و برای غیر مشترکین پنج ریال وقیمت تک شماره نشریه پنج ریال است وجوه تحویل صندوق محلی میشود.
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان ازاد و وسیلهٔ ارسال وجه از خارج مرکز شرکت نونهالان طهران سرای حاج رحیم خان ودر طهران ناظم جلسهٔ ضیافات وکمیسیون — ناحیه است.

×+×+×+×+×

۱۱۷ ـ غذای روح

حضرت عبدالبهاء روح العالمین لعنایاته الفدا میفرماید
((مقصود از هدایت حصول کمالات انسانیه است و این فضائل و خصائل ثمرهٔ شجرهٔ ایمان است چنانچه حضرت مسیح روحی له الفداء میفرماید " هر داری را از بارش بشناسید." پس معلوم شد اصل مقصود ثمره است لهذا باید احبای الهی حکم ملائکهٔ مقربین یابند و بخلق و خوی اهل علیین جلوه نمایند علم و دانش جویند و هوش و بینش طلبند بصداقت و امانت و سخاوت و دیانت و محبت و الفت و راستی و دوستی و گفتار و کردار خوش با جمیع من علی الارض بلا استثناء معامله نمایند و در هیچ موردی خودرا بر نفسی ترجیح ندهند و فی الحقیقه مهربان بنوع انسان باشند سنوحات رحمانیت از جمیع حالات و حرکاتشان ظاهر و اشکار باشد و معنی انسان بهائی اینست والا کار بسیار دشوار هر فردی از افراد احبا در هر بلدی (بلدی) باشد باید به فضائل عالم انسانی مشار بالبنان گردد تا بحالات و صفات و اخلاقش استدلال نمایند که شبههٔ نیست این شخص بهائی است هذا شان المخلصین و هذا خصلة المقربین .

×+×+×+×+×

۱۱۸ ـ توقیع منیع مبارک بافتخار اعضاء لجنه ضیافات نوزده روزهٔ طهران

طهران اعضای محترمهٔ لجنهٔ ضیافات نوزده روزه
جناب آقا میرزا عبدالله سپاسی امة الله روح انگیز خانم
فتح اعظم جناب آقا میرزا ذکرالله عدل جناب آقا جمشید
حق پژوه امة الله روحا خانم عطائی امة الله قمر خانم
درخشان امة الله محبوبه خانم نعیمی امة الله نجمیه خانم
علائی امة الله ملیحه خانم ناظریان آقا میرزا لطف الله
منجم آقا میرزا روح الله مودت آقا میرزا حسنقلی جلیلی
آقا محمد علی ملک خسروی و آقا میرزا عبدالحسین نعیمی
علیهم وعلیهن بهاء الله ملا حظه نمایند

نامهٔ گرامی ان لجنهٔ موقره و هیئت محترمه مورخه یازدهم شهر الشرف سنه ۱۰۱ بساحت اقدس مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه واصل و نفحات طیبهٔ حبیه که از ریاض قلوب ان نفوس زکیه منجذبه متضوع رائحهٔ روحایش در بساط تقدیس فائح و منتشر گردید این نامه هر چند بظاهر مرکب از حروف و کلمات بود ولی در حقیقت مرتب از جواهر معانی و لئالی باهرات زیرا نیت اصلیه مستند براصول آئین الهی و مستمد از اساس نظم بدیع رحمانی مراد نشر معارف واسعهٔ سامیه و مقصد بسط حقایق مقدسهٔ کامله متعالیه یقین است چنین. نشریه که در مد نظر و از منهل علم و عرفان دانشمندان بهائی زینت و طراز جوید واز قلم و فواد ملهم نخبهٔ افاضل امری بوجود اید چه تاثیرات

بهیه و چه نتائج مستحسنه ممدوحه در جامعهٔ مومنین و مومنات بخشد بسیار اظهار مسرت وابتهاج و تقدیر قیام واقدام ان هیئت نورانیه را نمودند و فرمودند بنویس اوراق ونشریات واصل و مقاصد ونوایای اعضای لجنه ممدوح و مقبول استقامت نمایند امید چنانست نتائج کلیه حاصل گردد وانچه مقصود وارزوی ان عزیزان است تحقق پذیرد همچنین فرمودند بنویس ترجمهٔ بعضی از مقالات بلیغهٔ مندرجه در مجلدات اخیرهٔ کتاب عالم بهائی و منتخبات مکاتیب عمومی این عهد راجع بنظم بدیع که در امریک مطبوع و منتشر است و همچنین ترجمهٔ رسالهٔ انگلیزی که در سنهٔ ۱۹۳٤ موسوم

امریه

راجع به معتقدات اهل بها و تبیین مبادی و وصایای مبارکه. مقدسه واصول شریعت الهیه مرقوم گشته وایضا ترجمهٔ بعضی از فصول کتاب اخیر که بلغت انگلیزی در بیان اهمیت وقایع قرن اول بهائی وانقلابات وانتصارات ان طبع ومنتشر گشته لازم و واجب استحکام اساس جامعه وتنظیم دوائر امریه و شمول تاییدات الهیه و ترویج شریعت سماویه وارتفاع شان موسسات پیروان امر حضرت رب البریه مشروط و منوط بتعمیم و تفهیم و تطبیق این مبادی اساسیه است که در این رسائل به تفصیل و بکمال وضوح اثبات و تشریح و تبیین گشته ۱۰ ایدکم الله علی هذ الامر الخطیر" اقای میرزا علی اکبر روحانی که به استنساخ نامه مبادرت نمودند مخصوصا از لسان اطهر به

بدایع لطف و مرحمت مذکور شدند وامیدوارچنانند که در جمیع شئون و احوال مشمول فضل و مرهبت واحسان ان محبوب عالمیان باشند .

حسب الامر مبارک مرقوم گردید ١٦ شهر العلا ١٧ مارچ ١٩٤٥ ١٠١

نورالدین زین

ملاحظه گردید بندهٔ استانش شوقی

×+×+×+×+×+×

١١٩ ـ اعتـــذار

لجنهٔ ضیافات نوزده روزه ازعموم اعضای محافل ضیافات مرکز و ولایات مخصوصا از مشترکین محترم بعلت تاخیری که بر اثر تغییرات لجنه ها و فراهم نبودن وسائل چاپ از روی ناچاری پیش امده معذرت میخواهد وامید واراست در اینده با نشر مرتب و بهبودی ان بیش از پیش موجبات رضایت قارئین محترم خود را فـــراهم نماید .

×+×+×+×+×+×+×

١٢٠ ـ سحـر خیزی

خوانندگان عزیز در این مقالات میخواهیم قدری در زندگانی روزانه همراه شویم و با کمال بساطت یعنی بهمان سادگی که زندگانی مردمان صافی دل وعاقل میگذرد در مراحل مختلفهٔ ان قدم بر داریم و نمونهٔ اعمال یك روز را که عمر انسانی غیر ازتکرران چیز دیگر نیست در مد نظر اوریم و به بینیم چگونه میتوان روزی را بخیر و خوشی شروع کرد

و با مسرت و رضایت خاطر به پایان رسانید .

در فواید سحر خیزی بزرگان بسیار گفته و نوشته اند و بعقیدهٔ اهل بهاء اگر هیچکس چیزی در اینخصوص نگفته بود این بیان جمال اقدس ابهی بتنهائی تمام فضیلت و منقبت اثرا اشکار میساخت و حاجت به برهان و شاهد دیگر نبود که میفرماید :

طوبی لمن توجه الی مشرق الاذکار فی الاسحار ذاکرا متذکرا مستغفرا . . . . . .

و حضرت عبدالبهاء توضیحا در یکی از نطقهای مبارک میفرماید :

((. . . . خوشا بحال نفوس طیبه که با قلوب طاهره و نوایای خالصه و ارواح مستبشره و وجوه ناظره توجه به مشرق الاذکار نمایند و با نهایت خضوع و خشوع و با کمال تذلل و انکسار بتلاوت مناجات و ترتیل ایات مشغول شوند و از کاس بیانات الهیه صهبای حقایق بنوشند و از بحر آیات ربانیه لئالی اسرار بدست ارند . . . . .) چون این اثار عظیمه مترتب بر مشرق الاذکار است لازم است که احبا در هر شهر و دهکده ولو یک اطاق در زیر زمین باشد باسم مشرق الاذکار قرار دهند))

این مطلب واضح است که نسیم جانبخش سحری جانی تازه و طراوت هوای صبحگاهی و نکهت و خضارت سبزه و چمن لذت بی اندازه بانسان میبخشد جسم انسانی پس از عارضهٔ خواب کسالتها و خستیگهای روز پیش را فراموش

کرده روح سبکبار جولانی دیگر دارد و پرواز بعوالم لاهوت قدس الهی طلبد و در این حال جسم و جان تا حدی از تعلقات عالم ناسوت رهیده توجه بساحت عز کبریا نماید و در عوالم خوش روحانی سیر و سفر کند . یقین است که هر یک از ما مکرر لذت این کیفیات روحی و حظوظ معنوی را چشیده ایم و میدانیم که در چنین حال راز و نیاز بـه درگاه خداوند بی انباز چه شور و انجذابی و تنبه و اشتعالی در وجود انسان تولید میکند .

پس اولین وظیفهٔ شخص در بامداد یعنی انگاه که سر از بستر خواب بر میدارد ادای فریضهٔ نماز بساحت خداوند بنده نواز است تا دمی فارغ از تزاحمات زندگی و قبـل از اشتغال بامور دنیوی بخود و خدای خود پردازد و از او عون و مدد خواهد و قوای روحی خود را برای مواجهـه بـا مشکلات حیات روزانه آماده و تقویت نماید .

وسیلهٔ حصول این تقویت روحی و عروج بعوالم لا نهایهٔ الهی اولا تلاوت آیات و مناجات است و ثانیا تمعن و تـدبر در معانی و مضامین آنها تا هر کس بفراخور حال و استعداد خود در مدارج معرفت و تعالی سیر و سیاحت کند و باین عهد خدا وفا کند که میفرماید : ((اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه ...))

و مسلم است که این فراغت بال و توجه کامل در مشرق الاذکار که منسوب بحق و مخصوص ذکر او است بهتر فراهم گردد چه شخص فارغ از عالم خارج بکلی خود را در محضـر

معبود یکتا بیند و تمام اعضاء واجزایش بلسان حال بنعت و ستایش ان ذات بیزوال پردازد . درعالم ظاهر هم - گذشته از فضائل روحی چه بسا نفوس که به برکت عادت - ممدوحه سحر خیزی دست به اقدامات مهمه ئی زدند که در اوقات دیگر برای انها میسر نمیشد و سود فراوان بدست اوردند و حتی در معارف و صنایع وکمالات نفع سرشار و استفادهٔ بسیار بردند .

پس ما راست که از این موهبت بهره گیریم وعلاوه بر- انبساط جان و روان در سبیل سلامتی جسم و تن نیز اهتمام ورزیم یعنی روز را بذکر حق با شادی و شعف روحی و جسمی شروع کنیم تا ابواب خیر و فلاح بروی ما گشوده گردد و روزی شاد و خرم بشام رسانیم .

×+×+×+×+×

۱۲۱ - نظم بدیع بهائی

منبع ومبدء نظم بدیع بهائی مخزن اصلی که متضمن عوامل گرانبهای تمدن الهی و تاسیس واستقراران تمدن ازوظایف اولیهٔ ائین جلیل بهائی است .

تاسیس و استقرار تمدن الهی از وظایف اولیهٔ ائین جلیل بهائی است و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء وکتاب مستطاب اقدس تماماً بمنزلهٔ کنز اصلی عوامل گرانبهای این تمدن میباشد . البته مفید و موجب مزید اگاهی و تبصر است که بعضی از اصول اساسیه این دو کنز مکنون را بخاطر

بیاوریم برای اینکه بدانیم که چگونه این دو سفر کریم به یکدیگر نزدیک و از حیث سبک و طریقه و منظور با یکدیگر مشابه و موافق اند باید مندرجات هریک را بدقت مطالعه نمائیم . علاوه بر اینکه نمیشود گفت که در حقیقت واقع مفاد هریک با دیگری غیرمرتبط و متباین میباشند بر هر محقق منصفی معلوم و مبرهن است که این دو سند مکمل و مثبت یکدیگر و از اجزاء لاینفک هستند بهمچنین هرگاه مندرجات انها را با سایر آثار مقدسه الهیه مقایسه کنیم درک خواهیم نمود که با الفاظ ومعانی وظاهر و باطن ایات و کلمات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء مطابق و موافق میباشند . فی الحقیقه هرکس کتاب مستطاب اقدس را بدقت وتمعن تلاوت نماید بخوبی خواهد یافت که در بسیاری از موارد موسساتی که حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکهٔ وصایا بیان فرموده اند ازان مستفاد میشود . بنظر چنین میرسد که حضرت بهاء الله بصرف اراده بعضی امور را در کتاب احکام الهی متعمدا مسکوت گذاشته اند و مندرجات صریح و موثق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء این نکات و دقایق را بدست اهل بها داده است

بیوت عدل محلی و ملی

باید دقیقا بخاطر داشت که بیوت عدل محلی و ملی هر دو در کتاب مستطاب اقدس منصوص و همچنین تاسیس محفل روحانی ملی که هیئت وسطی و در الواح وصایا به

نام بیت‌عدل ثانوی مذکور است به صحه و تصویب مخصوص حضرت عبدالبهاء رسیده است و طریقهٔ انتخاب بیوت‌عدل ملی و بین المللی در الواح وصایا و آثار مبارکه بسیاری بقلم حضرت عبدالبهاء تبیین گشته است بعلاوه موسسات صندوق ملی و محلی نیز که حال از ضمائم لازمه قاطبهٔ محافل محلیه و ملیه است نه تنها در الواح حضرت عبدالبهاء بافتخار یاران شرق تصریح گشته بلکه لزوم و اهمیت انها نگارا در بیانات شفاهیه و آثار مبارکه تاکید شده است.

تمرکز قدرت در ایادی نمایندگان منتخبه جمعیت مومنین و لزوم اطاعت و انقیاد هر یک از متمسکین بعروهٔ وثقی از اوامر و آراء با مطالعهٔ محافل روحانیه رجحان اتفاق آراء در مورد شور و قاطعیت رای اکثریت و حتی ممدوحیت اجرای نظارت دقیقه نسبت بمطبوعات بهائی بنص قاطع الواح مسلمهٔ معتبرهٔ حضرت عبدالبهاء مقرر گشته است.

هر گاه ما از یکطرف تعالیم وسیعهٔ انسانیت پرور انه حضرتش را قبول کنیم و از طرف دیگر با بی اعتنائی مفرون بغفلت تعالیم مختصهٔ ایشان را رد نمائیم بی وفائی اشکاری نسبت به محبوبترین شئون حیات مبارک مرتکب گشته ایم.

در اینکه بموقع خود بیوت‌عدل قائم مقام محافل روحانیه امروز خواهند بود و از هر حیث این محافل و بیوت‌عدل با یکدیگر مشابه اند و انفصالی از یکدیگر ندارند در آثار صادره از قلم اطهر حضرت عبدالبهاء تصریحات اکیده موجود است. حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب باعضاء اولین

محفل روحانی شیکاغو که اولین هیئت منتخبه بهائیان ایالات متحده بوده ان محفل را بخطاب بیت العدل شهر شیکاغو مخاطب فرموده اند باین نحو بدون هیچگونه تردیدی مطابقت محافل روحانیه فعلیه را با بیوت عدل مذکوره در آثار قلم اعلی تصریح فرموده اند بدلائلی که فهم ان مشکل نیست لازم و مقتضی بوده است که به هیئت های نمایندگان جامعه های مختلفهٔ بهائی در عالم موقتاً نام محافل روحانیه داده شود و هر قدر وضعیت و منظورات دیانت بهائی بهتر مفهوم گردد و مورد اذعان و قبول واقع شود این اصطلاح تدریجاً متروک و اصطلاح مناسب تر و دائمی بیت العدل معمول خواهد گردید . نه تنها محافل روحانیه کنونی در اینده ایام بنام دیگری خوانده خواهند شد بلکه هر وقت که در نتیجهٔ شناسائی و رسمیت ائین جلیل حضرت بهاء الله نه بنام یکی از مذاهب و ادیان مختلفه رسمیهٔ عالم بلکه بنام یک دیانت حاکمهٔ مسلطهٔ یکی از دول مقتدره مستقله دنیا لزوم اقتدارات و وظایف و امتیازات دیگری احساس گردد ان اختیارات نیز بوظایف کنونی محافل افزوده خواهد شد . و چون دیانت بهائی جماعات ملل در شرق و غرب عالم را تحت سیطرهٔ خود در اورد و حقایق مکنونهٔ اصلیهٔ ان مورد قبول و استقبال اکثریت نفوس عدهٔ از دول مستقله عالم واقع گردد بیت عدل اعظم الهی به حد اعلای قدرت و کمال خود خواهد رسید و بنام هیئت عالیه مجموعه ملل دنیائی بهائی جمیع حقوق و وظایف و مسئولیت هائی را که در اینده برعهده

دولت اعلای دنیائی وارد است اجرا و تنفیذ خواهد فرمود .

×+×+×+×+×

۱۲۲ ـ اشعاری است که جناب متصاعد عندلیب سروده اند و از قرار معلوم هنگام طفولیت مولای توانا و محبوب اهل بها این اشعار را متقدمین احباء بلحنی خوش در جوار مهد جلال وعظمت میخوانده اند

ماه تابان لائی لای روح روان لائی لای
ارام جان لائی لای شیرین زبان لائی لای
هستی بگساهواره مانند ماه پاره
طفلی و شیر خواره شکر دهان لائی لای
خفته میان مهدی جهدی نمای جهدی
وز جام عهد شهدی کن نوش جان لائی لای
جمشید دهد به دستت از بادهٔ الستت
سازد زباده مستت شاه امان لائی لای
کرده طلوع و اشراق خورشید عهد و میثاق
روشن شده است افاق در این زمان لائی لای
حق ظاهر است و مشهود حقی که بوده معهود
بد خواه او است مردود این را بدان لائی لای
ذرات جمله مستند مست ازمی الستند
در بزم جان نشستند شاد و خندان لائی لای

ای کودک ملک خو سیمین بر سمن بو
کی میشوی سخنگو چون بلبلان لائی لای
از عنصر بهائی زاب و گل خدائی
افغان کبریائی شو شاد مان لائی لای
موجی ز بحر جودی سبط شه وجودی
در محفل شهودی شمع تابان لائی لای
در گلشن محبت هستی گل حقیقت
در آسمان رفعت نجم رخشان لائی لای
جان پروری و دلبند لعل لب تو چون قند
حفظت کند خداوند از هر زیان لائی لای
آب و گلت سرشته از عنصر فسرشته
در جبهه ات نوشته خط ایمان لائی لای
باشی همیشه گویا در ذکر شاه ابهی
گردد بدستت اعیا پیرو جوان لائی لای
جز ذکر کردگارت هرگز مباد کارت
بادا همیشه یارت سر سبحان لائی لای
ای ماه گلعذارم ای شاه با وقارم
هستی تو غمگسارم روز و شبان لائی لای
از شوق وانجذابت ناید بدیده خوابت
رفته قرار و تابت ارام جان لائی لای
ای نو گل شگفته در مهد نا زخفته
خود عندلیب گفته در گلستان لائی لای

× + × + × + × + ×

١٢٣ ـ نقل از کتاب بهجت الصدور ـ تالیف جناب
حاج میرزا حیدرعلی علیه بهاء الله

. . . . . و به سبزوار که بمدینة الخضراء از قلم مبارک مالک ملکوت بقا متباهی است وارد شد . . . و مرحوم مغفور ـ شریعتمدار حجة الاسلام مسلم خراسان که مجتهد بی نظیر وبلوح امنع اقدس مفتخر و لوح مبارک منیع را لفافه نموده در کلاه زیر عمامه اش بجهت حفظ حرز نموده مکرر ملاقات نمود واین عالم نحریر در مسئلهٔ متحیر بود در احاطهٔ علمیه و شئونات قدرتیه وغلبهٔ سلطنت ربانیه واعظمیت واکملیت از ظهورات قبلیه و ثمره و نتیجه جمیع نبوات و رسالات و موعود جمیع صحف و زبر و کتب و الواح نبیین و مرسلین است موقن و مذعن بود و در دو مسئلهٔ خوارق عادات مذکوره در کتب قبل و بعد توقف داشت و متحیر بود و کشف حقیقتش میخواست فانی اصرار نمود از چه قبیل معجزات اظهار فرمود سنگ ریزه در دست مبارک حضرت رسول جواهر شد و سوسمار شهادت برو رسالتش داد ذکر شد معجزات و خوارق عادات ظهورش از انبیاء حق لا ریب فیها ولی. اهل بها بفضل الله عاقل و حکیم اند و بیانیکه طرف مقابل بتواند انکار و تکذیب کند و نسبت وهم و اشتباه دهد نمی. نماید. از حضرت اجل عالی سئوال مینمایم سنگ ریزه بامر مبارک تبدیل بجواهر شود اعظم است در اثبات اعجاز و خارق عادات یا سنگ ریزه باشد و بامر مبارک قیمت وثمن وبهایش از هر جواهری بل جواهرهای * وعالم شهیر بود وازامرالله مطلع وباندازهٔ موقن وازقلم سلطان قدم و نیر اعظم هم)

عالم بیشتر شود فرمود این به مراتب اعظم و اکبر و اظهر و اعلی است ذکر شد. حجر الاسود اگر در بیابانی و سنگلاخی افتاده بود زیادتی بر سایر سنگها داشت که چشم زیادتیش را مشاهده کند و اثرا بر دارد فرمود - نداشت عرض شد بامر مبارک مسجود عالم شد و تقبیل و بوسیدنش تقرب الی الله و قیمتش از جمیع جواهر های دری زمین بیشتر شد این معجزهٔ حضرت رسول واحدی ازمنکرین اسلام و ملل مکذبهٔ قبل میتوانند انکار نمایند فرمود نه و خود ایشان فرمودند اما سنگ ریزه را همه منکرند و اثباتش ممکن نیست مگر داخلهٔ اسلام تعبدا قبول مینمایند و ازعرض ثانی بسیار مسرور شد و فرمود - حقیقت معجزه را دانستم و کشف شد پس خوشتر سوسمار را هم بیان نما تا بیشتر مسرور و محظوظ شوم وهمین قوت بیان اهل بهاء وحاضر جوابی و حقیقت گوئی و کشف مطالب نمودن نشان معجزهٔ بزرگی است . ذکر شد سوسمار چند مرتبه شهادت داد فرمود یک مرتبه عرض شد زمان این شهادت چقدر است فرمود یک ثانیه یا نیم دقیقه ذکر شد چند نفر شنیدند فرمود محدودی ذکر شد ممکن است اثباتش فرمود محال است عرض شد انصف بالله ثانی به قدر سوسماری نیست که سی سال است در قطب عالم فریاد مینماید و بجمیع دلائل و براهین و حجج وبینات اثبات مینماید که حق سبحانه و تعالی بظهور مظهرش ظاهر شده بسیار خندید و مذعن و موقن و خاضع شد ۰۰۰ ص ۱۹۱

١٤ ـ در مذمت غیبت ـ اثر طبع جناب عزیزاله سلیمانی

این مار که نام او دهان است
ماری است دران که او زبان است

چون باز شود دهن زبان را
زهری است که آفت جهان است

این جرم صغیر فتنه انگیز
گه دشنه بود گهی سنان است

در گفتن عیب و نقص اشخاص
دارای هزار داستان است

اندر هدف لطیف دلها
تیری است که جسته از کمان است

دامن کن دوستان و یاران
بنیان کن عمر و خانمان است

هر کس نه زبان خود نگه داشت
آسوده و ایمن از زبان است

وانکس نه بجای غیبت خلق
گویندهٔ حسن مرتضان است

مشمول عنایت الهی است
خرم چو نسیم صبحگاهی است

×+×+×+×+×

نشریه لجنه ضیافات نوزده روزه
طهران
بدایت انتشار: ۱/ ۱۱/ ۱۰۱ (۵ / ۷ / ۱۳۲۳)
شماره پانزدهم – شهر الرحمة سنه ۱۰۲
(۳ تیر – ۲۱ تیر ماه ۱۳۲۴)

×+×+×+×

ناشر: لجنه ضیافات نوزده روزه طهران
مندرجات: عموما بتصویب لجنهٔ ملی معارف و تالیفات امریه میرسد. از مقالات وارده انچه بتصویب رسد بنام صاحب مقاله درج میشود.
شرایط اشتراک: سالیانه بیست شماره (برای هر شهر بهائی یك شماره) از این نشریه منتشر میشود و حق اشتراک برای بیست شماره در تمام نقاط ایران ۷۵ ریال است – ضمائم نشریه هر یك برای مشترکین چهار ریال و برای غیر مشترکین پنج ریال و قیمت تك شماره نشریه پنج ریال است وجوه تحویل صندوق محلی میشود.
اشتراک نشریه برای عموم بهائیان آزاد و وسیله ارسال وجه از خارج مرکز شرکت نونهالان طهران سرای حاج رحیم خان و در طهران ناظم جلسهٔ ضیافات و کمیسیون ناحیه است.

×+×+✱+×+×

۱۲۵ ـ اهل بها بفضل وعنایت من طاف حوله الاسماء بخوبی دریافته و میدانند که در این دنیای منقلب و مشوش که چون یمّ محیط در جوش و خروش است و امواج خشمناک آن در هر گوشه و کنار بعنان اسمان میرسد و پایه های موسسات عتیقه و معتقدات دول و ملل را از بیخ و بن میکند تنها راه نجات و فلاح همان تشبث و توسل بذیل سفینه امرالهی است که در میان این امواج متلاطم و زوبعهٔ عظمی ملاذ و ملجاء ضعفا و مظلومین است ویقین است که به اراده و مشیت من لی قبضته زمام الاشیاء راکبین خود را علی رغم این طوفان مهاجم بسر منزل مقصود میرساند. این مطلب در پیش اهل بها که با نظری روشن و با قلبی منزه از شئونات ملکیه بفضاء محتوم الهی متوجه اند از مسلمیات وبدیهیات است بحدیکه احتیاج بدلیل وبرهان ندارد انجا که عیان است چه حاجت به بیان است و هرچند تفهیم بدیگران نظر بتعلقات و الودگیهای متفرقه ئی که دارند تا حدی مشکل است ولی شکر خداوند قادر متعال را که با امدادات خفیه وعوامل فعاله دست قدرتش دائما در کار است و از تمام این انقلابات و تغییرات و تبدیلات که در عالم صوری و معنوی واقع میشود ارادهٔ نافذه و مشیت غالبه اش خلق درمانده و مستمند و گمراه را بشاهراه هدایت و نجات میکشاند وبضجه و ناله های کودکانه و جاهلانه انها که ناشی از عدم تشخیص طریق صواب است مشفقانه معامله کرده و بر حسب رحمت عامه نوع بشر نا مطیع و طاغی را چون پدر مهربان با کمال شفقت و محبت رهبری میفرماید تا نفع خود را بشناسد و راه را از چاه تمیز دهد.

ما اهل بهاء بیقین مبین میدانیم که آنچه در آثار و الواح مبارکه متعالیه درباره تشویق مؤمنین بخدمت و فداکاری در راه امر مبارک نازل شده صرفا از جهت منت نهادن بر این مشت ضعفا و مستمندان است که فیض بریم و کمالات و فضائلی کسب نمائیم و باین وسائل خود را به استان مقدسش و خادمین امرش انتساب دهیم والا مسلم است از همان دم که مشیت اولیه بظهور وجه منیر و امر قویمش در این عصر جدید تعلق گرفت تمام عناصر و عوامل و قوا و وسائل برای انجام و تحقق امر عظیمش و پیشرفت نظم بدیعش بصورت ظاهر و باطن و در کمال ترتیب و انتظام بکار افتاده و شکی نیست در موقع معین استقرار تام خواهد یافت . ولی باید بخاطر داشت که برای انشای چنین عمارتی عظیم و جلیل و تاسیس چنین مدنیتی بی مثیل اول باید قصور عتیقه پوسیده و بناهای کهنه و فرسوده و تاسیسات قدیمی و غیر مناسب و بالاخره آنچه که مانع تاسیس چنین مدنیت الهی است بر اثر انقلابات هائله و تشنجات هادمه و ایادی مخربه برافتد و تمام اصول و قواعد و مقررات و سنن موضوعهٔ بشری بمعرض امتحان و آزمایش درآید و عدم لیاقت و استعداد خود را برای ادارهٔ دنیای آشفته و درهم ریخته اثبات نماید تا نوع انسان مشهودا علنا بچشم سر و سزاز مجهودات و نتائج افکار بشری خود کاملا مایوس شده بدرگاه خالق مهربان روی آورد و به او پناه برد و مشاهده کند در همانحال که او در صحرای گمراهی سرگردان و از مواهب و عطایای الهیه غافل بود و مایوسانه بهر طریق در طلب راه نجات میگشت ید قدرت الهیه به مقتضای فضل سابقهٔ خود بساط راحت و آسایش او را فراهم آورده و تمام وسائل

نجاح و فلاح دنیا و اخرتش را ما فوق انچه بتصور اید د ر
ضمن صنع بدیع و امر عظیمش در دسترس او گذاشته است .
پس ما که قبل از دیگران باین نکته لطیفه واقف و به بارگا ه
عظمت حق پی برده ایم باید قدر این نعمت بدانیم و بـــه
مقتضای قدر شناسی عمل کنیم همت را بلند نمائیم و دامن خدمت
بکمر زنیم تا از نعمای الهی بهرهٔ موفور بر گیریم و بمصدا ق ـ
این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء رفتار کنیم که میـــفرماید
"ای یاران بساط این جهان پیچیده و اغاز حیات بانجـــا م
رسیده گردد نه خوشی و راحت ماند و نه زحمت و مشـــقت
نه توانگری ماند و نه مستمند ، نه اسایش جـان ماند و نـــه
ارایش جهان جمیع زائل و نجوم افل است چیزی که از برا ی
انسان باقی و پایدار است رضای حضرت پروردگار و روش و سلوك
مطابق تعالیم جناب امرزگار اگر کسی بگفتار و رفتار و کـــردار
ابراز برخوردار شود فرشتهٔ اسمانی گردد و مورد تائید سروش
حضرت یزدانی وسعت و فسحت دل و جان یابد و لطافـــت
و نورانیت وجدان جوید هر چند در زمین است اسمانی گردد
و هر چند در خاکدان تاریك است نورانی گردد ....."

× + × + × + × + ×

۱۲۶ ـ نقل از مجله بهائی بقلم انیس رودت (ترجمه جناب فیضی)

چه افتخار بزرگی داشتم که روز اخر اقامت حضرت عبدالبهاء
در امریکا بحضور مبارکش مشرف گشتم مرا سئوالی بود که مدتهـا
میخواستم از محضر انور بنمایم ولی بیم ان داشتم که در جـــواب
مرا مامور بنطق و خطاب بهر کس و در هر محل بنمایند لذا دیری

گذشت که این سئوال در قلبم پنهان بود تا انکه روز اخر بخود امده گفتم حق الواقع شرم اور است که از موقعیت استفاده ننمایم چون بحضور رسیدم نورا فرمودند ایا کسی سئوالی دارد؟ بیدرنگ پرسیدم بهترین طریقه تبلیغ امر حضرت بهاء الله چیست؟ چهرهٔ مبارکش تغییر کرد و با لحنی بس مهیمن بیانات ذیل را فرمودند :

" اولین قدم ایجاد طلب روحانیت در قلب است و بعد دارا شدن حیات بهائی حیات بهائی طریقهٔ بدست اوردن. این عطش تفکر و تمعن در بارهٔ حیات جاودانی یعنی دارعقبی است کتب مقدسه و کلمات انبیاء را بخوانید و تحصیل کنید و تفکری بخصوص در ایات حضرت بهاء الله بنمائید ــ دعا و تفکر این دو عامل مهم را فراموش ننمائید خیلی وقت صرف این دو کار بنمائید البته با این ترتیب رفته رفته ان عطش و طلب در قلب شما جایگیر خواهد شد وفقط پس از تحصیل این کیفیت است که میتوانید دارای زندگانی بهائی گردید برای اینکه حیات بهائی دارا باشید باید مهربانترین شخص عالم گردید خالصترین و پاکترین همه شوید فقط و فقط طرفدار حق و حقیقت باشید و حیاتی کاملا بر طبق اصول الهی دارا گردید همسایگان خود را محبت کنید در موقعیکه مریضند دیدن نمائید و چون در زحمتند راحتی بخشید بهر نحو که ممکن است به خدمتشان پردازید و از روی صمیمیت بانها نشان بدهید که ایشان را دوست دارید و از صمیم قلب مایل بخدمتگذاری ایشان میباشید فقرا را بخشش کرده غذا برایشان بفرستید هرچه دارید با سایرین قسمت کنید وانچه خداوند برایتان مقدر فرموده

راضی باشید به کسانیکه بشما اطمینان دارند نهایت امانت و وفا داری ابراز دارید هرگز جز طریق مهر و وفا مپوئید . با طرز حیات خود بجهانیان نشان بدهید که گوهری در دل و روحی غیر دیگران دارید کار را بجائی رسانید که همه بگویند این شخص چه دارد که ما نداریم بعالمیان نشان بدهید که درعین رنج و محنت و در بحبوحه فقر و تنگدستی و بیچارگی و نا خوشی چیزی در قلب دارید که تسلی روح شما است بجمیع بنهمانید که شما را گنجی در دل است که در گرداب بلا یا قلب را قدرت و روانرا آرامی و اطمینان بخشوده شما را مشعوف و پر نشاط ساخته قوی و مستحکم نگاهداشته و در برابر سختی و مصیبت راضی و خشنودتان میگرداند وقتی چنین شد همه طالب میگردند که از آن گوهر ثمین و گنج روان داشته باشند و چون حال بدینموال گردد دیگر تبلیغ را زحمتی نیست فقط باید به طالبین بگوئید که این درگرانبها چیست .

× + × + × + × + ×

۱۲۷ ــ اثر طبع ادیب اریب جناب میرزا عباسعلی بینش ــ

مرود شستی

سجده گاه دل من طاق دو ابروی بهاست
محراب من و منزل من خاک سر کوی بهاست
جنت و خلد نخواهم بتو ارزان واعظ
چه که چشم همه جا جانب مینوی بهاست
بطبیبم مسپارید و میارید بمم
درد جان ودلم از نرگس جادوی بهاست

نافهٔ مشك مریزید به منزلگه من
که دماغ دل و جان جمله پراز بوی بهاست
مفریبید مرا از طمع کوثر و خلد
خلد من روی بها کوثر من جوی بهاست
بگلستان و جنان چند مرا میخوانی
گلشن جنت جان پرور من خوی بهاست
هر دم ار تیر بچشم بخورد باکی نیست
تیر گر از مژه و قوس گر ابروی بهاست
گر بشمشیر زنندم که روم سوی دگر
نرود دل چه که رویش همه سو سوی بهاست
پا نهادم بکلیسا و کنیسا شب دوش
دیدم اندر همه جا جوش و هیاهوی بهاست
خلقت کون و مکان لوح و قلم کرسی و نور
همه از کاف کن و از اثر هوی بهاست
هر کجا عارفی و صاحب وجدانی هست
همه را گردن در حلقهٔ گیسوی بهاست
در بیابان حقیقت دل صد موسی و نوح
در تکاپو همه اندر پس اهوی بهاست
شاهبازان عقول وخرد و دانش و فضل
در هوای طلب دوست پرستوی بهاست
بسوی قتلگه ارم ز طرب روی سجود
تا که برگردن جانم رسن از موی بهاست
نغمه ام هست نکو لهجهٔ من بس شیرین
چونکه طیر دل من مرغ سخنگوی بهاست

بینشـــا جمله فتوحات که تو میبینـی
همه از یك اثـر قوت بازوی بهاست

×+×+×+×

۱۲۸ ــ نقل از کتاب بهجت الصدور تالیف جناب حـــاج میرزا حیدرعلـــی

. . . . و جناب حاج عبدالحسین سابق الذکر فرمودند اقـا میرزا حسینی است منشی شجاع الدوله اگر صد هزار نفـر عاقل عالم فاضل حکیم فطن بشماریم از کل مقدم است و شخصی استلا مذهب طبیعی دائم السکر ولی دیدنی است خبـر کردیم وعصر منزلش رفتیم و شب را ماندیم تا نیمساعت از افتاب برامده نشستیم و صحبت داشتیم از هر طرفی صحبت مینمـود که راهی برای تبلیغ بگشاید ملتفت میشد و مسدود مینمـود و از کثرتیکه خوش محاوره و تقریر و خوش فهم بود هر قدر فانیرا عاجز مینمود خلوص محبتم بیشتر میشد و همتم در تبلیغش زیادتر تا صبح شد و خواستیم مرخص شویم ذکر شد از کتب و الـواح این امر زیارت نموده ئی فرمودند نه عرض شد چرا نفـرمود نخواستم و وجدانم ازاد است یك کتابخانه کتاب داشت ذکـر شد لجاجت وغرض و مرض است اینهمه کتابی که داری و همه را مهمل و موهوم میدانی محض اطلاع میخوانی سبب چیست کـه از خواندن کتب ما و اطلاع مقاصد ما فرار داری فرمود فـلانی زمینم زدی وعاجزم کردی از اول شب تا حال با تو کشتی گرفتم واخر تو غالب شدی و درست میگوئی کتابی بفرست بخـوانم کتاب مبارك ایقان را فرستاد عصری نوشت شب برویم منـزلش

و بیرون خانه اش کتاب را میخواند و منتظر بود تا وارد شدیم و جالس شد و کتاب را باز نمود و فرمود تا حال کتابی بخوبی و تمامی و فصیحی این کتاب نوشته نشده است انبیاء و حکماء وعرفا وعلما کل عاجزاند از اوردن یک سطر و یک مطلبش و صاحب این کتاب ولو خدائی ادعا کند حقش است و ثابت فرماید و کل باید تصدیق نمایند و شب گاهی کتابرا میخواند و وقتی ستایش مینمود که در این کتاب مشعر و مدرک وعقل و ایمان وایقان جدید بدیعی در خلق خلق فرموده است و ده دوازده مرتبه خواند و خواست سواد کند حاج عبدالحسین داشت تقدیمش نمود کتاب احکام خواست و کتاب اقدس را زیارت نمود موقن و مطمئن به نبوات و رسالات و ظهورالله شد و خمهای شرابش را داخل اب کرد و زمین باغش را سقایه نمود و تریاک و حشیش را ترک نمود و اهلش را ترغیب نمود و بخانه های علما رفت و محاجه نمود و هر قدر نهیبش کردند فایده نکرد و بسیاری را به لالت و هدایت نمود و بشاء نی علما را عاجز نمود که از شجاع الدوله اخراج فانی را خواستند ... ص ۱۹۸

×+×+×+×

۱۲۹ ـ دکتر اسلمنت (ترجمه جناب ابوالقاسم فیضی)

شرحی مبسوط در کتاب عالم بهائی برای تخلید نام نفس مقدس که عاشقانه باستان الهی خدمتگذاری نمود مندرج گردیده که قسمت ذیل ازان ماخوذ و ترجمه گشته :

" حیات ابدی دکتر اسلمنت از سال ۱۹۱۲ شروع گردیده در این سال بمساعدت اطبای بسیاری در مسئله خدمات طبی کشور

مشارکت نمود رساله ایکه در این خصوص نگاشت و بعد در مجمع اطبا قرائت کرد بقدری مورد توجه و تقدیر قرار گرفت که منشاء خدمات و اقدامات طبی کثیری در ان بلدان گردید خانم یکی از همکاران دکتر که سال ۱۹۱۱ در لندن بشرف لقای حضرت عبدالبهاء نائل گشته بود اول کسی است که در ۱۹۱۴ با دکتر اسلمنت صحبت امری بمیان اورد و رسائلی چند برای تکمیل اطلاعاتش بوی داد ۰ اسلمنت که سراسر عمر را در تحری حقیقت بسر برده و هر طریقی را برای وصول بان پیموده و جمیع ابوابرا برای رفع عطش عواطف روحانیه خویش مسدود یافته و ارامش باطن و اطمینان روح نیافته بود بمحض استماع پیام حضرت بهاء الله چنان در تحت تاثیر جمال و کمال ان قرار گرفت که یکباره دل بباخت و بدون اتلاف وقت و فرصت جمیع کتبی که بلسان انگلیزی راجع بامر مبارک نگاشته شده بود جمع اوری نمود و بنهایت دقت بتحصیل یک یک انها پرداخت فی الحقیقه مصداق کامل کلمات محبوبمان گردید که میفرماید " مبارک باد نفسیکه چون پیام الهی باو رسد روح خود را زنده یابد (ترجمه) ترقی او در تحصیل کتب مقدسه بقدری سریع بود که یکسال بعد به مرابطهٔ خود دستور داد چه کتبی را برای مزید اطلاعات خویش در بارهٔ امر الهی بخواند ۰ چون بشارات الهیه را اخذ کرد و بشرف ایمان نائل امد مفصلا یکی از اصدقاء بهائی خود در منچستر مرقومه ای نگاشت که هر جمله ای از ان حاکی است که با چه صمیمیت و کمالی تعالیم الهیه را پذیرفته و چقدر عمیقانه در انوقت کم توانسته حقایق اسمیه را تحصیل و اشتراک نماید ۰

... اگر چنانکه از خود و خود خواهی دست برداریم مطیع ارادهٔ الله گردیم و مجرای روح عظیم الهی شویم خواهیم دید که برای ترقی و تعالی روح انسانی در ظل تاییدات اسمانی حدودی متصور نیست . روح الهی در هر وجودی مودوع است ولی چه بسا که این ودیعهٔ الهیه را فرصت جلوه و ظهور نمیدهند بلکه انرا در خود فانی و منعدم میسازند و از تاثیر باز میدارند . این امانت اسمانی بمثابه نهالی است که برای رشد و نمو خود محتاج بحرارت شمس و فیضان سحاب رحمت است ـ تابش خورشید و ریزش ابر فضل و مکرمت الهی لازم است که ان روح پرورش یافته بظهور و بروز حقیقی خود فائز گردد . انسانرا قلبی است که میتواند ابوابش را برای اخذ آلاء و نعماء الهی مفتوح دارد و هم میتواند که دریچه هایش را بسته و خود را از هر نعمتی محروم و ممنوع سازد . اگر از جهان و امیال دنیهٔ ان دل برکنیم و بسوی خدا متوجه شویم در عوالم روح به ترقیات لا تحصی مفتخر میشویم توجه بحق یعنی فقط تفرس و تحقیق تام در بارهٔ حقایق اشیاء نه صور ظاهره انها . این علاقه و تجری در کائنات سبحانیه بایستی روز افزون باشد و هر یومی ما را به درجه ای اعلی از قبل رساند جلوه بیرونی موجودات را فقط پوشش حقایق داخلی و هر یک را باید مشارق ظهور عظمت الهی بشمریم ـ شود ایا روزی که ساکنین این جهان همه روی دل ـ سوی او گردانند و همانطور که حضرت بهاء الله فرموده با قلوبی طافح از خضوع و انکسار متوجه حق شوند و از استان قدسش تمنای بخشش و تقدیس نموده و استغاثه فضل و رحمت کنند

اگر چنین شود ملکوت الهی در قلوب و ارواح استقرار یابد و جهان خاک دار واحد و ساکنینش اعضاء یک عائله گردند .

این نفس مقدس طبق اوامر حضرت بهاء الله توجه بحق نمود و بمحض وصول بدرجهٔ ایقان باندازه سر موئی از طریق محبت و عدالت انحراف نجست و این حقیقتی است که هر کس مفتخر بملاقات او شده و نطقهای شیرینش را شنیده منکر نمیگردد . و چون همان روح محبت صمیمی را در نوشته های خود وارد کرده نفوسی هم که با کلمات او موانس شوند اذعان بحقیقت فوق مینمایند .

خدمات تبلیغی او بیشتر از اقدامات تحریری وی بوده . عالم تبشیر و خدمتش در شهر برنموث آغاز گردید . در انجا جمعی از متمسکین بامر الهی در تحت قیادت و سرپرستی وی گرد هم امده محفل روحانی محلی تشکیل دادند و دکتر اسلمنت اولین رئیس محفل انتخاب گردید و تا سالیکه از انگلستان بیرون رفت بران خدمت مستمر و مداوم بود . از طرف بهائیان همان نقطه نیز نماینده انجمن شور روحانی گردید و سپس به عضویت محفل ملی مشرف و نائل شد (بقیه در شماره اینده)

x+x+x+x

۱۲۰ ـ از وصول نشریهٔ جوانان بهائی قزوین شماره اول سال چهارم که با اسلوبی بدیع و هیئتی زیبا و مطالب جالب توجه نشر میشود و یک نسخه باین لجنه رسیده بی نهایت تشکر داشته و مزید تاییدات لجنهٔ جوانان بهائی قزوین را که با همتی خستگی نا پذیر باینگونه خدمات باهره میپردازند خواستاریم .